

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام درس: توسعه اقتصادی
رشته های : حسابداری و مدیریت

نوشته: یگانه موسوی جهرمی

انتشارات دانشگاه پیام نور

تعداد واحد: ۳

تهیه کننده :
دکتر محمدلشکری

استادیار دانشگاه پیام نور - مرکز نیشابور

بخش‌هایی که باید مطالعه

شود عبارتند از:

تمام کتاب به جز

صفحات ۱۶۰ تا ۱۹۵ و ۲۷۳ تا ۳۱۰

هدف درس

هدف این درس آشنا ساختن دانشجویان با مفاهیم رشد و توسعه اقتصادی و نظریه ها و مدل‌های رشد و توسعه اقتصادی است.



بخش اول

توسعه اقتصادی

فصل اول

رشد و توسعه اقتصادی

طرح درس

۱- مقدمه

۲- تعریف و مفهوم رشد و توسعه

۳- معیارهای اندازه گیری توسعه اقتصادی

۴- ویژگیهای مهم توسعه اقتصادی

۵- رشد مدرن اقتصادی کوزنتس

هدف کلی

هدف کلی فصل اول آشنایی

دانشجویان با مفهوم رشد و توسعه

اقتصادی و معیارهای اندازه گیری

توسعه اقتصادی است.

هدفهای رفتاری

۱- آشنایی با تعریف و مفهوم رشد و توسعه اقتصادی

۲- آشنایی با معیارهای اندازه گیری توسعه اقتصادی

۳- آشنایی با ویژگیهای مهم توسعه اقتصادی

۴- آشنایی با رشد مدرن اقتصادی کوزنتس

۱-۱ مقدمه

مطالعه جدید در زمینه توسعه اقتصادی از آدام اسمیت شروع شده و به مارکس و کینز و اقتصاددانان معاصر منتهی می شود.

برای رشد و توسعه اقتصادی تعاریف متعددی وجود دارد. در بخش بعدی به چند تعریف اشاره می کنیم.

۱-۲ تعریف رشد اقتصادی

رشد ترجمه کلمه (Growth) به معنی بزرگ شدن است رشد یک معنی کمی و عددی دارد و با یک معیار قابل قبول قابل اندازه گیری است. مثل قد، وزن، سن و جمعیت.

رشد تغییر کمی هر متغیر طی یک دوره زمانی معین است.

کیندل برگر رشد اقتصادی را فقط به معنای تولید محصول بیشتر به کار می برد.

فریدمن رشد را گسترش سیستم اقتصادی در جهات
مختلف بدون تغییر در زیر بنای آن می داند.

موسوی جهرمی رشد اقتصادی را افزایش تولید
ناخالص ملی یک کشور در یک دوره زمانی معین
تعریف می کند.

در تمام تعاریف رشد اقتصادی به عنوان یک پدیده
کمیّ تغییرات در میزان تولید ملی است

۳-۱ تعریف توسعه اقتصادی

توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. در تعاریفی که از توسعه اقتصادی ارائه شده به طور ضمنی به مفهوم بهبود و گسترش وضع اقتصادی کشورها اشاره شده است. توسعه اقتصادی فقط به رشد اقتصادی محدود نمی شود بلکه در بعد گسترده تری مسائل مربوط به فقر، نابرابری، شهر نشینی، مهاجرت، بیکاری، توزیع درآمد و شاخصهای اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

میردال می گوید توسعه اقتصادی عبارت است
از حرکت یک سیستم یک دست اجتماعی به
سمت جلو و همچنین به عقیده وی در توسعه
نه تنها روش تولید و توزیع محصولات و حجم
تولید مد نظر است بلکه تغییرات در سطح
زندگی، نهادهای جامعه و سیاستها نیز مورد
توجه است.

کیندل برگر توسعه اقتصادی را هم تولید بیشتر و هم پدید آن تحول در چگونگی تولید محصول می داند. به نظر وی مفهوم توسعه از رشد گسترده تر است چون شامل ایجاد تحول در چگونگی تولید و تخصیص مجدد منابع و نیروی کار در تولیدات گوناگون است.

به نظر فریدمن توسعه عبارت است از یک روند خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی.

بلاک معتقد است که « توسعه اقتصادی عبارت
است از: دستیابی به تعدادی از هدفهای مطلوب از
قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری های
اجتماعی و اقتصادی، کسب دانش و فن و مهارتهای
جدید، بهبود در وضع نهاده ها و یا به طور منطقی
دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از
سیاستهای مختلف که بتواند انبوه شرایط نامطلوب
یک نظام اجتماعی را برطرف سازد.»

به نظر جرال د میر توسعه اقتصادی عبارت است از فرآیندی که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طویل المدّت، افزایش می یابد. توسعه اقتصادی مستلزم چیزی بیش از رشد اقتصادی است.

از نظر جرال د میر توسعه اقتصادی هدف نیست بلکه وسیله ای برای نابودی فقر و ایجاد شرایط بهتر اجتماعی است.

موسوی جهرمی توسعه را افزایش مداوم ظرفیت تولید یک جامعه که بر اساس تکنولوژی درون زا و پیشرونده پی ریزی شده است تعریف می کند.

۱. ۴ معیارهای اندازه گیری توسعه

اقتصادی

بسیاری از اقتصاد دانان تلاش نموده اند تا معیارهای کمی و قابل اندازه گیری برای درجه توسعه یافتگی جوامع ارائه نمایند. برخی از اقتصاد دانان نیز شاخصهای کیفی برای اندازه گیری درجه توسعه یافتگی ارائه نموده اند. شاخصهای توسعه در طول زمان متکامل تر شده اند.

مهمترین شاخصهای اندازه گیری توسعه
عبارتند از:

۱- تولید ناخالص ملی

۲- تولید سرانه واقعی

۱. تولید ناخالص ملی

اولین شاخص اندازه گیری توسعه اقتصادی است. ارزش تمام کالاها و خدمات نهایی تولید شده به قیمت جاری طی یک دوره مالی معین. معمولاً یک سال است. به نظر می رسد کشوری که بالاتری داشته باشد از قدرت، ثروت و امکانات بیشتری برخوردار است. این شاخص تا حدی گمراه کننده است زیرا متغیرهای اساسی نظیر رشد قیمتها، رشد جمعیت، توزیع درآمد، آلودگی محیط زیست، اقتصاد زیر زمینی و تولید خود مصرفی انعکاس مناسبی در آن ندارند. به همین دلیل شاخص دیگری به نام تولید ناخالص واقعی سرانه تعریف شده است که تا حدی بعضی از متغیرهای اساسی را منعکس می کند.

۲. تولید سرانه واقعی

دومین شاخصی که برای اندازه گیری توسعه اقتصادی معرفی شده تولید واقعی سرانه است. تولید واقعی سرانه عبارت است از تقسیم تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت تقسیم بر کل جمعیت کشور. این شاخص اثر رشد جمعیت و رشد قیمت‌ها که در تولید ناخالص ملی اسمی وجود داشت را تعدیل می کند ولی اثر توزیع درآمد، تولید برای خود مصرفی، اقتصاد زیر زمینی و آلودگی محیط زیست را منعکس نمی کند.

۵-۱ ویژگیهای توسعه اقتصادی

۱- تدریجی بودن

۲- خودگردانی و استمرار

۳- خود اتکایی

۴- خود کفایی

۱- تدریجی بودن

تحول در ابعاد و ساختارهای اجتماعی،
بنیادهای سازمانی، نگرشها و باورهای
مردم در طی زمان صورت می گیرد و
ماهیتاً امری تدریجی است.

۲- خودگردانی و استمرار

اگر نظام اقتصادی و همچنین ساختارهای اجتماعی یک کشور طوری سازماندهی شده باشند که در یک شبکه مرتبط و هماهنگ نیازهای یکدیگر را خود برآورده نمایند، در صورت بروز بحران قادر خواهند بود که به حرکت خود به سوی توسعه ادامه دهند.

۳- خود اتکایی

ضروری است که کشور در جریان تولید کالاهای استراتژیک و مورد نیاز جامعه نظیر بذر اصلاح شده، کود شیمیایی، آب و ماشین آلات کشاورزی به عوامل تولید خارجی وابستگی کلی نداشته باشد.

همبستگی و ایجاد وابستگی متقابل نه تنها یک ضرورت بین المللی است بلکه موجب رشد و رونق اقتصادی جوامع می شود.

۴- خود کفایی

کشور باید در تولید کالاهایی که در تأمین نیازهای اولیه کشور نقش اساسی دارند نظیر گندم و برنج و همچنین در تولید کالاهایی که دارای بیشترین پیوندهای پیشین و پسین هستند نظیر اتومبیل خود کفا باشد.

۶-۱ رشد مدرن اقتصادی کوزنتس

کوزنتس افزایش مداوم درآمد سرانه کارگر که با افزایش جمعیت و تغییر ساختاری گسترده همراه است را رشد مدرن اقتصادی نامیده است.

مطالعه کوزنتس در ۵ حوزه زیر صورت گرفت:

- ۱- صنعتی شدن
- ۲- شهری شدن
- ۳- وضعیت درآمدی افراد متأثر از روند شهرنشینی
- ۴- توزیع محصول بین مصرف، سرمایه گذاری و هزینه های دولتی
- ۵- جنبه رشد اقتصادی بین المللی

تعریف رشد مدرن اقتصادی

افزایش بلند مدت ظرفیت تولید به

منظور افزایش عرضه کالاهای هر

چه متنوعتر به مردم را رشد مدرن

اقتصادی می گویند.

نوآوریهای تاریخی و دوران نوین

کوزنتس به سه زمینه اجتماعی اشاره می کند:

۱- دنیا گرایی: تمرکز زندگی بر روی زمین

۲- مکتب مساوات بشر: انسانها به اندازه یکسان حق

مشارکت در جامعه انسانی دارند

۳- ناسیو نالیزم: تعلق به مکان خاص و فرهنگ خاص

ویژگیهای رشد مدرن اقتصادی

۱- افزایش ذاتی در نرخ رشد جمعیت

۲- افزایش نرخ تولید سرانه

۳- تأثیر نافذ تکنولوژی و تغییرات سازمانی بر روی کارایی در

کلیه بخشها

۴- تحولات ساختاری در اقتصاد و در بخشهای مختلف تولیدی

۵- تغییرات تکنولوژیک مهمترین عامل تغییرات در تولید

بخشهای مختلف و توزیع نیروی کار بوده است.

سؤالات فصل اول

- ۱- رشد اقتصادی را تعریف کنید.
 - ۲- توسعه اقتصادی را تعریف کنید.
 - ۳- تفاوت رشد و توسعه اقتصادی را بیان کنید.
 - ۴- توسعه اقتصادی را چگونه می توان اندازه گیری کرد؟
 - ۵- اگر ملاک توسعه را تولید ناخالص ملی بدانیم چه متغیرهای اساسی را در نظر نگرفته ایم؟
 - ۶- اولین کتابی که در زمینه توسعه اقتصادی نوشته شد چه نام دارد و نویسنده آن چه کسی است؟
- الف. علل ثروت ملل - کینز
ب. علل ثروت ملل - مارکس
- ج. علل ثروت ملل - اسمیت
د. سرمایه - مارکس
- ۷- رشد اقتصادی یک مفهوم و توسعه اقتصادی یک مفهوم..... است.
- الف. کمی - کمی
ب. کمی - کیفی
ج. کیفی - کمی
د. کیفی - کیفی

۸- کدام گزینه اثر رشد جمعیت و رشد قیمت‌ها را منعکس می‌نماید؟
الف. GNP ب. GNP واقعی

ج. تولید سرانه د. تولید سرانه واقعی

۹- نظریه توسعه اقتصادی در چه زمانی مطرح شد؟

الف. قبل از جنگ جهانی اول ب. قبل از جنگ جهانی دوم

ج. بعد از جنگ جهانی دوم د. بعد از جنگ سرد

۱۰- مطالعه جدید در زمینه اقتصاد توسعه توسط چه کسی شروع شد؟

الف. جان مینارد کینز ب. کارل مارکس

ج. آدام اسمیت د. دیوید ریکاردو

۱۱- تولید ملی اسمی ارزش تولیدات را بر حسب کدام قیمت‌های زیر

اندازه‌گیری می‌کند؟

الف. ثابت ب. نهایی ج. همان دوره د. واقعی

پایان فصل اول



فصل دوم

ویژگیهای کشورهای در حال توسعه

طرح درس

۱- مقدمه

۲- ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه

۳- ویژگیهای غیر مشترک کشورهای در حال توسعه

هدف کلی

هدف کلی فصل دوم آشنایی دانشجو با ویژگیهای مشترک و غیر مشترک و موانع توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است.

هدفهای رفتاری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می تواند:

- ۱- ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه را ذکر نماید.
- ۲- ویژگیهای غیر مشترک کشورهای در حال توسعه را ذکر نماید.
- ۳- موانع توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را بیان نماید.
- ۴- پیشنهاداتی برای برطرف نمودن موانع توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه ارائه نماید.

۱-۲ مقدمه

همان گونه که در فصل اول اشاره شد کشورهای جهان به سه دسته سنتی، در حال توسعه و صنعتی طبقه بندی می شوند. در حال حاضر جوامع سنتی به ندرت وجود دارند. و اغلب کشورهای جهان حرکت خود را از مبدأ جامعه سنتی به سمت جامعه صنعتی آغاز کرده-اند به این جوامع کشورهای در حال توسعه می-گویند چون در حال عبور از یک مرحله تاریخی به یک مرحله تاریخی دیگر هستند.

هرگونه حرکتی از جامعه سنتی به طرف جامعه صنعتی معلوم نیست که به توسعه منتهی شود بلکه تنها حرکت در مسیر صحیح و متناسب با توان کشور و درک شرایط بین-المللی و استفاده از فرصت‌های موجود در سطح جهان است که یک کشور را به توسعه می رساند. کشورهای در حال توسعه یک سری ویژگی‌های مشترک و یک سری ویژگی‌های متفاوت دارند.

۲-۲ ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه

بیان ویژگیهای اقتصادی مشترک کشورهای در حال توسعه موجب می شود که بتوانیم این کشورها را در چارچوب مشابهی بررسی کنیم و آنها را به طور دقیق تر طبقه بندی کنیم. ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه عبارتند از:

۱- پایین بودن سطح در آمد سرانه

۲- کمبود سرمایه و نرخ ناچیز تمرکز سرمایه

۳- وجود انواع دوگانگی

۴- وابستگی اقتصادی

۵- نرخ بالای رشد جمعیت و بار تکفل

۶- نرخ بالای بیکاری

۷- بزرگ بودن بخش کشاورزی

۱. پایین بودن سطح درآمد سرانه

سطح زندگی عمومی مردم در اکثر کشورهای در حال توسعه بسیار پایین است. اغلب مردم این کشورها از حداقل نیازهای اساسی مانند مسکن، بهداشت، خوراک، پوشاک، امنیت و آموزش برخوردار نیستند. نتیجه پایین بودن سطح زندگی، پایین بودن بازدهی نیروی کار، پایین بودن درآمد سرانه، پایین بودن نرخ رشد اقتصادی، وسعت فقر، توزیع ناعادلانه امکانات از جمله درآمد، ثروت و فرصتهای شغلی و تفریحی است.

۲. کمبود سرمایه و نرخ ناچیز تمرکز سرمایه

اغلب کشورهای در حال توسعه مشکل کمبود سرمایه دارند. کمبود سرمایه از دیگر پیامدهای فقر در کشورهای در حال توسعه است.

فقر موجب پایین بودن بهره‌وری

پایین بودن بهره‌وری موجب کمبود پس‌انداز

کمبود پس‌انداز موجب کمبود سرمایه

می‌شوند.

۳. وجود پدیده دوگانگی

تودارو دو گانگی را وجود دو موقعیت یا پدیده در کنار هم (یکی مطلوب و دیگری نامطلوب) که مشمولیت کلی ندارد؛ مثلا فقر شدید و وفور نعمت، بخشهای مدرن و سنتی اقتصادی، رشد و رکود، تعداد معدودی با تحصیلات دانشگاهی و توده بی سواد تعریف می کند. بخش کشاورزی و بخش صنعتی کشورهای در حال گذر دارای ارتباط بسیار ضعیفی هستند به نحوی که هر بخش چه از لحاظ گرفتن یا دادن عوامل تولید و چه از لحاظ گرفتن یا دادن کالاهای ساخته و نیمه ساخته خود با بخش مقابل فاقد ارتباط لازم است.

انواع دوگانگی

دوگانگی انواع گوناگون دارد که عبارتند از:

۱. دوگانگی تکنولوژیکی

۲. دوگانگی مالی

۳. دوگانگی فرهنگی

۴. دوگانگی اقتصادی

۵. دوگانگی منطقه‌ای

۶. دوگانگی جغرافیایی

۷. دوگانگی اجتماعی

۸. دوگانگی شهری - روستایی

۹. دوگانگی صنعتی - کشاورزی

۱۰. دوگانگی بخش رسمی - بخش غیر رسمی

۴. وابستگی اقتصادی

اغلب کشورهای در حال گذر تک محصولی هستند و برای صادرات محصول خود به کشورهای صنعتی وابستگی دارند. منظور از تک محصولی این است که رقم عمده صادرات آنها را یک محصول مثل شکر در کوبا، قهوه در برزیل، برنج در پاکستان و مواد معدنی در سایر کشورها- تشکیل می دهد. این کشورها برای انبار کردن، حمل و نقل و سایر مراحل صادرات دچار مشکل هستند و درآمد صادراتی آنها به همین دلیل بسیار ناچیز است. این امر باعث شده تا سهم کشورهای در حال گذر در تجارت جهانی سیر نزولی داشته باشد.

۵. نرخ بالای رشد جمعیت

نرخ زاد و ولد در کشورهای در حال گذر بسیار بالا است ولی به علت کاهش نرخ مرگ و میر در دهه های اخیر تفاوت این دو نرخ نسبتاً بالا است. در حال حاضر نرخ رشد جمعیت در کشورهای در حال گذر به طور متوسط ۲ درصد است که در مقایسه با نرخ رشد جمعیت در کشورهای صنعتی که حدود ۰/۵ درصد است بالا می باشد

بار تکفل

به افراد سالمند، کودکان و افراد غیر شاغل در سن
فعالیت بار تکفل اقتصادی می گویند چون تولید
کننده نیستند و افراد شاغل مسئولیت اداره آنها را
برعهده دارند. به علت بالا بودن نرخ بیکاری و نرخ
رشد جمعیت و بار تکفل در این کشورها بسیار
بالاست.

۶. نرخ بالای بیکاری

در کشورهای در حال توسعه از نیروی کار به طور نامناسب و غیر کارا نرخ کم استفاده می-شود به همین دلیل نرخ بیکاری آشکار و پنهان، و کاری آشکار و پنهان بسیار بالاست.

طبق آمارهای رسمی تعداد زیادی از نیروی فعال این کشورها فاقد شغل افراد آمارها دائمی و آبرومند در شأن اجتماعی خود هستند. علاوه بر قوانین زیادی نیز وجود دارند که بیکار بوده ولی به علت عدم آگاهی از اجتماعی کار اطلاعات خود را به نهاد مربوطه از جمله اداره کار و امور نداده و لذا جزو آمار بیکاری محسوب نمی-شوند. بنابر این آمار بیکاری می ارائه آشکار خیلی بیشتر از ارقامی است که توسط مقامات رسمی شود.

۷. وابستگی به واردات از کشورهای صنعتی

کشورهای در حال گذر به شدت به واردات کالای صنعتی ساخته شده و نیمه ساخته و انتقال تکنولوژی و مواد مصرفی و حتی مواد غذایی کشورهای توسعه یافته نیاز دارند.

واردات این کشورها همراه با “ اثر نمایشی ” طبقه مرفه جامعه سبب افزایش هر چه بیشتر واردات می شود.

۳.۲ ویژگیهای غیر مشترک کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال گذر از لحاظ ساختار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوتها نشان می دهد که نمی توان یک الگو یا برنامه برای توسعه تمام کشورها ارائه نمود بلکه هر کشوری با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی خود باید برنامه ای بومی و ملی تدوین و اجرا نماید. در این بخش به ویژگیهای غیر مشترک کشورهای در حال توسعه می پردازیم.

این ویژگی‌های عبارتند از:

۱. اندازه کشور از لحاظ جغرافیایی، جمعیتی و درآمدی
۲. سوابق تاریخی، وابستگی خارجی، سلطه و استعمار
۳. منابع انسانی و مادی
۴. ترکیب فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی و بخش دولتی
۵. ساختار اقتصادی
۶. ساختار سیاسی

۱. اندازه کشور از لحاظ جغرافیایی، جمعیتی و درآمدی

اندازه جغرافیایی یک کشور، جمعیت و سطح درآمد ملی سرانه از عوامل مهم تعیین کننده توسعه اقتصادی محسوب می شوند، این عوامل یک کشور را از سایر کشورها متمایز می کند. برخی از کشورها مثل چین از لحاظ جغرافیایی بسیار بزرگ و دارای مناطق و آب و هوای متنوع هستند و برخی نظیر بنگلادش بسیار کوچک و دارای کمترین تنوع آب و هوایی هستند. برخی از این کشورها جمعیت بسیار زیاد دارند نظیر هند و چین که حدود یک میلیارد نفر جمعیت دارند و برخی نظیر سنگاپور، کویت و قطر جمعیتی کمتر از ۳ میلیون نفر دارند

■ برخی از این کشورها نظیر هند درآمد سرانه ۳۵۰ دلار و برخی نظیر سنگاپور درآمد سرانه ۱۲۳۰۰ دلار دارند. هر کدام از این تفاوتها بر روند توسعه کشورها به شکل متفاوتی تأثیر می گذارد هر چه کشور بزرگتر و درآمد سرانه بیشتر باشد توان بالقوه کشور برای تولید بیشتر است. هر چه جمعیت فعال و شاغل یک کشور بیشتر و بار تکفل کمتر باشد توان بالقوه کشور برای طی مراحل توسعه افزایش می یابد.

■ برخی از این کشورها دارای ذخایر زیر زمینی فراوانی مانند نفت هستند و برخی از نظر منابع زیر زمینی بسیار فقیر هستند. کشورهای نفت خیز برخی از امکانات توسعه نظیر ارز لازم برای خرید کالاهای سرمایه ای را دارند در صورتی که بقیه کشورهای در حال گذر از چنین امکاناتی محروم هستند.

۲. سوابق تاریخی، وابستگی خارجی، سلطه و استعمار

- برخی از کشورهای در حال گذر در طول تاریخ مستعمره بوده و تحت سلطه قدرتهای بزرگ مثل انگلستان، فرانسه، بلژیک، هلند، آلمان، پرتغال و اسپانیا بوده اند. اغلب کشورهای آفریقایی و برخی از کشورهای آسیایی تحت استعمار آشکار این قدرتها بوده-اند. برخی دیگر از کشورها که دارای تمدن بزرگ بوده اند هیچ وقت تحت استعمار آشکار قرار نداشته اند. سلطه قدرتهای بزرگ موجب عقب ماندگی بسیاری از کشورها شده است.
- اغلب کشورهای در حال گذر تحت استعمار بوده اند برخی مانند هند در گذشته و افغانستان و عراق در دهه اخیر تحت استعمار آشکار بوده و برخی مثل ایران و مصر هیچگاه تحت استعمار آشکار نبوده ولی به صورت پنهان مستعمره بوده اند.

۳. منابع انسانی و مادی

■ از لحاظ منابع انسانی و ویژگی های فرهنگی ، سنتی ، مذهبی و اخلاقی تفاوت های اساسی بین کشورهای در حال گذر وجود دارد. آنها که منابع مادی و انسانی لازم را دارند سریعتر فرایند توسعه را طی می کنند و آنهایی که نیروی ماهر و متخصص و منابع اولیه را ندارند و یا کم دارند این فرایند را به کندی طی می کنند و نیاز به کمک سایر کشورها دارند.

۵. ساختار اقتصادی

■ یکی از مهمترین ویژگیها و شاخصهای مهم توسعه اقتصادی تغییر ساختار اقتصادی از سمت کشاورزی به سوی صنعت و خدمات است. ساختار اقتصادی اغلب کشورهای در حال گذر کشاورزی است. ترکیب سه بخش فوق در هر کشوری نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است.

۶. ساختار سیاسی

- در هر کدام از کشورهای در حال گذر گروه‌های ممتازی وجود دارند که به خاطر منافع مشترک با یکدیگر متحدند نظیر مالکین بزرگ، صاحبان صنایع بزرگ، بانکداران، اتحادیه‌های صنفی و احزاب سیاسی.
- ساختار این گروه‌های ممتاز در هر کشوری با سایر کشورها متفاوت است. در یک کشوری ممکن است یک ایل و یا عشیره خاص، در کشور دیگر یک حزب سیاسی و در جای دیگر طبقه اجتماعی خاصی نقش قدرت حاکمه را بازی کنند.

سؤالات فصل دوم

- ۱. ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه را ذکر نمایید.
- ۲. ویژگیهای غیر مشترک کشورهای در حال توسعه را ذکر نماید.
- ۳. موانع توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را بیان نمایید.
- ۴. بار تکفل چیست؟

۵. پایین بودن سطح بهره‌وری نیروی کار ناشی از کدام گزینه است؟

الف. سطح پایین زندگی ب. نرخ بالای جمعیت
ج. بالا بودن بار تکفل د. پایین بودن سطح بهداشت
۶. افرادی که خواهان کار تمام وقت هستند ولی برای آنها کار تمام وقت وجود ندارد در شمار کدام گروه قرار می‌گیرند؟

الف. بیکاران آشکار ب. کم‌کاران آشکار
ج. بیکاران پنهان د. کم‌کاران پنهان
۷. کدامیک از کشورهای زیر تحت استعمار آشکار بوده است؟

الف. ایران ب. مصر ج. هند د. پرتغال

۸. یکی از مهمترین عوامل توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه کمبود سرمایه است. کمبود سرمایه از کدام گزینه نشأت می گیرد؟

الف. دوره‌های باطل فقر ب. بیکاری

ج. مهاجرت د. رشد جمعیت

۹. ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه شامل چه بخش‌هایی است؟

الف. دو بخش مدرن و نیمه مدرن ب. فقط بخش سنتی

ج. دو بخش پیشرفته و عقب افتاده د. فقط بخش نیمه مدرن

۱۰. کدامیک از گزینه های زیر دلالت بر ویژگی غیر مشترک کشورهای در حال توسعه دارد؟

ب. ساختار اقتصادی
د. کمبود سرمایه

الف. پدیده دوگانگی
ج. نرخ بیکاری زیاد

۱۱. ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه در کدام گزینه آمده است؟

الف. پایین بودن درآمد سرانه - کمبود سرمایه - پدیده دوگانگی - وابستگی اقتصادی
ب. پایین بودن نرخ بیکاری - کمبود سرمایه - پدیده دوگانگی - وابستگی اقتصادی
ج. پایین بودن درآمد سرانه - تمرکز سرمایه - پدیده دوگانگی - عدم وابستگی
د. بالا بودن نرخ رشد جمعیت - بزرگ بودن بخش کشاورزی - تمرکز سرمایه - عدم وابستگی

۱۲. کدامیک از کشورهای زیر از لحاظ منابع زیر زمینی غنی تر است؟

الف. ایران
ب. توگو
ج. لائوس
د. بنگلادش

پایان فصل دوم



فصل سوم

جریان تاریخی فرایند توسعه

طرح درس

۱- مقدمه

۲- دیدگاه‌های مربوط به جریان تاریخی فرایند توسعه

۳- دیدگاه اول جریان تاریخی فرایند توسعه

۴- دیدگاه دوم جریان تاریخی فرایند توسعه

هدف کلی

هدف کلی فصل سوم آشنایی

دانشجویان با جریان تاریخی

فرایند توسعه است.

هدفهای رفتاری

- ۱- آشنایی با دیدگاه اول جریان تاریخی فرایند توسعه
- ۲- آشنایی با دیدگاه دوم جریان تاریخی فرایند توسعه
- ۳- آشنایی با مهمترین عوامل مؤثر بر صدور سرمایه
- ۴- آشنایی با انقلاب صنعتی
- ۵- آشنایی با انقلاب کشاورزی

۱-۳ مقدمه

علم اقتصاد توسعه عمری نسبتاً کوتاه دارد و به طور جدی پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است.

جریان توسعه به لحاظ تاریخی به طور همزمان در سراسر جهان آغاز نشد.

در بررسی جریان تاریخی توسعه دو دیدگاه وجود دارد.

۲-۳ دیدگاه اول

در این دیدگاه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته صنعتی در سه مرحله انجام شده است:

۱- مرحله تجمع اولیه سرمایه

۲- مرحله صدور کالا

۳- مرحله صدور سرمایه

۱- مرحله تجمع اولیه سرمایه

مرحله تجمع اولیه سرمایه از قرن شانزدهم میلادی آغاز شد و در اواخر قرن هیجدهم خاتمه یافت.

در این مرحله کشورهای استعمارگر نظیر هلند، پرتغال، اسپانیا، انگستان و فرانسه کشورهای هند و آمریکای لاتین را غارت نموده و سرمایه زیادی را از این کشورها جمع کردند.

۲- مرحله صدور کالا

در این مرحله چون تولیدات بیش از تقاضای داخلی بود کالاها را به کشورهای مستعمره صادر کردند. و بازار خود را به خارج از مرزهای خود گسترش دادند.

۳- مرحله صدور سرمایه

این مرحله بعد از جنگ جهانی اول شروع شد. در این مرحله به دلیل بالا بودن تراکم سرمایه در کشورهای اروپایی سود صنایع کاهش یافت لذا این کشورها مجبور به صدور سرمایه به کشورهای مستعمره شدند.

مهمترین عوامل مؤثر بر

صدور سرمایه

۱- فرار از مالیاتهای جاری در کشورهای

صنعتی

۲- دستیابی سریعتر به منابع اولیه و نیروی

کار ارزانتر

۳- کسب مازاد اقتصادی بیشتر

دیدگاه دوم

این دیدگاه مبدأ و ریشه اصلی پدیده توسعه یافتگی در جوامع توسعه یافته را انقلاب صنعتی می داند.

انقلاب صنعتی دو ویژگی مهم دارد:

۱- در جریان انقلاب صنعتی جوامع کشاورزی به جوامع صنعتی تبدیل شده اند.

۲- انقلاب صنعتی بر پایه علم و تکنیک شکل گرفته و تا امروز ادامه یافته است.

۱- انقلاب کشاورزی

انقلاب کشاورزی در ابتدای قرن هیجدهم در انگلستان به وقوع پیوست.

انگستان به انبار غله اروپا معروف شد.

در نتیجه مازاد تولید امکان بروز قحطی کاهش یافت.

۲- پیشرفتهای علمی، فرهنگی و اجتماعی

از عوامل ایجاد انقلاب صنعتی پیشرفت علوم در اروپا پس از قرون وسطی است.

قرون چهارم تا سیزدهم میلادی را قرون وسطی می گویند. بعد از قرون وسطی تا قرن شانزدهم را عصر رنسانس می نامند.

در پیشرفتهای فنی که آغاز گر انقلاب صنعتی علوم نقشی نداشتند.

پایان فصل سوم



فصل چهارم

تئوریهای رشد و توسعه

اقتصادی

طرح درس

- ۱- تئوری اسمیت
- ۲- تئوری ریکاردو
- ۳- تئوری مالتوس
- ۴- تئوری میل
- ۵- تئوری مارکس
- ۶- تئوری شومپتر
- ۷- تئوری روستو
- ۸- تئوری لوئیس
- ۹- تئوری میردال

هدف کلی

هدف کلی فصل چهارم آشنایی
دانشجویان با تئوریهای رشد و
توسعه اقتصادی است.

هدفهای رفتاری

- ۱- آشنایی با تئوری اسمیت
- ۲- آشنایی با تئوری ریکاردو
- ۳- آشنایی با تئوری مالتوس
- ۴- آشنایی با تئوری میل
- ۵- آشنایی با تئوری مارکس
- ۶- آشنایی با تئوری شومپیتر
- ۷- آشنایی با تئوری روستو
- ۸- آشنایی با تئوری لوئیس
- ۹- آشنایی با تئوری میردال

۱-۴ مقدمه

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد جدید و بنیانگذار مکتب کلاسیک است.

در این فصل نظریات اقتصاددانانی نظیر اسمیت، ریکاردو، مالتوس، میل، مارکس، شومپیتر، روستو، لوئیس و میردال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴ نظریه رشد اقتصادی آدام اسمیت

۱. مقدمه

آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰) اهل اسکاتلند، مشهور به پدر علم اقتصاد و بنیان گذار مکتب کلاسیک است. مهمترین اثر وی در زمینه توسعه اقتصادی کتاب “تحقیق درباره طبیعت و علل ثروت ملل” است که به اختصار ثروت ملل و گاهی علل ثروت ملل نامیده می شود.

اسمیت علل افزایش ثروت ملل یا به تعبیر امروز علل توسعه اقتصادی را به صورت زیر فهرست می نماید:

- قوانین طبیعی
- تقسیم کار
- انباشت سرمایه
- تجارت داخلی و خارجی
- افزایش جمعیت یا افزایش نیروی کار

مهمترین کشف علم اقتصاد که توسط اسمیت
صورت گرفته عبارت است از:

■ “نفع شخصی در شرایط رقابت باعث
ثروتمند شدن جامعه (افزایش تولید)
می شود. یعنی نفع شخصی در شرایط
رقابت به نفع اجتماعی تبدیل می شود.”

این نظریه دو آکسیوم مهم به دنبال دارد:

۱. آکسیوم رفتاری: انسان در رفتارهای خود (در خرید و فروش و بازار) به دنبال نفع شخصی است.

۲. آکسیوم محیط: شرایط رقابت کامل بر بازار حاکم است.

۲. قوانین طبیعی

- آدام اسمیت معتقد است در جریان فعالیت های اقتصادی قوانین طبیعی حاکم است. هر فردی در پی نفع شخصی خود است، اگر افراد به حال خود گذاشته شوند پی گیری نفع شخصی توسط افراد، نفع اجتماعی را ایجاد خواهد کرد. او معتقد است یک دست نامرئی وجود دارد که بازار را به تعادل می رساند.

- اسمیت اجرای قوانین طبیعی را مهمترین وسیله تحقق رشد و توسعه اقتصادی می داند. قوانین طبیعی به این صورت عمل می کنند که هر فردی بر اساس طبیعت خود به دنبال نفع شخصی خویش فعالیت می کند و نظام اقتصادی سود آور می شود.

۳. تقسیم کار

تقسیم کار یعنی تولید هر کالا را به مراحل تقسیم و هر مرحله را به یک فرد واگذار نماییم. اسمیت برای توضیح مفهوم تقسیم کار مثال سنجاق سازی را به صورت زیر مطرح می کند.

اسمیت تولید سنجاق را به ۱۸ مرحله تقسیم می کند:

۱. تولید سیم، ۲. بیرون آوردن سیم، ۳. صاف کردن سیم، ۴.
بریدن

سیم، ۵. تیز کردن نوک سیم، ۶. تهیه ورقه برای ته سنجاق، ۷.
تهیه

الگوی ته سنجاق، ۸. بریدن الگوی ته سنجاق، ۹. تهیه ته
سنجاق،

۱۰. وصل کردن سنجاق به ته آن، ۱۱.

اگر یک کارگر به تنهایی تمام فراگرد تولید را پوشش دهد به سختی می تواند روزی ۱۲ عدد سنجاق تولید کند. مشاهده می شود که هر مرحله از کار می تواند توسط یک کارگر انجام شود، در این صورت ۱۸ کارگر بیش از ۱۸ برابر یک کارگر در روز می توانند سنجاق تولید نمایند. اسمیت می گوید در صورت تقسیم کار هر کارگر می تواند روزی ۴۸۰۰ سنجاق تولید نماید.

تقسیم کار بدون افزایش تعداد کارگران از سه طریق تولید
را افزایش می دهد:

۱. افزایش مهارت و تخصص کارگران
۲. صرفه جویی در وقت کارگر که به طور معمول با انجام
فعالیت های مختلف تلف می شود.
۳. اختراع ماشین های زیاد و روش های جدید تولید که هر
کارگر را قادر می سازد تا به اندازه چندین نفر کار انجام
دهد.

۳. ۱ رابطه تقسیم کار و مبادله

بین تقسیم کار و مبادله یک رابطه متقابل وجود دارد انجام مبادله نیاز به تقسیم کار دارد و تقسیم کار موجب انجام مبادله می شود. با انجام تقسیم کار کمتر کسی تمایل دارد که تمام نیروی کار خود را عرضه نماید بلکه هر فردی بخشی از نیروی کار خود را مصرف می کند و مازاد آن را در مقابل اضافه تولید دیگران مبادله می کند.

۳.۲ انباشت سرمایه

افزایش خالص در موجودی سرمایه کشور “ انباشت سرمایه ” نامیده می شود. اسمیت معتقد است به علت ویژگی نفع شخصی که به طور طبیعی در انسانها وجود دارد هر فردی به علت آینده نگری و محتاط بودن مقداری از درآمد خود را پس انداز می کند این پس اندازها در دوره بعدی سرمایه گذاری می شود افزایش سرمایه گذاری موجب انباشت سرمایه و تولید بیشتری می شود.

۳.۳ تجارت داخلی

بین شهر و روستا یک تقسیم کار صورت می گیرد، روستاها مزیت نسبی در تولیدات کشاورزی دارند و مواد غذایی شهرنشینان را تهیه می کنند. شهرها در تولید مواد ساخته شده و نیمه ساخته شده صنعتی مزیت نسبی دارند و مایحتاج روستاییان را تولید می کنند.

۳. تجارت بین المللی

اسمیت معتقد است تجارت خارجی به نفع تمام کشورها است. هر کشوری با توجه به شرایط خاص طبیعی جغرافیایی، جمعیتی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود در تولید برخی از محصولات دارای مزیت نسبی است. مزیت نسبی به این معنی است که یک کشور کالایی را نسبت به سایر کشورها ارزان تر تولید می کند.

تجارت خارجی دو مزیت دارد:

۱. کشوری که مازاد تولید، مازاد نیروی کار و مازاد سرمایه دارد و برای آن تقاضایی وجود ندارد آنها را صادر نموده و کالاهای مورد نیازش را وارد می کند.

۲. ارزش تولید کالاهایی که در داخل برای آنها تقاضا وجود ندارد افزایش می یابد و ارزش تولید کالاهایی که در داخل کمبود عرضه برای آنها وجود دارد کاهش می یابد بدین ترتیب رفاه عمومی افزایش می یابد.

۳. ۵ افزایش جمعیت یا افزایش نیروی کار

اسمیت جمعیت را نیروی کار تلقی می کند بنابراین با افزایش جمعیت موافق است و آن را یکی از عوامل توسعه اقتصادی می داند. او معتقد است کار فرمایان باید دستمزدها را به بیش از سطح حداقل معشیت افزایش دهند تا کارگران تشویق به ازدواج و تولید مثل شوند و بدین ترتیب جمعیت افزایش یابد با افزایش جمعیت، عرضه نیروی کار افزایش می یابد افزایش عرضه کار موجب افزایش مصرف و افزایش سود و افزایش سرمایه گذاری و تولید بیشتر و نهایتاً رشد و توسعه اقتصادی می شود.

۳. مدل رشد اقتصادی آدام اسمیت

آدام اسمیت برای مدل رشد اقتصادی خود فرضیاتی را در نظر گرفته است. مدل فقط در قالب این فرضیات قابل تحلیل است. اسمیت مدل خود را در دو وضعیت یکی در حالتی که محصول سال قبل صرف تولید دوره جاری می شود و دیگری در حالتی که تمام محصول سال قبل صرف تولید نمی شود و بخشی از آن صرف کارگران غیر تولیدی می شود ارائه می کند.

فرضیات مدل

۱. اشتغال کامل وجود دارد.
۲. شرایط رقابت کامل وجود دارد.
۳. دولت در اقتصاد دخالت ندارد.
۴. تجارت در داخل و خارج کشور آزاد است.
۵. اقتصاد یک بخشی و تک محصولی است.
۶. محصول سال قبل انباشت اولیه سرمایه سال جاری را تشکیل می دهد.

متغیرهای مدل

مقدار محصول در دوره جاری

$$Y_t = \text{مقدار محصول در دوره قبل}$$

Y_{t-1} = دستمزد کارگر بر حسب محصول ذرت در دوره جاری

W_t = بازده یا تولید متوسط کارگر که ثابت فرض می شود.

P = تعداد کارگری که با محصول سال قبل می توان استخدام

$$\text{کرد} = \frac{Y_{t-1}}{W_t}$$

نرخ رشد اقتصادی $G = \frac{Y_t - Y_{t-1}}{Y_{t-1}}$

۳.۷.۱ وضعیت اول

در این وضعیت فقط یک نوع کارگر وجود دارد و آن هم کارگر مولد است. یعنی شرایط اشتغال کامل حاکم است و هیچ نیرویی بیکار نیست. لذا تمام محصول به دست آمده دوره قبل صرف استخدام نیروی کار برای دوره جاری می شود.

محصول دوره جاری از تعداد کارگران استخدام شده ضرب در بازده هر کارگر به دست می آید یعنی:

$$Y_t = \frac{Y_{t-1}}{W_t} \cdot P$$

$$\frac{Y_t}{Y_{t-1}} - 1 = \frac{P}{W_t} - 1$$

$$\frac{Y_t - Y_{t-1}}{Y_{t-1}} = \frac{P}{W_t} - 1$$

$$G = \frac{P}{W_t} - 1$$

تفسیر رابطه نرخ رشد اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی رابطه مستقیم با بازدهی نیروی کار و رابطه معکوس با دستمزد نیروی کار دارد. تفسیر رابطه فوق بسیار ساده است از نظر ریاضی چون در صورت قرار گرفته و علامت آن مثبت است بنابراین با رابطه مستقیم دارد. در مورد نیز چون در مخرج قرار گرفته و علامت آن منفی است بنابراین با رابطه معکوس دارد.

اگر هر دو متغیر و یا نسبت آنها ثابت بماند نرخ رشد اقتصادی ثابت خواهند ماند.

۲.۷.۳ وضعیت دوم

■ در این وضعیت فرض می شود که در اقتصاد دو نوع کارگر وجود دارد:

۱. کارگران تولیدی: نیروهایی هستند که در بخش کشاورزی اشتغال به کار دارند و در تولید ذرت مشارکت دارند.

۲. کارگران غیر تولیدی: نیروهایی هستند که در بخش های دیگر اشتغال به کار دارند و در تولید محصولات غیرکشاورزی مثل معلمی، وکالت، پرستاری و سایر مشاغل خدماتی اشتغال به کار دارند ولی در تولید محصول ذرت مشارکتی ندارند.

برای سادگی فرض می شود α درصد از محصول دوره قبل برای نیروهای مولد و $1-\alpha$ درصد برای نیروهای غیر مولد صرف می شود.

$$\frac{\alpha Y_{t-1}}{W_t} \quad \frac{Y_t - Y_{t-1}}{Y_{t-1}} = \frac{\alpha P}{W_t} - 1$$
$$Y_t = \frac{\alpha Y_{t-1}}{W_t} \cdot P$$
$$\frac{Y_t}{Y_{t-1}} = \frac{\alpha P}{W_t} \quad G_1 = \frac{\alpha P}{W_t} - 1$$

$$\frac{Y_t}{Y_{t-1}} - 1 = \frac{\alpha P}{W_t} - 1$$

تفسیر رابطه نرخ رشد اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی با بازده نیروی کار
رابطه مستقیم و با دستمزد نیروی کار
در دوره جاری رابطه معکوس دارد.
تفسیر ریاضی و اقتصادی آن مشابه
وضعیت ۱ است.

۳.۸ انتقادات وارد شده به نظریه آدام اسمیت

۱. ایستا بودن مدل

۲. پس انداز یک جانبه

۳. تجارت بین الملل : به طور ضمنی فرض نموده که در صحنه بین المللی شرایط بازار رقابت کامل حاکم است

۴. فرض وجود رقابت کامل : این فرض کاملاً غیر واقعی است

۵. اشتغال کامل: اسمیت فرض کرده که در جوامع اشتغال کامل وجود

پایان

نظریه رشد اقتصادی آدام اسمیت



فصل چهارم ادامه

نظریه رشد اقتصادی دیوید ریکاردو

طرح درس

- فروض مدل رشد اقتصادی دیوید ریکاردو را توضیح دهد.
- مدل رشد اقتصادی دیوید ریکاردو را توضیح دهد.
- مدل توزیع درآمد دیوید ریکاردو را توضیح دهد.

هدف کلی

هدف کلی آشنایی دانشجویان با نظریه رشد اقتصادی دیوید ریکاردو و نظریه توزیع درآمد وی است.

هدفهای رفتاری

- سود را تعریف کند.
- اجاره را تعریف کند.
- رانت را تعریف کند.
- دستمزد را تعریف کند.
- عوامل تولید را نام ببرد.
- قانون مفرغ دستمزد را تعریف کند.
- قانون بازدهی نزولی را توضیح دهد.
- فروض مدل رشد اقتصادی دیوید ریکاردو را توضیح دهد.
- مدل رشد اقتصادی دیوید ریکاردو را توضیح دهد.
- مدل توزیع درآمد دیوید ریکاردو را توضیح دهد.

مقدمه

■ دیوید ریکاردو (۱۷۷۲-۱۸۲۳) از جمله اقتصاد دانان مکتب کلاسیک و از پیشگامان علم اقتصاد است. دیدگاه ریکاردو در مورد توسعه شبیه دیدگاه آدام اسمیت است ولی تفاوت هایی هم دارد. عامل کمیاب در نظریه اسمیت نیروی کار ولی در نظریه ریکاردو عامل کمیاب زمین است. بنابراین در این نظریه اجاره زمین نسبت به قیمت سایر عوامل تولید افزایش می یابد.

■ تأکید اسمیت بر تولید بود ولی تأکید ریکاردو بر توزیع است. ریکاردو در نظریه خود به سه عامل تولید: ۱. زمین، ۲. کار، ۳. سرمایه اشاره می کند.

مدل رشد اقتصادی دیوید ریکاردو

- دیوید ریکاردو برای مدل رشد اقتصادی خود فرضیاتی را در نظر گرفته است. مدل فقط در قالب این فرضیات قابل تحلیل است. دیوید ریکاردو دو مدل یکی برای رشد اقتصادی و دیگری برای توزیع محصول بین عوامل تولید ارائه می کند.

فرضیات مدل

- تکنولوژی ثابت است.
- عرضه زمین ثابت است.
- عوامل تولید قابلیت جانشینی ندارد.
- دستمزدها در سطح حداقل معشیت است.
- در اقتصاد کمبود تقاضای مؤثر وجود ندارد.
- قانون بازدهی نزولی در مورد زمین صدق می کند.
- تقاضا برای نیروی کار به انباشت سرمایه بستگی دارد.
- در تمامی بازارها شرایط بازار رقابت کامل حاکم است.
- اقتصاد یک بخش و تک محصولی است.

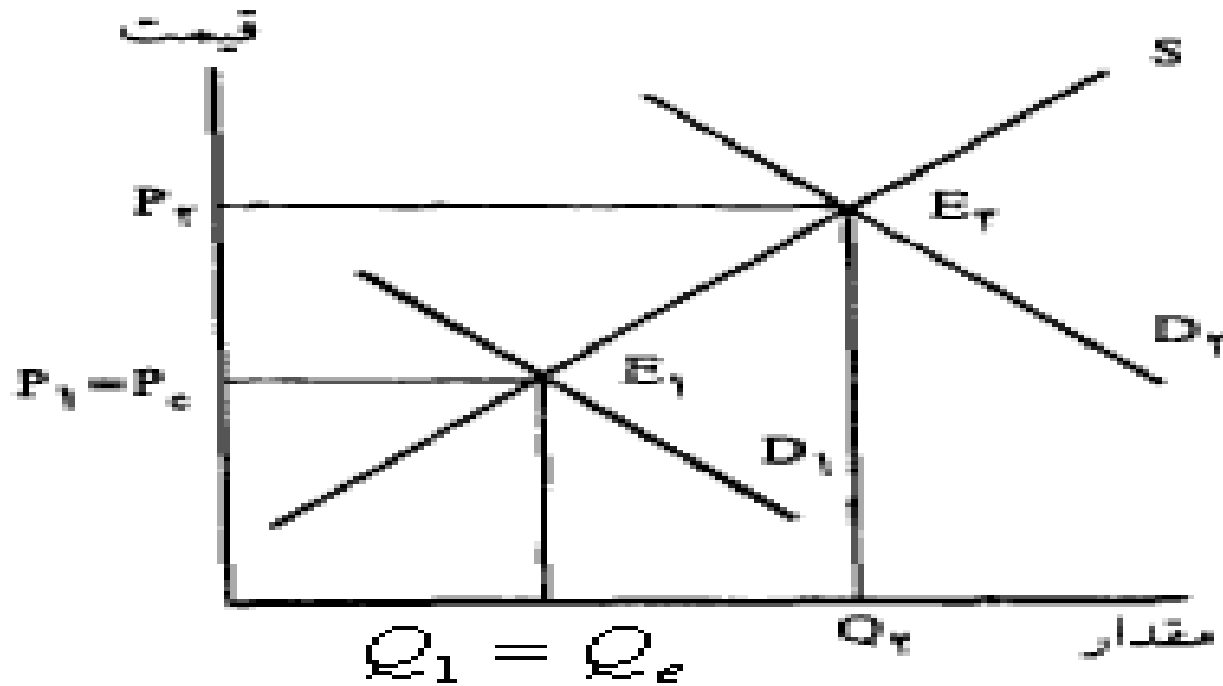
مدل رشد اقتصادی ریکاردو

■ فرض می شود دو نوع زمین وجود دارد یکی مرغوب و دیگری نامرغوب، اجاره زمین های مرغوب از نامرغوب بیشتر است چون نیاز به هزینه آماده سازی ندارد و محصول بیشتری از آنها به دست می آید. ابتدا فرض می شود جمعیت کم است و محصولی که از زمین های مرغوب به دست می آید تکافوی جمعیت را می دهد.

متغیرهای مدل

- Q مقدار تولید کل بازار
- q مقدار تولید هر تولید کننده
- D تقاضای کل محصول
- S عرضه کل محصول
- P قیمت محصول در بازار
- MC هزینه نهایی زمین های مرغوب
- AC هزینه متوسط زمین های مرغوب
- MC' هزینه نهایی زمین های نامرغوب
- AC' هزینه متوسط زمین های نامرغوب

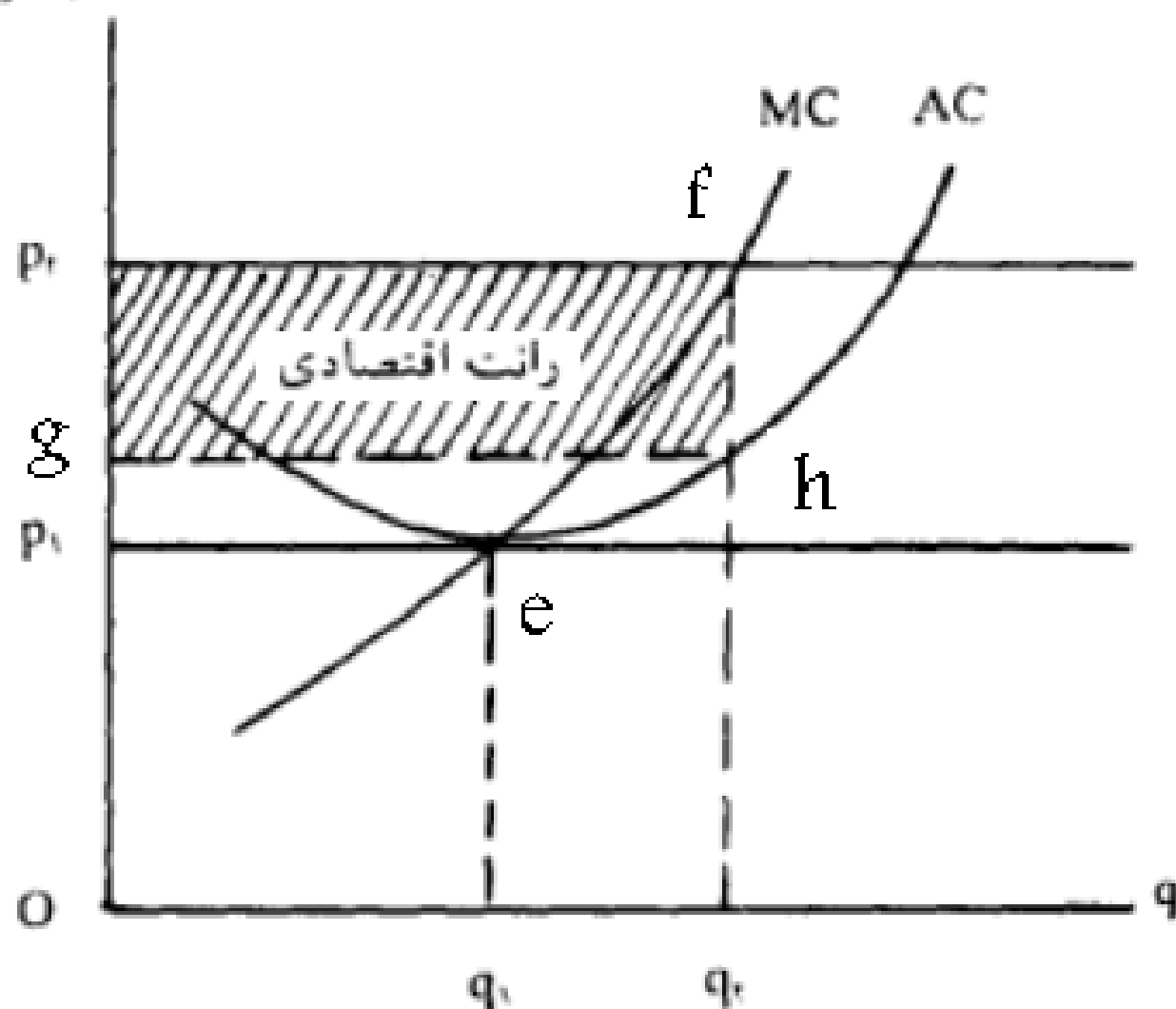
عرضه محصول (S) تقاضای محصول (D) را
 در نقطه C قطع می کند. محصول تعادلی
 $Q_1 = Q_e$ و قیمت تعادلی $P_1 = P_e$ خواهد بود.



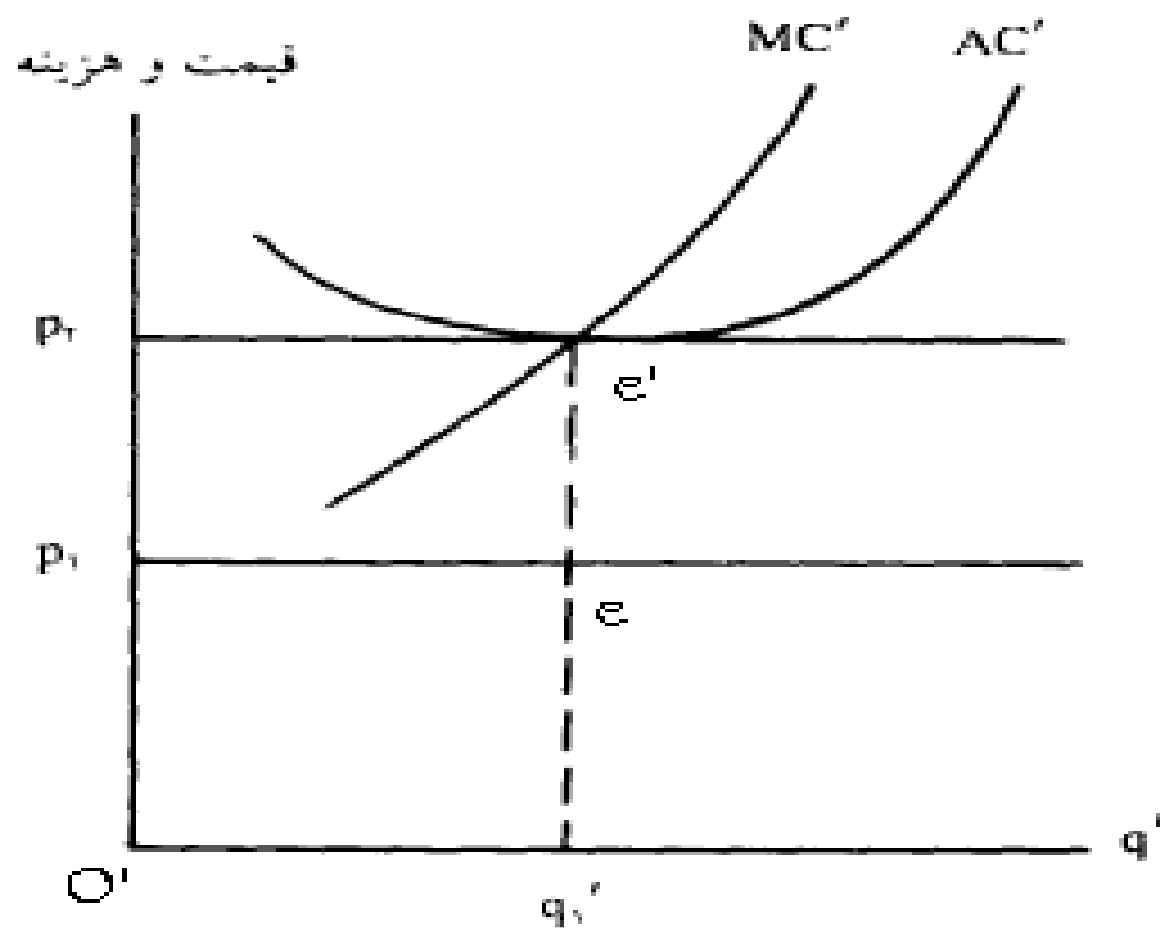
نمودار ۲-۱ بازار کالاهای کشاورزی

با افزایش جمعیت تقاضا برای محصول افزایش می یابد و قیمت تعادلی به P_2 افزایش می یابد چون قیمت افزایش یافته تقاضا برای زمین به منظور کشت ذرت افزایش می یابد در نتیجه اجاره زمینهای مرغوب هم بالا می رود با افزایش قیمت به P_2 عرضه نیز افزایش می یابد و زمین هایی که حداقل هزینه متوسط آنها به اندازه P_2 باشد زیر کشت می روند. این وضعیت در نمودار (۳-۴) نشان داده شده است.

قیمت و هزینه



نمودار ۲-۴ مربوط به زمین های مرغوب



نمودار ۳-۴ مربوط به زمین های نامرغوب

قانون مفرغ دستمزدها

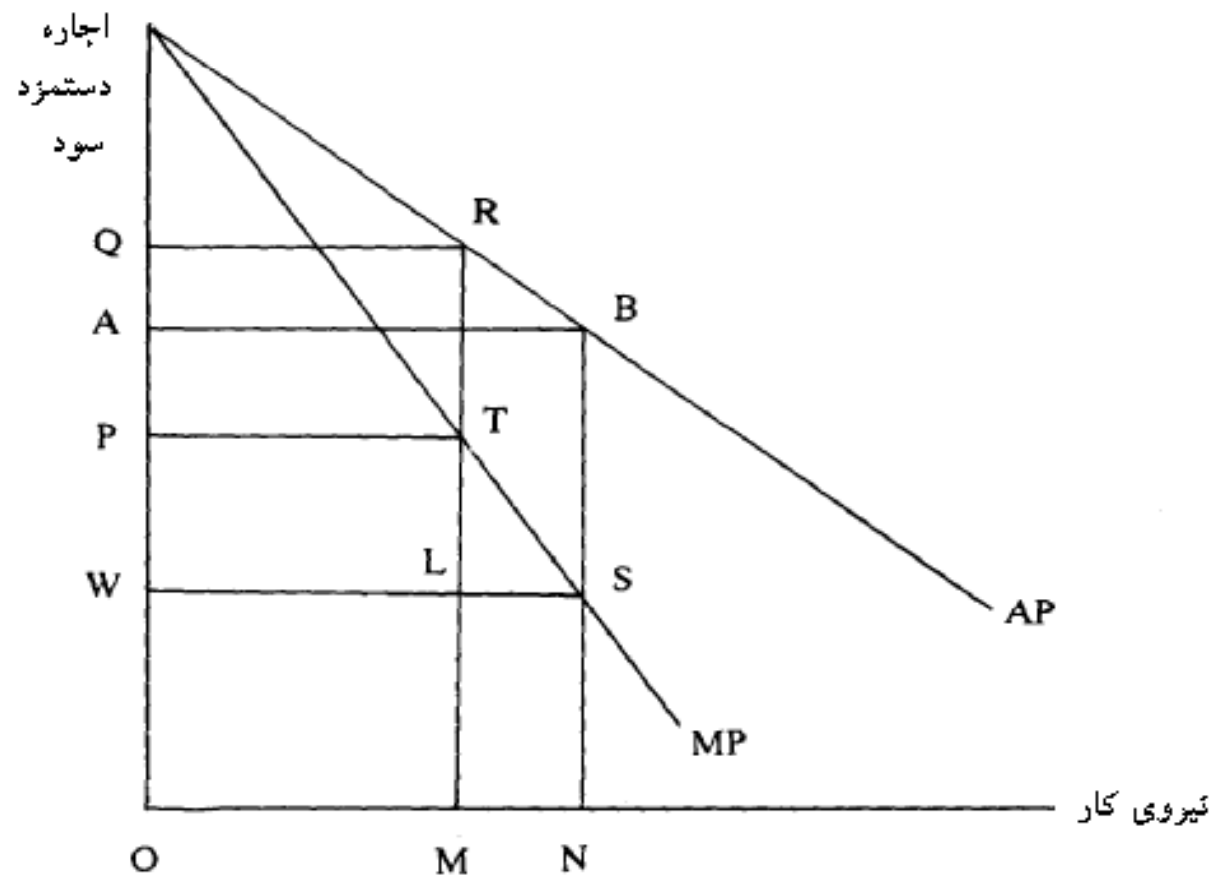
■ دستمزد کارگران در سطح حداقل معیشت تعیین می شود چون دستمزدها تغییر نمی کنند به آن قانون مفرغ دستمزدها / یا قانون آهنین دستمزدها می گویند علت این امر این است که عرضه کار بسیار زیاد است و هیچ نهادی از حقوق کارگران دفاع نمی کند. دستمزد واقعی در طول زمان ثابت و در سطح حداقل معیشت است.

قانون رانت

- زمین در مالکیت فئودالها است.
- تکنولوژی کشاورزی در حال تغییر نیست.
- زمین کشاورزی برای تولید غذا محدود است.
- ابتدا زمین های مرغوب مورد کشت و کار قرار می گیرد.
- در نظریه ریکاردو رانت به معنی مفت خواری و سود غیر اقتصادی است.
- در اوایل قرن نوزده جمعیت در حال افزایش مدام نیاز به غذای بیشتری دارد.
- سهم زمین داران در طول زمان افزایش می یابد.

مدل توزیع درآمد

- ریکاردو مهمترین مسأله اقتصاد را توزیع می داند و معتقد است عوامل تولید به ترتیب اولویت (کمیابی) عبارتند از: ۱. زمین، ۲. نیروی کار، ۳. سرمایه.
- بنابراین محصول تولید شده ابتدا به زمین (به عنوان اجاره) تعلق می گیرد و پس از آن دستمزد کارگر در حداقل معشیت پرداخت می شود. و مابقی تولید سهم سرمایه دار می شود.



نمودار ۴-۴ توزیع محصول بین عوامل تولید

- در این وضعیت سهم سود برابر است با:
- (سهم اجاره + سهم دستمزد) - تولید کل = سهم سود
- چون سهم اجاره + سهم دستمزد = تولید کل می شود

■ بنابراین:

- $\text{صفر} = \text{تولید کل} - \text{سهم سود}$
- چون سهم سود صفر می شود لذا انباشت سرمایه متوقف می شود و اقتصاد وارد رکورد می گردد..

انباشت سرمایه

■ به نظر ریکاردو چون کارگران دستمزدی در سطح حداقل معشیت دریافت می کنند لذا پس انداز و سپس سرمایه گذاری توسط دو طبقه زمین دار و سرمایه دار صورت می گیرد که مازاد بر مصرف از تولید ملی سهم می برند.

■ پس انداز به دو عامل بستگی دارد :

۱. اراده برای پس انداز

۲. توانایی برای پس انداز

افزایش دستمزدها

■ به نظر ریکاردو دستمزدها در سطح حداقل معشیت تعیین می شود ولی این به معنی ثابت بودن دستمزدها نیست بلکه در اثر افزایش جمعیت تقاضا برای کالاهای کشاورزی افزایش یافته و کارگران قادر به خرید سبد کالاهای مصرفی به اندازه حداقل معشیت نیستند. لذا برای زنده ماندن نیاز به دستمزد بیشتری دارند، متناسب با افزایش قیمت کالاهای کشاورزی دستمزد حداقل معشیت افزایش می یابد.

سود در سایر صنایع

■ سود سایر بخش ها نیز تابعی از سود در بخش کشاورزی است. با افزایش دستمزد کارگران در بخش کشاورزی دستمزد کارگران سایر بخش ها نیز افزایش می یابد و با ثابت بودن قیمت محصول سایر صنایع سود این صنایع نیز کاهش می یابد با کاهش نرخ سود در صنایع غیر کشاورزی انباشت سرمایه نیز کاهش می یابد و این بخش ها نیز وارد رکورد می شوند.

انتقادات وارد بر نظریه ریکاردو

- نظریه ریکاردو یک بخشی و تک محصولی است.
- ریکاردو تکنولوژی را ثابت فرض نموده است.
- نظر ریکاردو در مورد دستمزدها در سطح حداقل معیشت امروزه صحیح نیست.
- فرض وجود بازار رقابت کامل غیر واقعی است.
- نظریه ریکاردو یک مدل توسعه اقتصادی نیست بلکه یک مدل توزیع درآمد است.
- فرض عدم قابلیت جانشینی عوامل تولید غیر واقعی است.
- در جوامع صنعتی مازاد تولید بیش از حداقل معیشت کارگران به سرمایه دارانی تعلق می گیرد که میل شدیدی به پس انداز و سرمایه گذاری دارند.

پایان
نظریه رشد اقتصادی
دیوید ریکاردو



فصل چهارم ادامه

تئوری مالتوس

طرح درس

۱- توسعه اقتصادی از نظر مالتوس

۲- عوامل مؤثر بر ازدیات ثروت و توسعه اقتصادی

۳- نظر مالتوس در مورد جمعیت

هدف کلی

هدف کلی آن است که دانشجو
با نظریه توسعه اقتصادی و نظریه
جمعیتی مالتوس آشنا شود.

هدف‌های رفتاری

- ۱- آشنایی با توسعه اقتصادی از نظر مالتوس
- ۲- آشنایی با عوامل مؤثر بر ازدیاد ثروت و توسعه اقتصادی
- ۳- آشنایی با راه‌های افزایش تقاضای مؤثر و افزایش ارزش تولیدات
- ۴- آشنایی با نظریه دام تعادل در سطح پایین
- ۵- آشنایی با رشد متعادل
- ۶- آشنایی با نظریه مالتوس در خصوص جمعیت
- ۷- آشنایی با انتقادات وارد بر نظریه مالتوس

مقدمه

مالتوس از اقتصاد دانان بدبین مکتب کلاسیک و از پیشگامان رشته اقتصاد توسعه است.

مالتوس نسبت به رشد جمعیت دیدگاه بدبینانه ای داشت.

توسعه اقتصادی از نظر مالتوس

از نظر مالتوس توسعه اقتصادی دارای یک روند طبیعی در جوامع انسانی نمی باشد. بلکه عوامل اقتصادی و غیراقتصادی (مانند امنیت اجتماعی، سخت کوشی و خصوصیات نیک فردی) متعددی بستگی دارد.

عوامل مؤثر بر ازدیاد

ثروت و توسعه اقتصادی

۱- عوامل ساسی و معنوی

۲- تمرکز سرمایه

۳- زمین حاصلخیز

۴- اختراعات و نوآوری در جهت صرفه

جویی در نیروی کار

توسعه اقتصادی و راه‌حلهای افزایش تقاضای

مؤثر و افزایش ارزش تولیدات

۱- توزیع عادلانه تر ثروت و درآمد

۲- گسترش بازرگانی داخلی و خارجی

۳- حفظ مصرف‌کنندگان غیر مولد

۴- طرح کار عمومی برای از بین بردن

بیکاری و افزایش تقاضای مؤثر

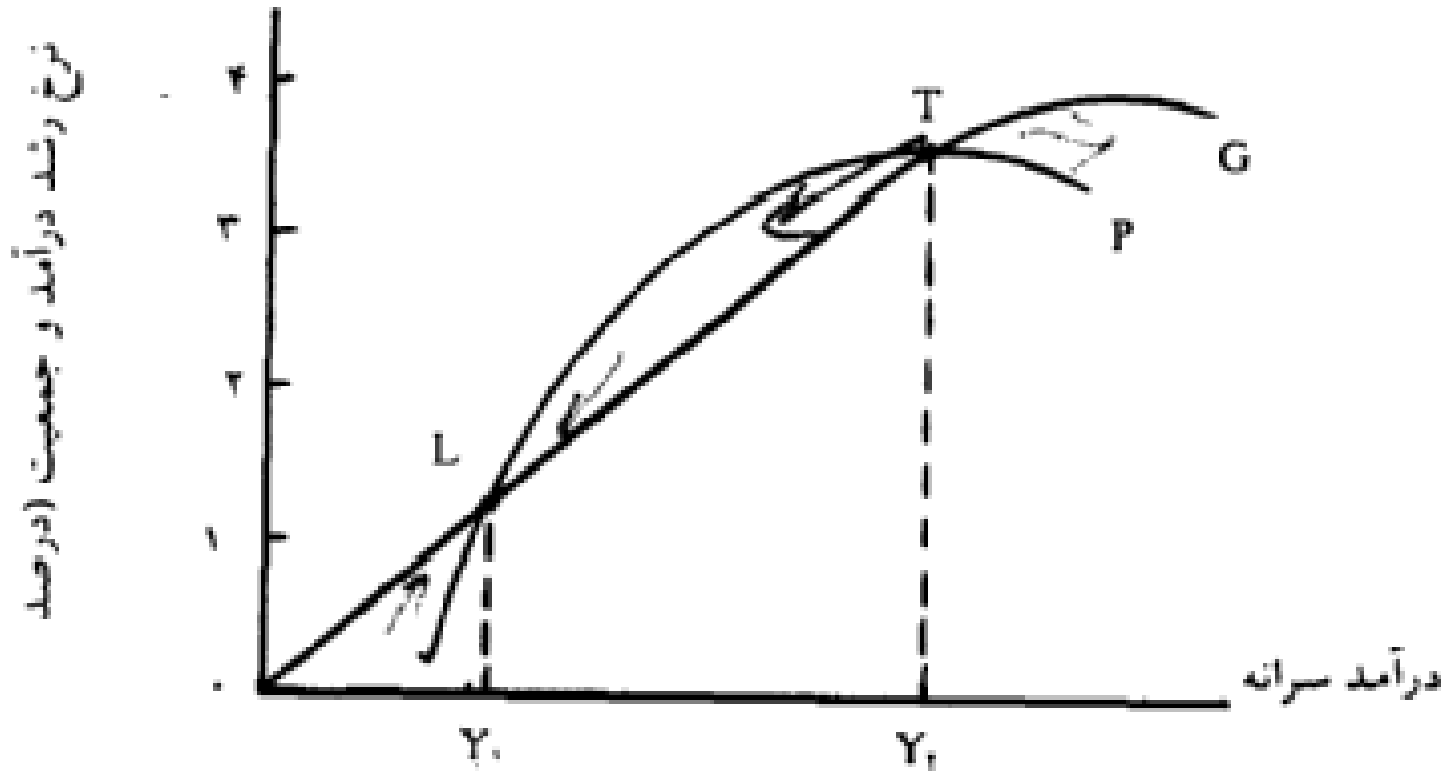
نظریه مالتوس در خصوص جمعیت

مالتوس معتقد بود جمعیت با تصاعد هندسی و امکانات با تصاعد حسابی رشد می کند بنابراین پس از مدت کوتاهی رشد تولید از رشد جمعیت عقب می ماند و تعداد زیادی از جمعیت فقیر خواهند شد.

نظریه دام تعادل در سطح پایین

با افزایش درآمد ملی ابتدا درآمد سرانه نیز افزایش می یابد، در نتیجه نرخ مرگ و میر کاهش و نرخ زاد و ولد افزایش خواهد یافت و به دنبال آن نرخ رشد جمعیت افزایش می یابد. این امر باعث کاهش درآمد سرانه به سطح حداقل معیشت خواهد شد.

نقطه L تعادل در سطح پایین و نقطه T تعادل در سطح بالا را نشان می دهد



رشد متعادل

مالتوس از طرفداران نظریه رشد متعادل اقتصادی است وی معتقد است ابتدا باید بخش کشاورزی توسعه یابد تا زمانی که به دلیل قانون بازدهی نزولی دیگر امکان بخش کشاورزی وجود نداشته باشد پس از آن بخش صنعت باید گسترش یابد.

انتقادات وارد بر نظریه مالتوس

- ۱- مالتوس معتقد است فقط زمین داران پس انداز می کنند در صورتی که صاحبان درآمد پس انداز می کنند.
- ۲- مالتوس معتقد است تمرکز سرمایه به طور خودکار موجب رکود می شود.
- ۳- مالتوس معتقد است کمبود تقاضای مؤثر به علت صرفه جویی سرمایه داران رخ می دهد.
- ۴- مالتوس معتقد است بر تقاضای مؤثر خیلی تأکید می کند در صورتی که کمبود تولید از آن مهمتر است.

پایان نظریه مالتوس



فصل چهارم ادامه

تئوری جلن استوارت میل

طرح درس

۱- زمین داران

۲- سرمایه داران

۳- کارگران

۴- وضعیت سکون

۵- نقش دولت از دیدگاه میل

هدف کلی

هدف کلی آن است که

دانشجو با تئوری میل

آشنا شود.

هدف‌های رفتاری

- ۱- آشنایی با زمین داران
- ۲- آشنایی با سرمایه داران
- ۳- آشنایی با کارگران
- ۴- آشنایی با وضعیت سکون
- ۵- آشنایی با نقش دولت از دیدگاه میل

مقدمه

میل تحت تأثیر اندیشه های پدر با

لیبرالیسم کلاسیک آشنا شد.

پس از چندی به سوسیالیسم گرایش

پیدا کرد و تلاش کرد بین لیبرالیسم

و سوسیالیسم تلفیقی ایجاد نماید.

استوارت میل جامعه را به

سه طبقه تقسیم می کند.

۱- زمین داران

۲- سرمایه داران

۳- کارگران

۱- زمین داران

زمین داران بابت زمین خود اجاره دریافت می کنند. در مسیرتحولات اقتصادی یک جامعه رانت ارضی در حال افزایش می باشد.

۲- سرمایه داران

سرمایه داران بابت سرمایه خود سود دریافت می کنند. در مسیرتحولات اقتصادی یک جامعه سود تمایل به کاهش می باشد.

۳- کارگران

کارگران بابت کار خود دستمزد

دریافت می کنند. در مسیر

تحولات اقتصادی یک جامعه

دستمزد همواره در سطح حداقل

معیشت ثابت می ماند.

وضعیت سکون

استوارت میل معتقد است که نرخ سود
دارای روند کاهشی به سوی حداقل است
و اقتصاد در وضعیت رکود قرار می گیرد.

نقش دولت از دیدگاه میل

استوارت میل نقش دولت را در
فعالیت‌های اقتصادی بسیار ناچیز
و محدود می‌داند.

پایان

تئوری جان استوارت میل



فصل چهارم ادامه

نظریه توسعه اقتصادی کارل مارکس

طرح درس

- مراحل توسعه را در نظریه کارل مارکس
- فرض مدل توسعه اقتصادی کارل مارکس
- مدل توسعه اقتصادی کارل مارکس
- نقطه عطف توسعه اقتصادی کارل مارکس
- مرحله پس از مرحله سوسیالیسم
- انتقاداتی که به نظریه کارل مارکس وارد شده است.

هدف کلی

■ هدف کلی این بخش آشنایی دانشجویان با نظریه توسعه اقتصادی کارل مارکس است.

هدفهای رفتاری

- آشنایی دانشجو با مراحل توسعه را در نظریه کارل مارکس
- آشنایی دانشجو با فرض مدل توسعه اقتصادی کارل مارکس
- آشنایی دانشجو با مدل توسعه اقتصادی کارل مارکس
- آشنایی دانشجو با نقطه عطف توسعه اقتصادی کارل مارکس
- آشنایی دانشجو با مرحله پس از مرحله سوسیالیسم
- آشنایی دانشجو با انتقاداتی که به نظریه کارل مارکس وارد شده است.

مقدمه

کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳) فیلسوف، جامعه شناس، مورخ و اقتصاددان قرن نوزدهم میلادی بزرگترین منتقد نظام سرمایه داری است. مکتب سوسیالیسم علمی حاصل تلاش اوست. نام کتاب مشهور مارکس سرمایه است. مارکس امیدي به اصلاح نظام سرمایه داری نداشت و معتقد بود نظام سرمایه داری محکوم به شکست است. مارکس اولین کسی بود که معایب سیستم اقتصاد آزاد را ذکر کرد. نظریه توسعه اقتصادی مارکس در شمار نظریه های مراحل طبقه بندی می شود.

نگرش فلسفی مارکس

- بخشی از فلسفه مارکسیستی که به شناخت جامعه و تغییر و تحولات آن می پردازد ماتریالیسم تاریخی نام دارد
- روابط تولیدی عبارت است از روابطی که بین انسانها در جریان تولید مبادله و توزیع منابع مادی مانند روابط مالکیت و خصوصیات طبقاتی یک جامعه به وجود می آید.
- شیوه تولید عبارت از وحدت دیالکتیکی روابط تولیدی و نیروهای تولیدی است.

هگل با دیدگاه دیالکتیکی به جهان می نگرد و
چهار اصل دیالکتیک را در مورد اصالت و
تکامل ماده به صورت زیر ذکر می کند:

- ۱. اصل اول دیالکتیک : حرکت
- ۲. اصل دوم دیالکتیک : تضاد
- ۳. اصل سوم دیالکتیک: تأثیر متقابل
- ۴. اصل چهارم دیالکتیک: جهش

۱. اصل اول دیالکتیک : حرکت

■ هر ماده به خودی خود دارای حرکت است و این حرکت رو به تکامل است.

۲. اصل دوم دیالکتیک : تضاد

■ هر پدیده حاوی اضداد است و در هر پدیده عنصری به نام تز وجود دارد که می خواهد آن پدیده و ماده به حالت موجود باقی بماند. عنصر دیگری به نام آنتی تز در درون آن پدیده تلاش می کند تا وضعیت موجود را تغییر دهد، نتیجه تضاد بین تز و آنتی تز، سنتز است.

۳. اصل سوم دیالکتیک: تأثیر متقابل

■ هر کدام از عناصر درون هر پدیده بر روی
همدیگر تأثیر متقابل دارند و همدیگر را
تضعیف، تقویت یا اصلاح می کنند.

۴. اصل چهارم دیالکتیک: جهش

■ پس از مبارزه تز و آنتی تز و تأثیر متقابل آنها بر روی یکدیگر، پدیده موجود به پدیده جدیدی تبدیل می شود که دیگر پدیده قبلی نیست این تغییر حالت را جهش می نامند.

شیوه تولید در نظریه مارکس

■ از نظر مارکس اقتصاد زیر بنا است و مهمترین عامل تغییر و تحول جوامع اقتصاد است. تمامی پدیده های اجتماعی تحت تأثیر اقتصاد قرار می گیرد. در هر جامعه ای یک سری ابزار تولید وجود دارد و بین عوامل تولیدی روابط خاصی حاکم است ابزار تولید و روابط تولیدی مشخص کننده شیوه تولیدی هستند.

نظریه توسعه اقتصادی مارکس

■ مارکس نظریه خود را به ۵ مرحله تاریخی زیر تقسیم می کند :

■ ۱. مرحله اول : کمون اولیه

■ ۲. مرحله دوم : برده داری

■ ۳. مرحله سوم : فئودالیسم

■ ۴. مرحله چهارم : سرمایه داری (کاپیتالیسم)

■ ۵. مرحله پنجم: سوسیالیسم

۱. مرحله اول : کمون اولیه

■ جامعه سنتی کوچکی که در آن همه انسانها کار می کنند و از محصول به دست آمده به صورت اشتراکی استفاده می کنند. در این جامعه طبقه وجود ندارد ولی به مرور ابزار تولید متکامل می شود و مالکیت خصوصی در خصوص ابزار تولید ایجاد می شود.

۲. مرحله دوم : برده داری

■ در این مرحله جامعه به دو طبقه برده و برده دار تقسیم می شود. انسانهای قوی انسانهای ضعیف را استثمار می کنند. صاحب برده می تواند آن را بکشد، بزند، بفروشد یا آن را آزاد کند.

۳. مرحله سوم : فئودالیسم

■ برده داران دیروز مالکین و فئودال های این مرحله تاریخی می شوند. بردگان دیروز رعیت و دهقان امروز می شوند. در این مرحله فئودال ها زمین ها را تصاحب کرده و بردگان را وادار به کشت و زرع می کنند و نان بخور و نمیری به آنها می دهند و با شیوه ی متکامل تر از قبل آن ها را استثمار می کنند.

۴. مرحله چهارم: سرمایه داری (کاپیتالیسم)

■ فئودال ها در این مرحله صاحبان صنایع و کارخانه ها می شوند رعایا کارگر(پرولتر) می شوند، دو طبقه سرمایه دار و کارگر شکل می گیرد. سرمایه داران مالک زمین، کارخانه و ابزار تولید هستند، کارگران فاقد مالکیت ابزار تولیدند و برای ادامه زندگی مجبور به کار برای سرمایه دار می شوند. در این مرحله کارگران مورد استثمار قرار می گیرند.

به نظر مارکس جامعه سرمایه داری به دلیل دو ویژگی ذاتی شرایط نابودی خود را فراهم می سازد:

۱. نظام سرمایه داری در درون خود عمدتاً کارگران غیر ماهری را پرورش می دهد که با حداقل دستمزد امرار معاش می کنند.

۲. نفع طلبی طبقه سرمایه دار توسعه ظرفیت صنعتی را به دنبال دارد و رقابت شکننده ای را ایجاد می کند. تضاد از آنجا حاصل می شود که قدرت خرید طبقه کارگر برای خرید کالاهای تولید شده کافی نخواهد بود.

۵. مرحله پنجم: سوسیالیسم

■ پس از پایان مرحله فئودالیسم حکومت کارگری تشکیل می شود این مرحله تاریخی سوسیالیسم نام دارد. مرحله سوسیالیسم دارای دو خصیصه است:

■ ۱. بی طبقه شدن جامعه هنوز محقق نشده است ولی کارگران طبقه مسلط جامعه را تشکیل می دهند.

■ ۲. شعار این مرحله این است. “هرکس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه کارش دریافت می کند.”

جامعه ایده آل مارکس جامعه کمونیسم

■ پس از تکامل جامعه سوسیالیستی جامعه پیشرفته تری به نام کمونیسم شکل می گیرد. در این مرحله طبقه به طور کامل از بین می رود شعار این مرحله تاریخی این است “هرکس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه نیازش دریافت می کند.”

مدل توسعه اقتصادی کارل مارکس

■ مدل مارکس با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی زمان او تدوین شده است این مدل دارای فروضی است که در قالب آن فروض نتایجی که استخراج شده قابل تحلیل است.

فرضیات مدل

■ فرضیات مدل مارکس عبارتند از:

- ۱. دستمزد در سطح حداقل معیشت است.
- ۲. جامعه دارای دو طبقه کارگر و سرمایه دار است.
- ۳. کار و سرمایه قابلیت جانشینی دارند.
- ۴. سرمایه دار خواهان حداکثر کردن سود است.

متغیرهای مدل

- C = سرمایه ثابت شامل مواد اولیه، کارخانه و ماشین آلات
- V = سرمایه متغیر شامل مجموع دستمزد کارگران
- $K = C + V$ = سرمایه شامل سرمایه ثابت و سرمایه متغیر
- S = ارزش اضافی
- P = نرخ سود
- W = ارزش کالای تولیدی
- S/V = نرخ استثمار
- C/V = ترکیب ارگانیک سرمایه (نسبت سرمایه ثابت به سرمایه متغیر)

ارزش کالای تولیدی (W) یا قیمت کالا بیشتر از سرمایه اولیه به کار گرفته شده در جریان تولید است یعنی:

$$W > C + V$$

■ تفاوت این دو ارزش یعنی قیمت و سرمایه اولیه ارزش اضافی نام دارد.

$$W - (C + V) = S$$

$$W = C + V + S$$

سرمایه دار از سه روش در پیش دارد تا ارزش اضافی را افزایش دهد:

- ۱. افزایش ساعت کار: این روش بسیار محدود است.
- ۲. کاهش دستمزد: چون دستمزد در سطح حداقل معیشت است لذا سرمایه دار نمی تواند از این روش استفاده نماید.
- ۳. جایگزینی سرمایه ثابت به جای متغیر: چون کارفرما در استفاده از دو روش بالا محدودیت دارد روش سوم را بر می گزیند و سرمایه ثابت را جانشین کارگر می کند

نرخ سود سرمایه دار از فرمول زیر به دست می آید:

$$P = \frac{S}{C + V}$$

$$P = \frac{\frac{S}{V}}{\frac{C}{V} + 1}$$

سرمایه دار “مرغ تخم طلایی خود را می کشد”
یعنی کارگران را اخراج می کند و به جای آنها
ماشین آلات را جایگزین می کند. که این امر
منتهی به کاهش سود و افزایش ذخیره بیکاران و
تضاد طبقاتی در جامعه سرمایه داری شده و نظام
سرمایه داری از هم می پاشد و تبدیل به جامعه
سوسیالیستی می شود.

انتقادات وارد شده به نظریه مارکس

- ۱. کشورهای که به مرحله سوسیالیسم رسیدند هیچکدام از مرحله سرمایه داری عبور نکرده اند.
- ۲. کشورهای که به اوج نظام سرمایه داری رسیده اند وارد مرحله سوسیالیسم نشدند.

پایان نظریه کارل مارکس



فصل چهارم ادامه

تئوری شومپیتر

طرح درس

۱- انسانهای خلاق و نوآور

۲- طبقه بندی نوآوری

۳- روند نوآوری و تقلید

۴- ادوار اقتصادی

۵- شکست نظام سرمایه داری

۶- انتقادات وارد بر تئوری شومپیتر

هدف کلی

هدف کلی این بخش آن

است که دانشجویان با

نظریه شومپیتر آشنا شوند.

هدفهای رفتاری

- ۱- آشنایی با انسانهای خلاق و نوآور
- ۲- آشنایی با طبقه بندی نوآوری
- ۳- آشنایی با روند نوآوری و تقلید
- ۴- آشنایی با ادوار اقتصادی
- ۵- آشنایی با شکست نظام سرمایه داری

مقدمه

شومپیتر یکی از بزرگترین اندیشمندان
مکتب سرمایه داری است. شومپیتر
همانند کارل مارکس نابودی و زوال
سرمایه داری را پیش بینی کرده است.

انسانهای خلاق و نوآور

شومپیتر نقش انسانهای خلاق و نوآور را در توسعه اقتصادی بسیار مهم و کلیدی می داند. از نظر شومپیتر هدایت و رهبری در اقتصاد توسط نوآوران اقتصادی صورت می گیرد.

شومپیتر نوآوری را به ۵ طبقه تقسیم می کند:

۱. تولید کالای جدید

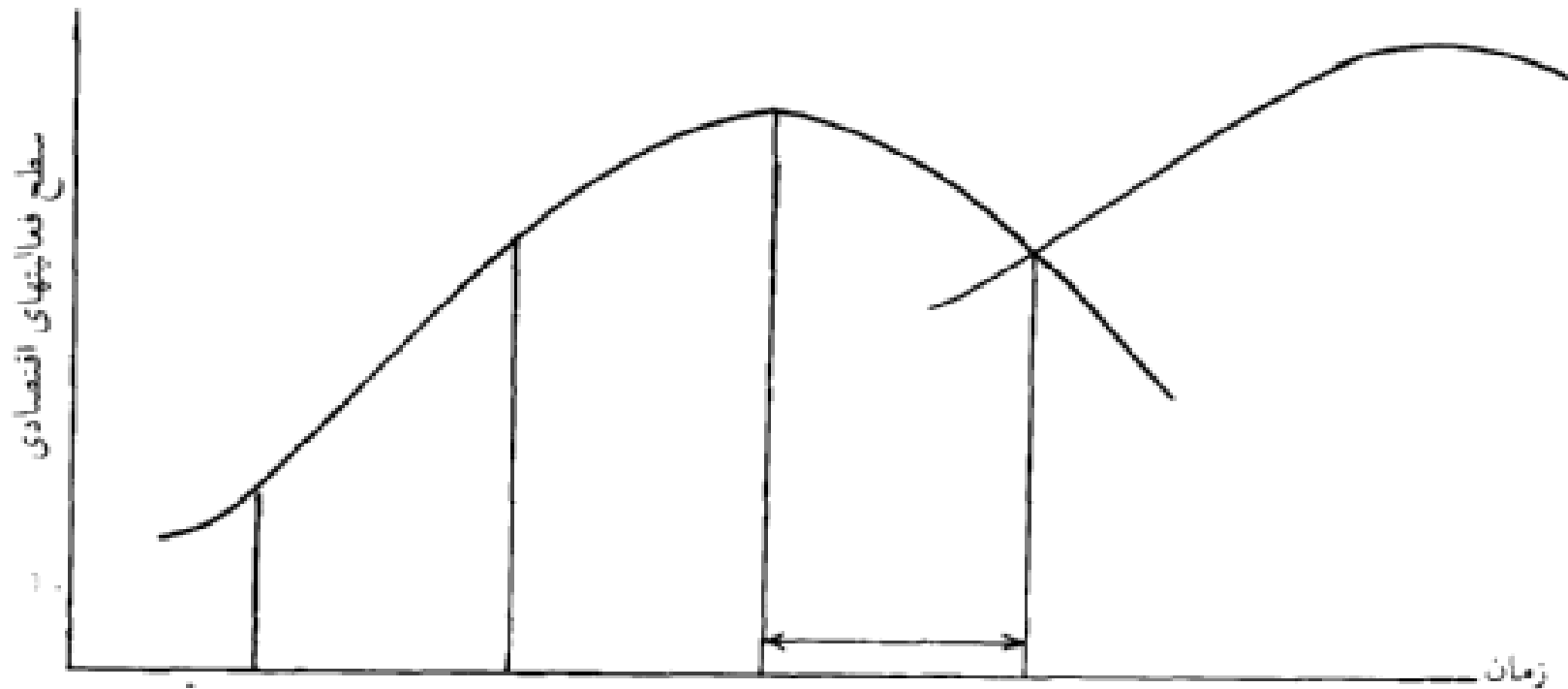
۲. به کارگیری تکنولوژی با روش جدید تولید

۳. به وجود آوردن یا کشف بازارهای جدید

۴. دسترسی به مواد اولیه جدید

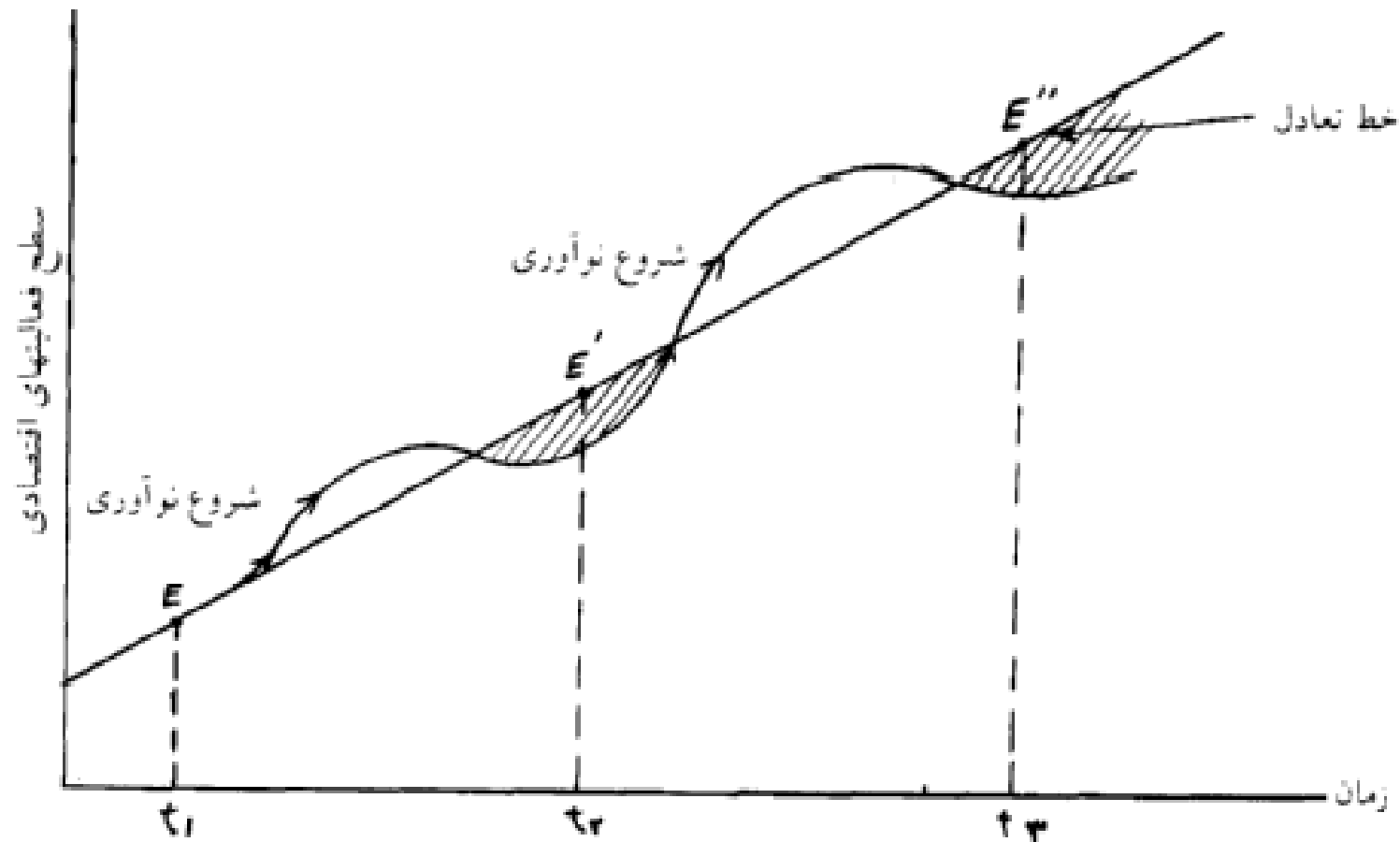
۵. ایجاد سازمانهای جدید

روند نوآوری و تقلید



نوآوری دوران تقلید اوج فعالیت نوآوری کاهش فعالیت اول و شروع فعالیت نوآوری

روند نوآوری



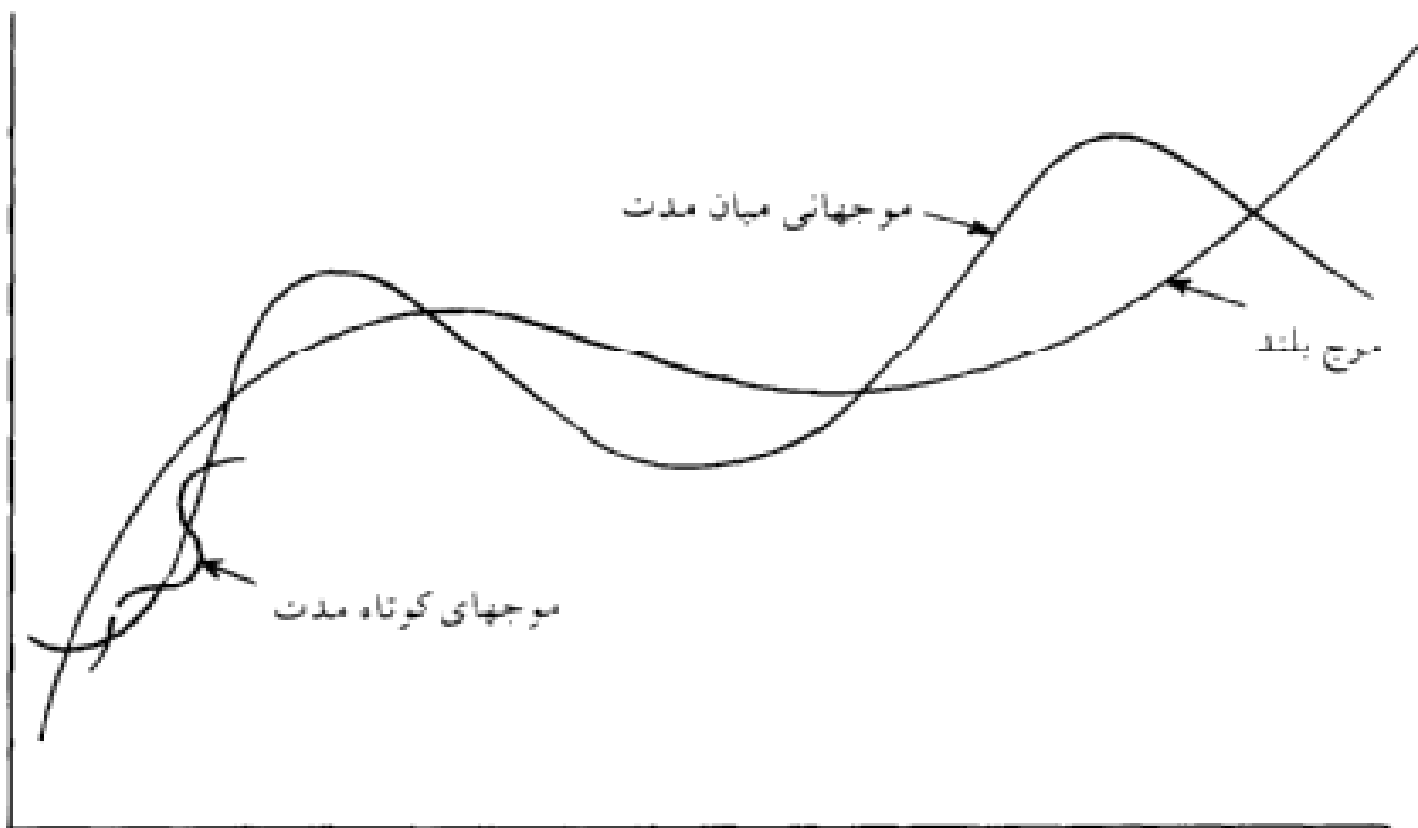
شومپتر سه نوع دور اقتصادی را ذکر می کند:

۱. دورانه‌های بلند مدت (۵۰ تا ۶۰ ساله)

۲. دورانه‌های میان مدت (۸ تا ۹ ساله)

۳. دورانه‌های کوتاه مدت (معمولاً ۴۰ ماهه)

دورانهای اقتصادی



شکست نظام سرمایه داری

شومپتر پیش بینی نابودی و شکست نظام سرمایه داری را نموده است. به عقیده وی سرمایه داری موجبات نابودی خود را ایجاد می کند و موجب ایجاد سوسیالیسم می شود. این پیش بینی شبیه پیش بینی مارکس است با تفاوت که مارکس مخالف سرمایه داری ولی شومپتر موافق سرمایه داری است.

انتقادات وارد بر تئوری شومپیتر

۱. در دنیای امروز پیشرفتهای تکنولوژیک به صورت یک جریان ممتد در حرکت است و تنا ناشی از ایده یک فرد مبتکر نیست.

۲. تئوری شومپیتر در کشورهای در حال توسعه ماربند بسیار محدودی دارد.

فصل چهارم ادامه

نظریه توسعه اقتصادی

والت ویتمین روستو

طرح درس

- مراحل توسعه اقتصادی در نظریه روستو
- جامعه سنتی
- شرایط ماقبل خیز
- خیزش اقتصادی
- بلوغ اقتصادی
- عصر مصرف انبوه
- انتقادات وارد بر نظریه روستو

هدف کلی

هدف کلی این بخش

آشنایی دانشجویان با

نظریه توسعه اقتصادی

والث ویتمین روستو است.

هدفهای رفتاری

■ آشنایی با مراحل توسعه اقتصادی در نظریه روستو

■ آشنایی با جامعه سنتی

■ آشنایی با شرایط ماقبل خیز

■ آشنایی با خیزش اقتصادی

■ آشنایی با بلوغ اقتصادی

■ آشنایی با عصر مصرف انبوه

■ آشنایی با انتقادات وارد بر نظریه روستو

مقدمه

وی اعتقاد دارد که رشد و توسعه اقتصادی فقط جنبه اقتصادی ندارد بلکه حاصل تحولات اجتماعی است. او جریات توسعه را از دیدگاه تاریخی مورد بررسی قرار می دهد. او فرایند توسعه اقتصادی را به ۵ مرحله تاریخی تقسیم می کند و معتقد است که هر یک از کشورهای جهان در یکی از مراحل رشد اقتصادی قرار گرفته اند و باید برای دستیابی به توسعه از این مراحل عبور کنند.

نظریه مراحل توسعه روستو

■ روستو نظریه خود را در پنج مرحله تاریخی ارائه کرده است. این پنج مرحله عبارتند از:

■ جامعه سنتی

■ شرایط ماقبل خیز

■ خیزش اقتصادی

■ بلوغ اقتصادی

■ عصر مصرف انبوه

۱. جامعه سنتی

■ در این جامعه بازدهی و تولید سرانه بسیار پایین است و اقتصاد به صورت معیشتی و خود مصرفی اداره می شود. رایج ترین فعالیت و مهمترین منبع درآمد مردم کشاورزی است. بیش از ۷۵ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی فعالیت دارند.

۲. شرایط ماقبل خیز

■ در این مرحله پیش شرط های خیزش اقتصادی فراهم می شود. زمان زیادی طول می کشد تا جامعه سنتی متحول شود و بتواند از ثمرات دانش جدید استفاده نماید و بازدهی نزولی را به حداقل برساند. میزان سرمایه گذاری جامعه که در دوران ماقبل خیز کمتر از ۵ درصد تولید ناخالص ملی است.

شرایط لازم برای خیزش اقتصادی در کشورهای اروپای غربی از چهار طریق فراهم شد:

- ۱. رنسانس و عصر آموزش
- ۲. عصر پیدایش حکومت‌های مشروطه
- ۳. دنیای جدید و عصر تجدید نظر و اصلاح مسیحیت به کمک افکار لوتر
- ۴. پیدایش عصر مسیحیت و پروتستانتیسم

شرایط ماقبل خیز از تأثیر عوامل خارجی بر جامعه به وجود می آید. شرایط ماقبل خیز به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱. گسترش سیستم بانکداری
- ۲. گسترش سرمایه گذاری به ویژه در شبکه ارتباطات، حمل و نقل و استخراج مواد اولیه از داخل و از سایر کشورها
- ۳. گسترش تجارت داخلی و خارجی
- ۴. انقلاب تکنولوژیکی در بخش کشاورزی

۳. مرحله خیزش اقتصادی

■ نقطه عطف اقتصاد در نظریه روستو مرحله خیزش اقتصادی است. تفاوت این مرحله با مرحله ماقبل خیزش در این است که میزان سرمایه گذاری جامعه که در دوران ماقبل خیز کمتر از ۵ درصد تولید ناخالص ملی بود به ۱۰ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی می رسد.

در مرحله خیزش اقتصادی سه اقدام اساسی
لازم است:

۱. سرمایه گذاری

۲. انتخاب بخش پیشتاز

۳. ایجاد فضای مناسب سیاسی،

اجتماعی و فرهنگی

مرحله خیز در کشورهای مختلف

نام کشور	شروع و پایان مرحله خیز	مدت مرحله خیز
بریتانیا	۱۷۸۳-۱۸۰۲	۱۹ سال
فرانسه	۱۸۳۰-۱۸۶۰	۳۰ سال
بلژیک	۱۸۳۳-۱۸۶۰	۲۷ سال
آمریکا	۱۸۴۳-۱۸۶۰	۱۷ سال
آلمان	۱۸۵۰-۱۸۷۳	۲۳ سال
سوئد	۱۸۶۸-۱۸۹۰	۲۲ سال
ژاپن	۱۸۷۸-۱۹۰۰	۲۲ سال
روسیه	۱۸۹۰-۱۹۱۴	۲۴ سال
کانادا	۱۸۹۶-۱۹۱۴	۱۸ سال
آرژانتین	۱۹۳۵ تاکنون	هنوز ادامه دارد
ترکیه	۱۹۳۷ تاکنون	هنوز ادامه دارد
هندوستان	۱۹۴۸ تاکنون	هنوز ادامه دارد
چین	۱۹۵۲ تاکنون	هنوز ادامه دارد

۴. مرحله بلوغ اقتصادی

ویژگیهای مهم مرحله بلوغ اقتصادی سطح بالای درآمد سرانه و کاربرد تکنولوژیها و پیشرفتهای فنی جدید در اکثر فعالیتهای اقتصادی است.

مرحله بلوغ اقتصادی نسبتاً طولانی است. و

گاهی به چهار دهه می رسد.

تاریخ رسیدن به مرحله بلوغ اقتصادی در کشورهای مختلف

نام کشور	تاریخ رسیدن به مرحله بلوغ اقتصادی
بریتانیا	۱۸۵۰
آمریکا	۱۹۰۰
فرانسه	۱۹۱۰
آلمان	۱۹۱۰
بلژیک	۱۹۲۰
سوئد	۱۹۳۰
ژاپن	۱۹۴۰
روسیه	۱۹۵۰
کانادا	۱۹۵۰

زمانی جامعه وارد مرحله بلوغ اقتصادی می شود که سه تغییر مهم در آن رخ دهد:

- ۱. خصلت نیروی کار تغییر کند و نیروهای ماهر نقش اساسی در تولید داشته باشند. مردم زندگی در شهر را به روستا ترجیح دهند و دستمزد واقعی کارگران افزایش یابد.
- ۲. خصلت مالکیت تولید تغییر کند و کارفرماهای کاردان و پرکار جای خود را به مدیران لایق و نخبه دهند.
- ۳. جامعه از معجزه صنعتی کسل شود و خواهان تغییرات بیشتری شود.

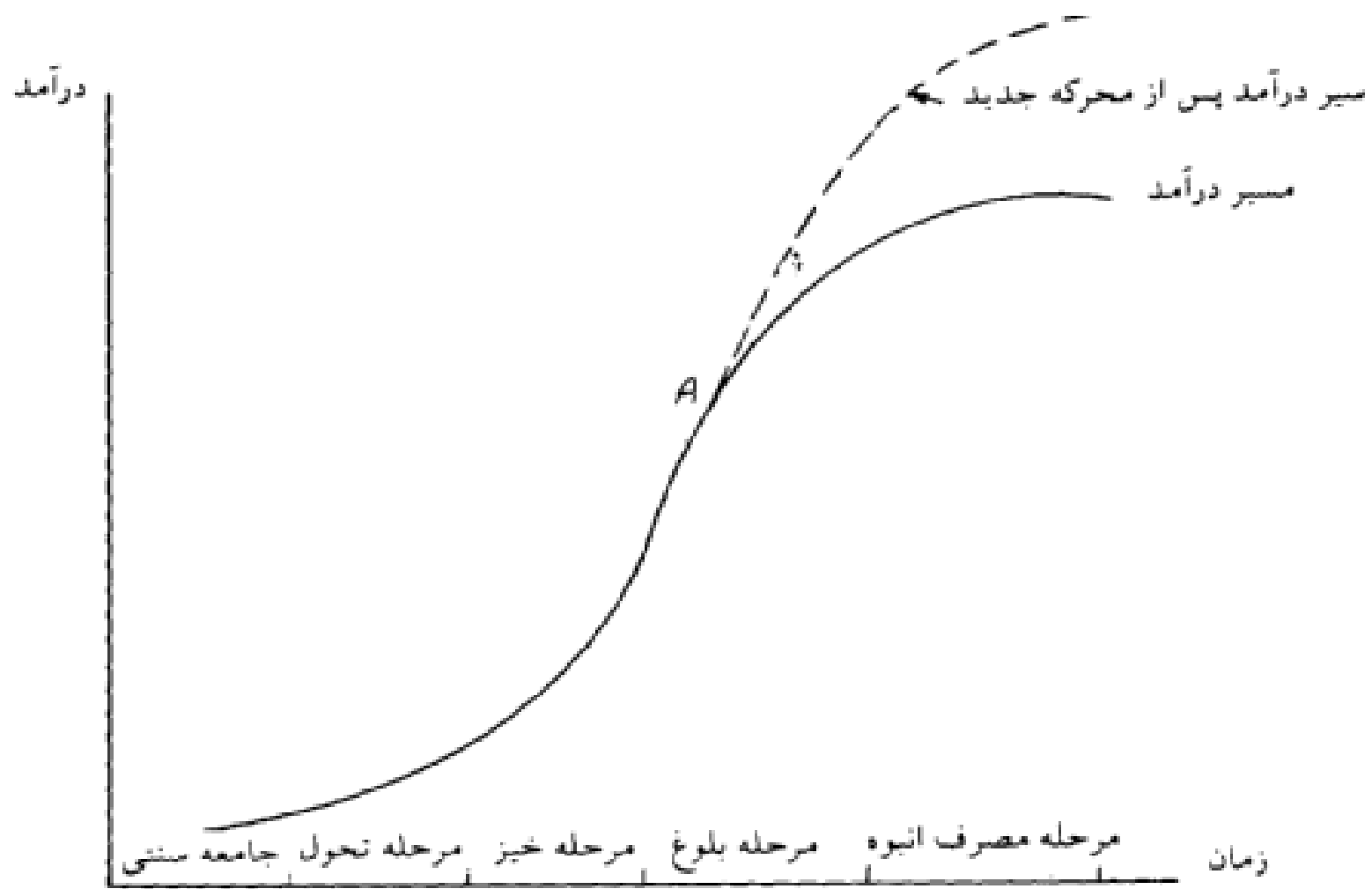
۵. مرحله مصرف انبوه

■ در این مرحله درآمد سرانه واقعی، به نقطه ای می رسد که مصرف تعداد زیادی از افراد فراتر از خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای اولیه است.

■ نسبت جمعیت شهر نشین به کل جمعیت افزایش می یابد. نسبت جمعیت شاغل در ادارات یا مشاغل کارخانه ای که نیاز به مهارت خاصی دارند بالا می رود.

انتقادات وارد بر نظریه روستو

- ۱. برخی از کشورها از جمله آمریکا، کانادا، ژلاند نو و استرالیا از مرحله جامعه سنتی عبور نکرده اند و فاقد چنین مرحله ای بوده اند.
- ۲. برخی از کشورها حتی قبل از مرحله بلوغ اقتصادی به سر برده اند.
- ۳. انتخاب چند صنعت پیشتاز در یک اقتصاد به منزله رشد همه جانبه اقتصاد نیست.
- ۴. به طور کلی بین مراحل ذکر شده به لحاظ تاریخی توالی وجود ندارد و هر مرحله دقیقاً پس از طی مرحله قبلی که روستو ذکر کرده اتفاق نیفتاده است.



شکل ۱: سرعت رشد درآمد ملی در مراحل مختلف پنج‌گانه نظریه روستو

پایان

نظریه روستو

فصل چہارم ادامہ

تئوری لوئیس

طرح درس

۱- عرضه نامحدود نیروی کار

۲- بخش سرمایه داری

۳- بخش معیشتی

۴- انتقادات وارد بر نظریه لوئیس

هدف کلی

هدف کلی این بخش آن

است که دانشجو یان با

نظریه لوئیس آشنا شوند.

هدفهای رفتاری

۱- آشنایی با عرضه نامحدود نیروی کار

۲- آشنایی با بخش سرمایه داری

۳- آشنایی با بخش معیشتی

۴- آشنایی با انتقادات وارد بر نظریه لوئیس

مقدمه

لوئیس از اقتصاددانان مکتب کلاسیک است.

نظریه او توسعه اقتصادی با عرضه نامحدود نیروی کار نامیده می شود. او عرضه کار را در سطح دستمزد حداقل معیشت نامحدود می داند.

به نظر لوئیس اقتصاد کشورهای
توسعه نیافته شامل دو بخش مجزا
به صورت زیر است:

۱. بخش سرمایه داری

۲. بخش معیشتی

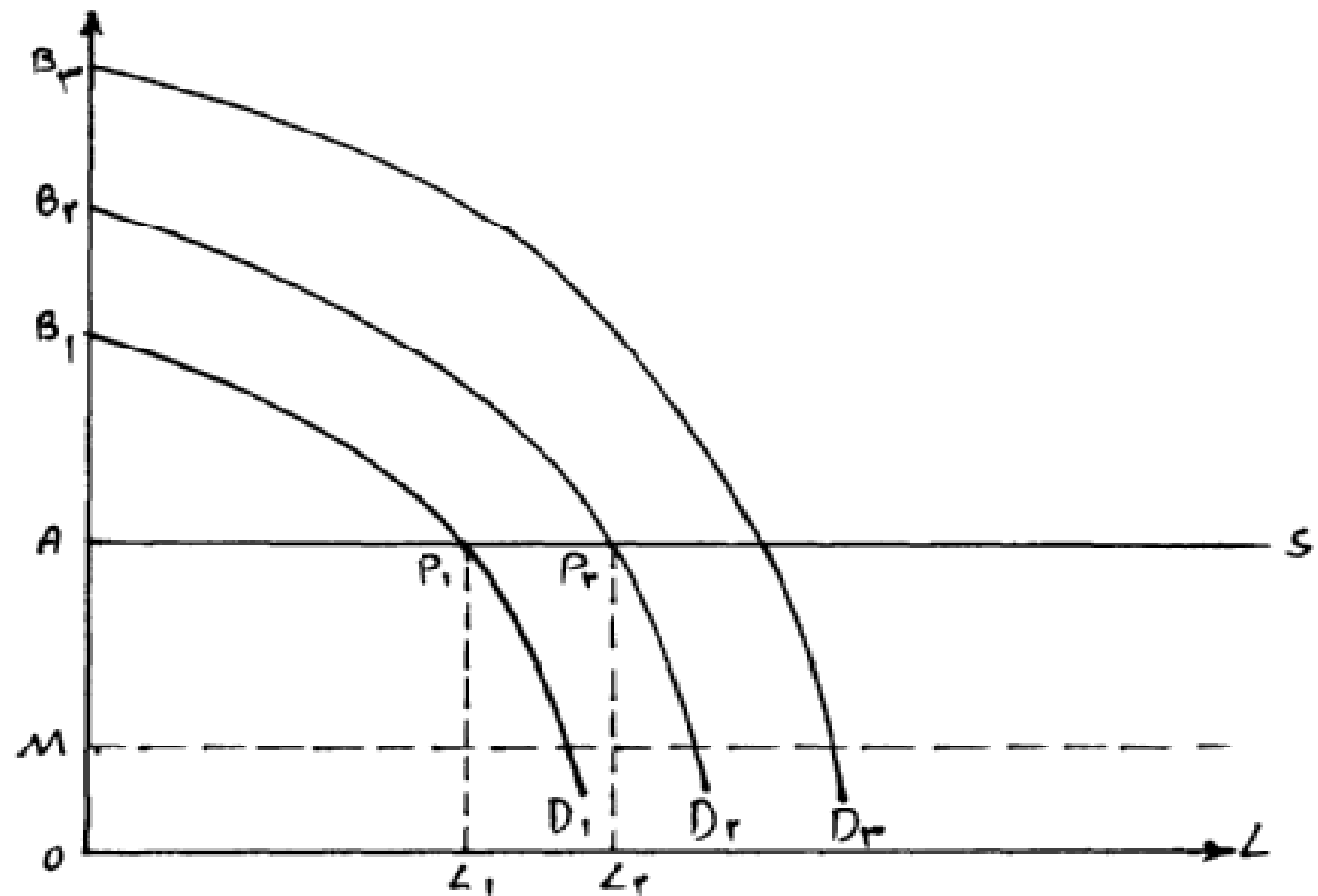
شرایطی جابه جایی نیروی کار از بخش معیشتی و سرمایه داری

۱. نرخ مزد در بخش سرمایه داری از
بخش معیشتی باید بیشتر باشد.

۲. سرمایه گذاری در بخش صنعتی
نسبت به رشد جمعیت زیاد باشد.

۳. هزینه های آموزشی در طول زمان
ثابت باشد.

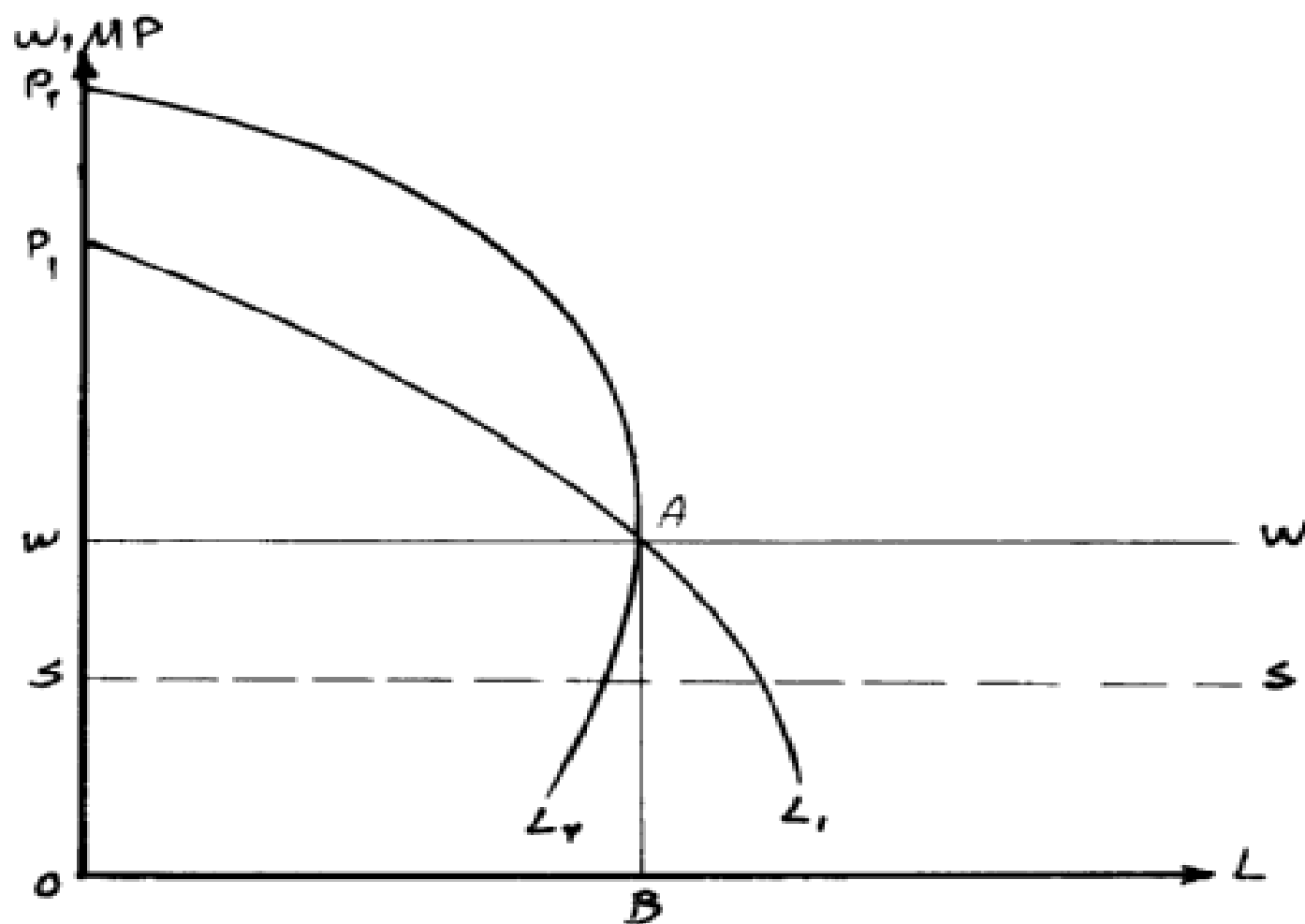
عرضه نامحدود نیروی کار



انتقادات وارد بر نظریه لوئیس

۱. عدم توجه به مشکلات اجتماعی ناشی از مهاجرت
۲. آموزش نیروی کار در کوتاه مدت امکان پذیر نیست.
۳. برای بخش معیشتی نقش مهمی در نظر گرفته نشده است.
۴. دستمزد تابع عواملی نظیر مهارت کارگران و قدرت اتحادیه های کارگری است.
۵. انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش سرمایه داری صرفاً برای دستمزدهای بیشتر به راحتی صورت نمی گیرد.

انتقال تابع تقاضای نیروی کار بدون تغییر در میزان تقاضای کار



پایان نظریه لوئیس

فصل چہارم ادامہ

تئوری گونار میردال

طرح درس

۱- اثر بازدارند

۲- اثر انتشار

۳- نابرابریهای منطقه ای

۴- نابرابریهای بین المللی

۵- نقش دولت در نظریه میردال

هدف کلی

هدف کلی این بخش آشنایی

دانشجویان با نظریه توسعه

اقتصادی گونار میردال است.

هدفهای رفتاری

۱- آشنایی با اثر بازدارند

۲- آشنایی با اثر انتشار

۳- آشنایی با نابرابریهای منطقه ای

۴- آشنایی با نابرابریهای بین المللی

۵- آشنایی با نقش دولت در نظریه میردال

مقدمه

گونار میردال اقتصاد دان سوئدی در زمینه توسعه اقتصادی ممالک فقیر تحقیقات بسیار زیادی انجام داده است.

میردال معتقد است کشورهای توسعه نیافته نباید نظریه های سنتی غرب را در کشورهای خود اجرا نمایند بلکه باید با شرایط خود تعدیل و تصحیح نمایند.

به نظر میردال درفرایند توسعه دو نوع اثر به وجود می آید:

۱- اثر بازدارند: در کشورهای در حال توسعه اثر بازدارند نقش اصلی را بازی می کند. اثر بازدارنده مانع سرایت توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته به کشورهای عقب مانده است.

۲- اثر انتشار: در کشورهای در حال توسعه اثر انتشار بسیار کمزنگ و ضعیف است.

نابرابریهای منطقه ای و بین المللی

نابرابریهای منطقه ای:

عملکرد اقتصاد باز سرمایه داری به نحوی است که نابرابریهای منطقه ای را گسترش می دهد.

نابرابریهای بین المللی:

نتایج تئوریهای تجارت بین الملل باعث نابرابریهای بین المللی شده است.

نقش دولت در نظریه میردال

میردال نقش دولت را در توسعه اقتصادی بسیار مهم می‌داند مخصوصاً در زمینه تجارت خارجی او معتقد است بخش خصوصی به شدت سودجو است و دولت باید بخش خارجی اقتصاد را به سمت اهداف ملی هدایت نماید.

پایان

فصل چهارم

فصل پنجم

مدلهای رشد

طرح درس

۱- مدل‌های حقیقی

۲- مدل‌های پولی

۲- مدل رشد هارود - دومار

۳- مدل رشد نئوکلاسیک بدون پیشرفت

تکنولوژی

۴- مدل‌های رشد نئوکلاسیک با پیشرفت

تکنولوژی

هدف کلی

هدف کلی فصل پنجم آن است که دانشجویان با مدل‌های رشد اقتصادی آشنا شوند.

هدف‌های رفتاری

۱- آشنایی با مدل‌های حقیقی

۲- آشنایی با مدل‌های پولی

۳- آشنایی با مدل رشد نئوکلاسیک بدون پیشرفت
تکنولوژی

۴- آشنایی با مدل‌های رشد نئوکلاسیک با پیشرفت تکنولوژی

۵- آشنایی با مدل رشد هارود - دومار

مقدمه

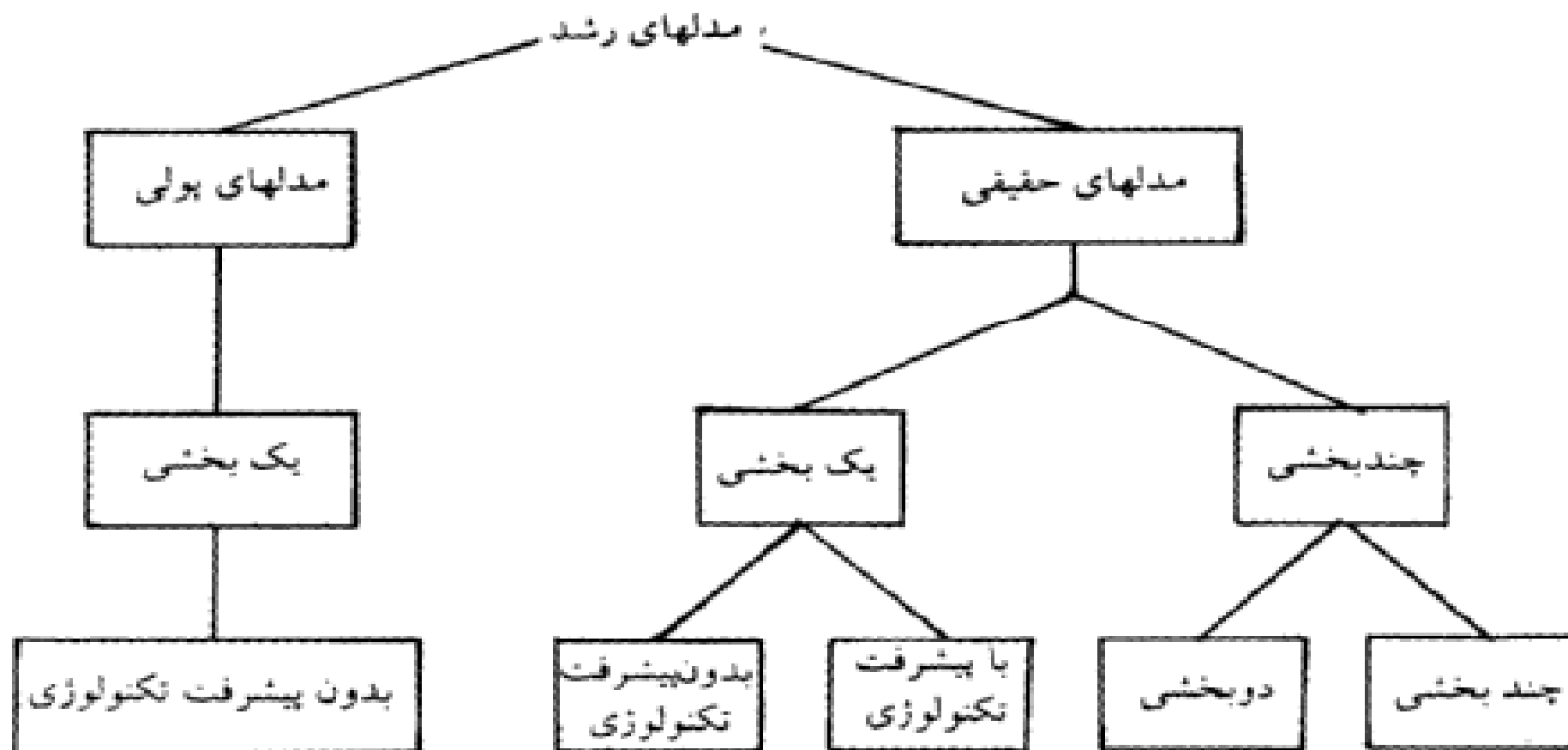
مدلهای رشد اقتصادی کلان به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- مدل‌های حقیقی: که در آنها پول نقشی ندارد.

۲- مدل‌های پولی: که در آنها نقش پول در نظر گرفته می شود.

نمودار شماره (۱-۵)

راهتمای تقسیم‌بندی مدل‌های رشد



مدل‌های حقیقی: مدل‌هایی هستند که در آنها پول نقشی ندارد.

مدل‌های پولی: مدل‌هایی هستند که در آنها پول دخالت دارد.

در این فصل مدل‌های زیر معرفی می‌شوند:

۱. مدل رشد هارود – دومار

۲. مدل رشد نئوکلاسیک بدون پیشرفت
تکنولوژی

۳. مدل‌های رشد نئوکلاسیک با پیشرفت
تکنولوژی



فصل پنجم ادامه

نظریه رشد اقتصادی

هارود - دومار

طرح درس

- تعریف رشد اقتصادی
- فرمول رشد اقتصادی
- نسبت سرمایه به تولید
- نرخ پس انداز
- فروض مدل رشد اقتصادی هارود-دومار
- عامل کلیدی رشد اقتصادی در نظریه هارود-دومار
- انتقادات وارد بر نظریه رشد اقتصادی هارود-دومار

هدف کلی

■ هدف کلی این بخش

■ آشنایی دانشجویان با

■ نظریه رشد اقتصادی هارود-دومار

است.

هدفهای رفتاری

- دانشجو پس از مطالعه این فصل می تواند:
- رشد اقتصادی را تعریف کند.
- فرمول رشد اقتصادی را بنویسد.
- نسبت سرمایه به تولید را بیان نماید.
- نرخ پس انداز را تعریف کند
- فرض مدل رشد اقتصادی هارود-دومار را بیان نماید.
- عامل کلیدی رشد اقتصادی در نظریه هارود-دومار را ذکر کند.
- انتقادات وارد بر نظریه رشد اقتصادی هارود-دومار را ذکر نماید.

مقدمه

■ مدل رشد هارود - دومار بر اساس تجربه کشورهای پیشرفته صنعتی پایه گذاری شده است. این مدل در حقیقت بسط نظریه کینز است. نظریه کینز بر خلاف نظریه کلاسیکها می گوید پس انداز برابر سرمایه گذاری است. هاردو و دومار سعی کردند نظریه رشد اقتصادی خود را بر اساس رشد یکنواخت، بی وقفه و ملایم استوار سازند.

عامل کلیدی رشد اقتصادی

■ در این نظریه نقش اساسی در روند رشد اقتصادی به سرمایه گذاری داده شده است.

■ در این مدل سرمایه گذاری دارای دو ویژگی است:

■ ۱. ایجاد درآمد می کند.

■ ۲. از طریق افزایش در موجودی سرمایه ظرفیتهای تولیدی را افزایش می دهند.

■ اولی را اثر تقاضا و دومی را اثر عرضه سرمایه گذاری می نامند.

مدل رشد اقتصادی هارود-دومار

- مدل رشد اقتصادی هارود-دومار دارای فرضیاتی است که در چارچوب آن فرضیات نتایج استخراج شده صحیح است ابتدا فرضیات مدل ارائه می شود. سپس متغیرها و پارامترها معرفی می شوند و پس از آن مدل تحلیل می شود.

فرضیات

- ۱. نرخ بهره ثابت است.
- ۲. تکنولوژی ثابت است.
- ۳. اقتصاد یک بخشی است.
- ۴. تجارت خارجی وجود ندارد.
- ۵. دولت در اقتصاد دخالت ندارد.
- ۶. استهلاک سرمایه وجود ندارد.
- ۷. نیروی کار با نرخ ثابت رشد می کند.
- ۸. نسبت سرمایه به تولید ثابت است.
- ۹. نسبت پس انداز به تولید ثابت است.
- ۱۰. تعادل در سطح اشتغال کامل تمام عوامل تولید وجود دارد.
- ۱۱. میل نهایی به پس انداز با میل متوسط به پس انداز برابر بوده و همیشه ثابت است.

متغیرهای مدل

■ K = موجودی سرمایه

■ Y = تولید ناخالص ملی

■ I_t = سرمایه گذاری برنامه ریزی شده در زمان

■ S_t = پس انداز برنامه ریزی شده در زمان

■ ΔK = افزایش در موجودی سرمایه

■ $k = K/Y$ = نسبت سرمایه به تولید

■ $s = S/y$ = نرخ پس انداز

■ $g = \Delta Y/Y$ = نرخ رشد اقتصادی

■ L^0 = نرخ رشد طبیعی جمعیت (نیروی کار)

■ I^0 = نرخ رشد سرمایه گذاری

مدل

■ هر اقتصادی باید نسبت معینی از درآمدش را پس انداز کند. برای رشد اقتصادی سرمایه گذاری جدیدی که نشان دهنده افزایش در موجودی سرمایه می باشد، لازم است. در مدل هارود-دومار سرمایه گذاری نقش اساسی و کلیدی دارد.

مدل رشد اقتصادی هارود-دومار به صورت زیر است:

$$I_t = S_t$$

$$S_t = s.Y_t$$

$$I_t = \Delta K$$

$$k = \frac{K}{Y}$$

$$k = \frac{\Delta K}{\Delta Y}$$

$$\Delta K = k.\Delta Y$$

$$I_t = S_t = \Delta K = k.\Delta Y$$

$$S_t = k.\Delta Y$$

$$s.Y_t = k.\Delta Y$$

$$\frac{s}{k} = \frac{\Delta Y_t}{Y_t}$$

$$g = \frac{s}{k}$$

تفسیر رابطه نرخ رشد اقتصادی

■ در مدل رشد اقتصادی هارود-دومار به وسیله نرخ پس انداز و نرخ سرمایه به تولید تعیین می شود و با نرخ پس انداز رابطه مستقیم و با نرخ سرمایه به تولید رابطه معکوس دارد.

نرخ رشد اقتصادی (\dot{Y}^0) با نرخ رشد طبیعی جمعیت (\dot{L}^0) برابر است.
 و نرخ رشد سرمایه گذاری نیز با نرخ رشد اقتصادی برابر است:

$$\dot{I}^0 = \dot{Y}^0 = \dot{L}^0 = g = \frac{s}{k}$$

$$\frac{dY_t}{dt} = \frac{1}{k} \cdot \frac{dK_t}{dt}$$

$$\dot{I}_t^0 = \frac{s}{k}$$

$$I_t = s \cdot Y_t$$

$$\frac{1}{s} \cdot \frac{dI_t}{dt} = \frac{1}{k} \cdot \frac{dK_t}{dt}$$

$$\dot{I}_t^0 = \dot{Y}_t^0 = \dot{L}_t^0 = g = \frac{s}{k}$$

$$Y_t = \frac{1}{s} \cdot I_t$$

$$I_t = \frac{dK_t}{dt}$$

$$\frac{dY_t}{dt} = \frac{1}{s} \cdot \frac{dI_t}{dt}$$

$$\frac{\frac{dI_t}{dt}}{I_t} = \frac{s}{k}$$

$$Y_t = \frac{1}{k} \cdot K_t$$

$$I_t^0 = Y_t^0 = L_t^0 = g = \frac{s}{k}$$

منطق اقتصادی رابطه فوق بسیار ساده است. اقتصاد باید نسبت معینی از تولید ناخالص ملی خود را پس انداز و سرمایه گذاری کند. هر چه کشور بیشتر پس انداز کند سرمایه گذاری بیشتر می شود و رشد اقتصادی تحقق می یابد.

انتقادات وارد بر نظریه هارود-دومار

■ فرض برابری میل متوسط و میل نهایی به مصرف در کوتاه مدت ممکن است درست باشد ولی در بلند مدت این دو متفاوتند.

■ فرض شد که نیروی کار و سرمایه به نسبت ثابت مورد استفاده قرار می گیرند. این فرض امکان جانشینی نیروی کار و سرمایه را رد می کند در صورتیکه در عمل این دو عامل جانشین هم هستند.

■ در این نظریه هیچ اشاره ای به تغییرات قیمتها نشده در صورتیکه قیمتها در طول زمان دچار تغییر می شود و اقتصاد را بی ثبات می کند.

■ به طور ضمنی فرض شده نرخ بهره ثابت است. در عمل نرخ بهره تغییر می کند و سرمایه گذاری را تحت تأثیر قرار می دهد.

■ نقش دولت نادیده گرفته شده است.

■ تکنولوژی ثابت فرض شده است. در صورتی که در دنیای واقعی تکنولوژی دائماً در حال تغییر است.

■ فرض شده که نرخ رشد تولید ، نرخ رشد نیروی کار و نرخ رشد سرمایه گذاری با هم برابر هستند. وقوع چنین امری کاملاً تصادفی است و احتمال آن بسیار ضعیف است. به همین دلیل می گویند اقتصاد روی لبه تیغ است.

پایان نظریه هارود- دومار



فصل پنجم ادامه

مدل رشد سولو

طرح درس

- ۱- مدل رشد سولو بدون پیشرفت تکنولوژی
- ۲- مقایسه مدل سولو و مدل هارود -دومار
- ۳- مدل رشد سولو با پیشرفت تکنولوژی

هدف کلی

هدف کلی آشنایی دانشجویان

با مدل سولو و مقایسه آن

با مدل هارود - دومار است.

هدفهای رفتاری

۱- آشنایی با مدل رشد سولو بدون پیشرفت تکنولوژی

۲- آشنایی با تفاوتها و شباهتهای مدل سولو و مدل

هارود - دومار

۳- آشنایی با مدل رشد سولو با پیشرفت تکنولوژی

مدل رشد سولو بدون پیشرفت تکنولوژی

مقدمه

مدل سولو همان مدل ساده و اولیه نئوکلاسیک است.

سولو اولین کسی است که مدل هارود-دومار را مورد انتقاد قرار داد

انتقاد او به عدم جانشینی عوامل تولید و عدم نقش تکنولوژی در مدل آنها بود.

فروض اساسی مدل

۱. اقتصاد یک بخشی است.
۲. نیروی کار با نرخ رشد ثابتی رشد می کند.
۳. پس انداز ضریب ثابتی از تولید است.
۴. تابع تولید کل پیوسته است.
۵. بازده نسبت به مقیاس ثابت است.
۶. اشتغال کامل وجود دارد.
۷. در اقتصاد شرایط رقابت کامل وجود دارد.

مدل

تابع تولید کاب داگلاس است:

$$Y = AK^a L^b$$

$$a + b = 1$$

$$b = 1 - a$$

$$Y = AK^a L^{1-a}$$

$$dY/dt = AaK^{a-1} L^{1-a} dK/dt + A(1-a)K^a L^{-a-1} dL/dt$$

$$dY/dt = AaK^{a-1} L^{1-a} dK/dt + A(1-a)K^a L^{-a} dL/dt$$

$$dY/dt/Y = (AaK^{a-1} L^{1-a} / AK^a L^{1-a}) * dK/dt + (A(1-a)K^a L^{-a} / AK^a L^{1-a}) * dL/dt$$

$$Y^0 = a(dK/dt/K) + (1-a)(dL/dt/L)$$

$$Y^0 = a K^0 + bL^0 = a K^0 + bg$$

$$Y^0 = a K^0 + (1-a)L^0$$

$$Y^0 = a K^0 + L^0 - aL^0$$

$$Y^0 - L^0 = a (K^0 + L^0)$$

تفسیر

برای اینکه نرخ رشد تولید
سرانه مثبت باشد باید نرخ
رشد سرمایه سرانه مثبت باشد.

مقایسه مدل سولو و مدل هارود - دوما

اگر در مدل سولو به جای سرمایه گذاری (I) قرار گیرد خواهیم داشت:

$$Y^0 = a(I/K) + bg$$

اگر به جای I از رابطه تعادلی استفاده شود خواهیم داشت:

$$S = sY = I$$

$$Y^0 = a(sY/K) + bg$$

$$Y/K = 1/k$$

$$Y^0 = a(s/k) + bg$$

۱. در مدل هارود-دومار نرخ رشد تولید برابر $Y^0 = s/k$ است. یعنی نرخ رشد فقط به عامل سرمایه وابسته است. در مدل سولو نرخ رشد تولید به هر دو عامل سرمایه و نیروی کار بستگی دارد.

۲. در مدل سولو فرض ثابت بودن نسبت تولید به سرمایه $(Y/K = 1/k)$ مطرح نیست. لذا این مدل روی لبه تیغ نیست.

۳. اگر $a=1$ باشد یعنی $b=1-a=0$ در این صورت معادله رشد اقتصادی سولو به معادله رشد اقتصادی هارود-دومار تبدیل می شود. یعنی:

$$Y^0 = (1)(s/k) + (0)g$$

$$Y^0 = s/k = K^0$$

مدل رشد سولو با پیشرفت تکنولوژی

مقدمه

تولید تابعی از نیروی کار، سرمایه
و تکنولوژی است.

$$Y=F(K,L,T)$$

$$dY/dt=(dY/dK)*(dK/dt)+(dY/dL)*(dL/dt)+dY'$$

$$\frac{dY}{dt}/Y = \left(\frac{dY}{dK} * \frac{K}{Y}\right) * \left(\frac{dK}{dt}/K\right) + \left(\frac{dY}{dL} * \frac{L}{Y}\right) * \left(\frac{dL}{dt}/L\right) + dY'/Y$$

$$Y^0 = E_k K^0 + E_l L^0 + t^0$$

تفسیر

نرخ رشد تولید با نرخ رشد سرمایه و
نرخ رشد نیروی کار و نرخ رشد تکنولوژی
و کشش تولید نسبت به سرمایه و کشش
تولید نسبت به نیروی کار رابطه مستقیم
دارد.

پایان

مدل رشد سولو



فصل نهم

روشهای دستیابی به توسعه اقتصادی

طرح درس

۱- مقدمه

۲- دیدگاه‌های نظری اقتصادی

۳- دیدگاه‌های عملی توسعه اقتصادی

هدف کلی

هدف کلی این فصل آشنایی

دانشجو با دیدگاه‌های نظری و

عملی توسعه اقتصادی است.

هدفهای رفتاری

- ۱- نظریه رشد متعادل اقتصادی
- ۲- تعریف رشد متعادل اقتصادی
- ۳- نقطه عطف نظریه رشد متعادل اقتصادی
- ۴- انتقادات وارد بر نظریه رشد متعادل اقتصادی

مقدمه

در چارچوب مباحث نظری ، نظریه های رشد متعادل و غیر متعادل بررسی می شود. در چارچوب دیدگاه عملی پنج استراتژی توسعه، شامل استراتژی پولی ، استراتژی اقتصاد باز ، استراتژی صنعتی شدن، استراتژی انقلاب سبز، استراتژیهای سوسیالیستی ارائه می شود.

نظریه رشد متعادل اقتصادی

مقدمه

■ نظریه رشد متعادل اقتصادی به طور خلاصه عبارتست از فراهم نمودن حداقل سرمایه گذاری در تمامی فعالیتهای اقتصادی و بخشهای مختلف تولیدی برای اینکه بخشهای اقتصادی بتوانند از یکدیگر حمایت نمایند چون بخش ها با یکدیگر مرتبط بوده به یکدیگر کالا عرضه می کنند و از یکدیگر کالا تقاضا می کنند و موجب هم افزایی یکدیگر می شوند.

تعریف رشد متعادل اقتصادی

■ رشد متعادل اقتصادی به معنی ایجاد تعادل بین صنایع و بخشهای مختلف اقتصادی است که کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه ای تولید می کنند. رشد متعادل نمایانگر ایجاد تعادل بین دو بخش کشاورزی و صنعت و نیز بین بخش صادرات و بخش های داخلی است. رشد متعادل شامل ایجاد تعادل بین سرمایه گذاری های بالاسری اجتماعی و سرمایه گذاری های مستقیم مولد از یک طرف و تعادل بین صرفه جویی های خارجی عمودی و افقی از طرف دیگر است.

نقطه عطف نظریه رشد متعادل اقتصادی

■ نورکس، پربیش سینگر و میردال از منتقدین تجارت آزاد بین المللی هستند. آنها معتقدند این تجارت آزاد یک تقسیم کار نابرابر بین - المللی بین کشورهای در حال گذر و کشورهای صنعتی ایجاد نموده طبق نظریه تجارت آزاد بین المللی کشورهای در حال گذر در تولید کالاهای کشاورزی و محصولات اولیه و کشورهای صنعتی در تولید کالاهای ساخته شده برتری نسبی دارند.

■ درحقیقت این نظریه در مقابل تقسیم کار بین المللی می ایستد و با آن مخالفت می کند. در مقابل استراتژی تشویق صادرات، نورکس استراتژی جانشینی واردات را پیشنهاد می نماید.

تودارو دو گانگی را وجود دو موقعیت یا پدیده در کنار هم (یکی مطلوب و دیگری نامطلوب) که مشمولیت کلی ندارد؛ مثلاً فقر شدید و وفور نعمت، بخشهای مدرن و سنتی اقتصادی، رشد و رکود، تعداد معدودی باتحصیلات دانشگاهی و توده بی سواد تعریف می کند. بخش کشاورزی و بخش صنعتی کشورهای در حال گذر دارای ارتباط بسیار ضعیفی هستند به نحوی که هر بخش چه از لحاظ گرفتن یا دادن عوامل تولید و چه از لحاظ گرفتن یا دادن کالاهای ساخته و نیمه ساخته خود بابخش مقابل فاقد ارتباط لازم است.

انتقادات وارد بر نظریه رشد متعادل اقتصادی

■ نظریه رشد متعادل اقتصادی کمک زیادی به علم اقتصاد نموده است اما علی رغم نکات ارزنده ای که این نظریه دارد انتقاداتی به آن وارد است که به ذکر آنها می پردازیم.

■ کشورهای در حال گذر سرمایه کافی برای سرمایه گذاری در تمام بخشها را ندارند مشکل اصلی این کشورها کمبود سرمایه است.

■ الگوی رشد متعادل اقتصادی نیاز به برنامه ریزی زمانی بسیار دقیق و هماهنگی لازم بین نهادها و عوامل مختلف کشور دارد. کشورهای در حال گذر فاقد چنین توانایی هستند.

پایان

نظریه رشد متعادل اقتصادی

فصل نهم ادامه

■ نظریه رشد متعادل اقتصادی
روزن اشتاین رودن

طرح درس

- رشد متعادل اقتصادی را از دیدگاه رودن
- فرضیات مدل رشد متعادل اقتصادی روزن اشتاین رودن
- مفهوم بازدهی فزاینده و صرفه های خارجی تکنولوژیکی
- نظر رودن را در مورد دخالت دولت
- سرمایه گذاری وسیع و همزمان در تمام بخشهای اقتصادی
- راههای پیشنهادی رودن برای تأمین مخارج سرمایه گذاری
- تقسیم ناپذیری تقاضاها یا مکمل بودن تقاضاها
- تقسیم ناپذیری عرضه پس اندازهها
- تقسیم ناپذیری تابع تولید

هدف کلی

■ هدف کلی این بخش آشنایی دانشجو با مفاهیم رشد متعادل اقتصادی روزن اشتهاین رودن است.

مقدمه

■ پال روزن اشتاین رودن (۱۹۸۵) اهل لهستان و تابع انگلستان است. وی از پایه گذاران مکتب اتریش است. نظریه مطلوبیت نهایی از دستاوردهای مهم این مکتب اقتصادی است. اشتاین رودن نظریه توسعه اقتصادی خود را در یک جمله خلاصه می کند: طبیعت خیز بر می دارد. این جمله دقیقاً مخالف عبارت “طبیعت خیز بر نمی دارد” آلفرد مارشال است.

نظریه رشد متعادل اقتصادی روزن اشتاین رودن

نظریه رشد اقتصادی رودن تحت عنوان “نظریه فشار همه جانبه” یا “جهش بزرگ” یا “فشار بزرگ” نام گذاری شده است. ابتدا فرضیات مدل را می آوریم و سپس نظریه را توضیح می دهیم.

فرضیات مدل

- دولت در اقتصاد دخالت می کند.
- تکنولوژی در حال پیشرفت است.
- توابع تولید تقسیم ناپذیر است.
- مکانیزم بازار قادر به تأمین امکانات لازم برای توسعه نیست.

رودن در نظریه خود به نقش پنج عامل اشاره می کند :



■ صرفه جویی های خارجی

■ وجود وابستگی متقابل بین بخشهای مختلف اقتصادی

■ وجود جمعیت مازاد روستایی بیکاری پنهان

■ صرفه جویی های پولی خارجی

■ سرمایه ثابت اجتماعی

تعریف فشار بزرگ

■ نظریه رشد متعادل یا فشار بزرگ به معنی برنامه ریزی جامع و کامل سرمایه گذاری برای رفع موانع موجود بر سر راه توسعه اقتصادی کشورهای در حال گذر است.

اقدامات لازم برای توسعه اقتصادی

۱. تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص

۲. سرمایه گذاری وسیع و همزمان در تمام

بخشهای اقتصادی

رودن مخالف صنعتی شدن با الگوی روسیه است.

زیرا به نظر وی رویه صنعتی شدن از طریق خود کفایی تقسیم کار بین المللی را کاهش می دهد وی شیوه جدیدی را برای صنعتی شدن مناطق اروپای شرقی ارایه می کند که بر جریان سرمایه و وام دهی خارجی مبتنی است. بر اساس تقسیم کار بین المللی منطقه اروپای شرقی در صنایع کاربر مزیت نسبی دارد و می تواند کالاهایی که نیاز به نیروی کار بیشتری دارد را تولید و با قیمت ارزانتر از سایر کشورها صادر نماید.

رودن برای تأمین مخارج سرمایه گذاری راههای
زیر را پیشنهاد می کند:

■ کاهش واردات کالاهای مصرفی

■ افزایش صادرات

■ استقراض

تقسیم ناپذیری های اقتصاد



■ زمانی که یک پدیده را به توان به اجزای بسیار کوچک تقسیم کرد آن پدیده تقسیم پذیر است. وقتی می توانید منحنی عرضه را به صورت یک خط یا منحنی از چپ به راست صعودی رسم کنید فرض تقسیم پذیری را پذیرفته اید زیرا می توانید بی نهایت نقطه را به یکدیگر وصل کنید.

رودن سه نوع تقسیم ناپذیری را در فرایند توسعه برای ایجاد صرفه جویی های خارجی ذکر می کند:

- تقسیم ناپذیری تقاضاها یا مکمل بودن تقاضاها

- تقسیم ناپذیری عرضه پس اندازها

- تقسیم ناپذیری تابع تولید به خصوص تقسیم ناپذیری هزینه های بالا سری اجتماعی (نظیر دفاع ملی، شبکه راهها، بهداشت، آموزش) یا یک کاسه بودن سرمایه

پایان

نظریه رودن



فصل نهم ادامه

نظریه توسعه اقتصادی

راگنار نورکس

طرح درس

■ نظریه نورکس را در مورد تجارت بین المللی

■ نظریه توسعه اقتصادی را گنار نورکس

■ فرضیات نظریه نورکس

■ کاربرد نظریه نورکس در کشورهای مختلف

■ انتقادات وارد بر نظریه به نظریه نورکس

هدف کلی

■ هدف کلی این بخش آشنایی دانشجو با نظریه توسعه اقتصادی راگنار نورکس است.

مقدمه

راگنار نورکس از نظریه پردازان رشد متعادل اقتصادی است. نورکس مشکل کشورهای در حال گذر را وجود دوره‌های باطل فقر می‌داند و می‌گوید: سطح درآمدی‌های پایین در ممالک عقب مانده، بازتاب بازدهی یا قدرت تولید در سطح پایین است. اما این نیز خود ناشی از کمبود سرمایه می‌باشد و کمبود سرمایه نیز به نوبه خود معلول محدود بودن ظرفیت پس انداز جامعه است.

نظریه توسعه اقتصادی راگنار نورکس

■ نورکس راه خارج شدن از دوره‌های باطل فقر را سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در کلیه بخش‌های اقتصادی می‌داند و تأکید می‌کند سرمایه‌گذاری‌های مجزا و انفرادی مشکل کشورهای در حال گذر راه حل نخواهد کرد.

■ تنها راه فرار از دوره‌های باطل فقر سرمایه‌مایه‌گذاری در سطح وسیعی از صنایع مختلف است.

فرضیات

- نظریه نور کس برای ارایه نظریه خود فرضیاتی به صورت زیر در نظر می گیرد:

- اقتصاد بسته است.

- دولت در اقتصاد دخالت دارد.

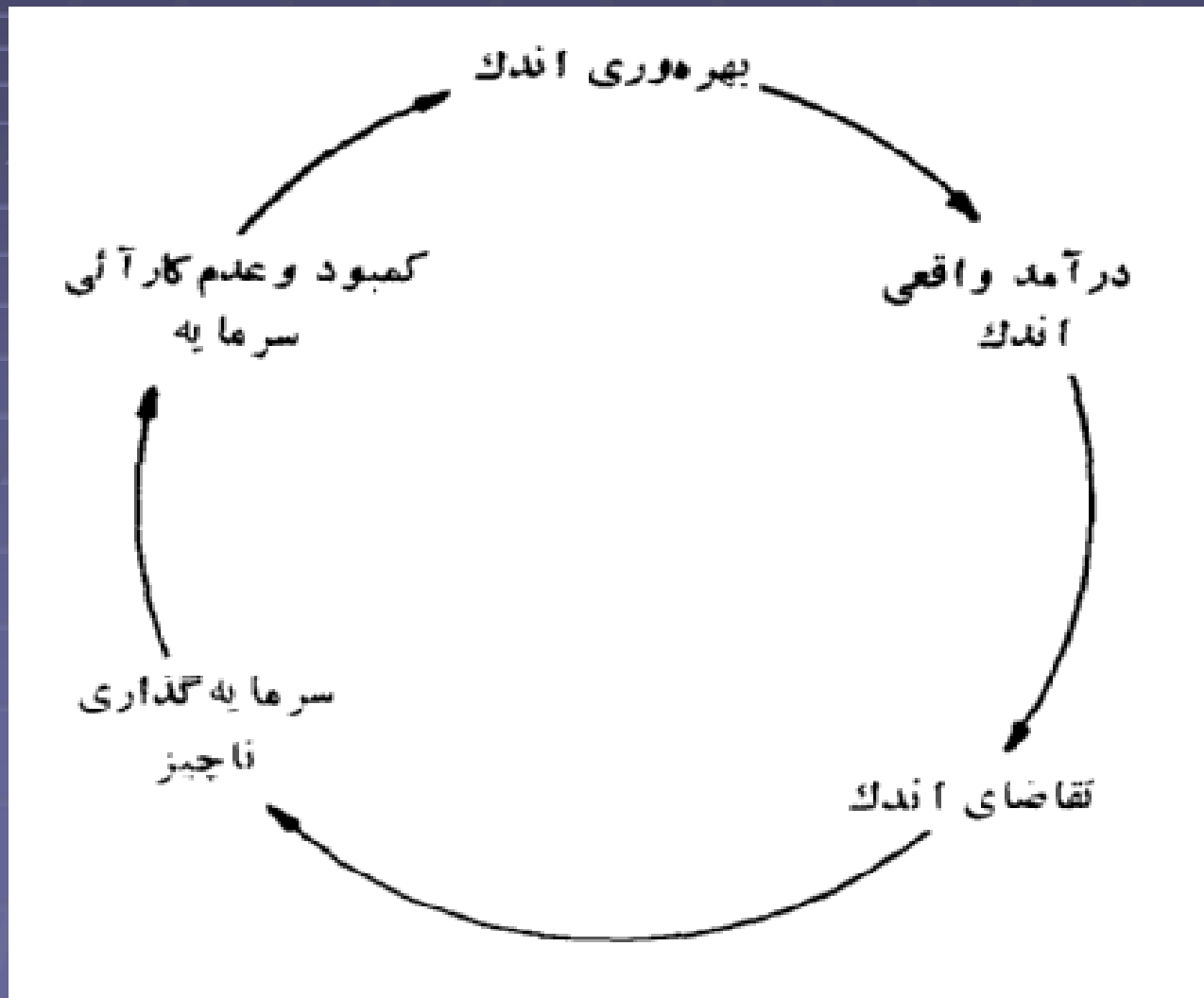
- در اقتصاد کمبود تقاضای مؤثر وجود دارد.

- تقاضا عرضه خود را ایجاد می کند.

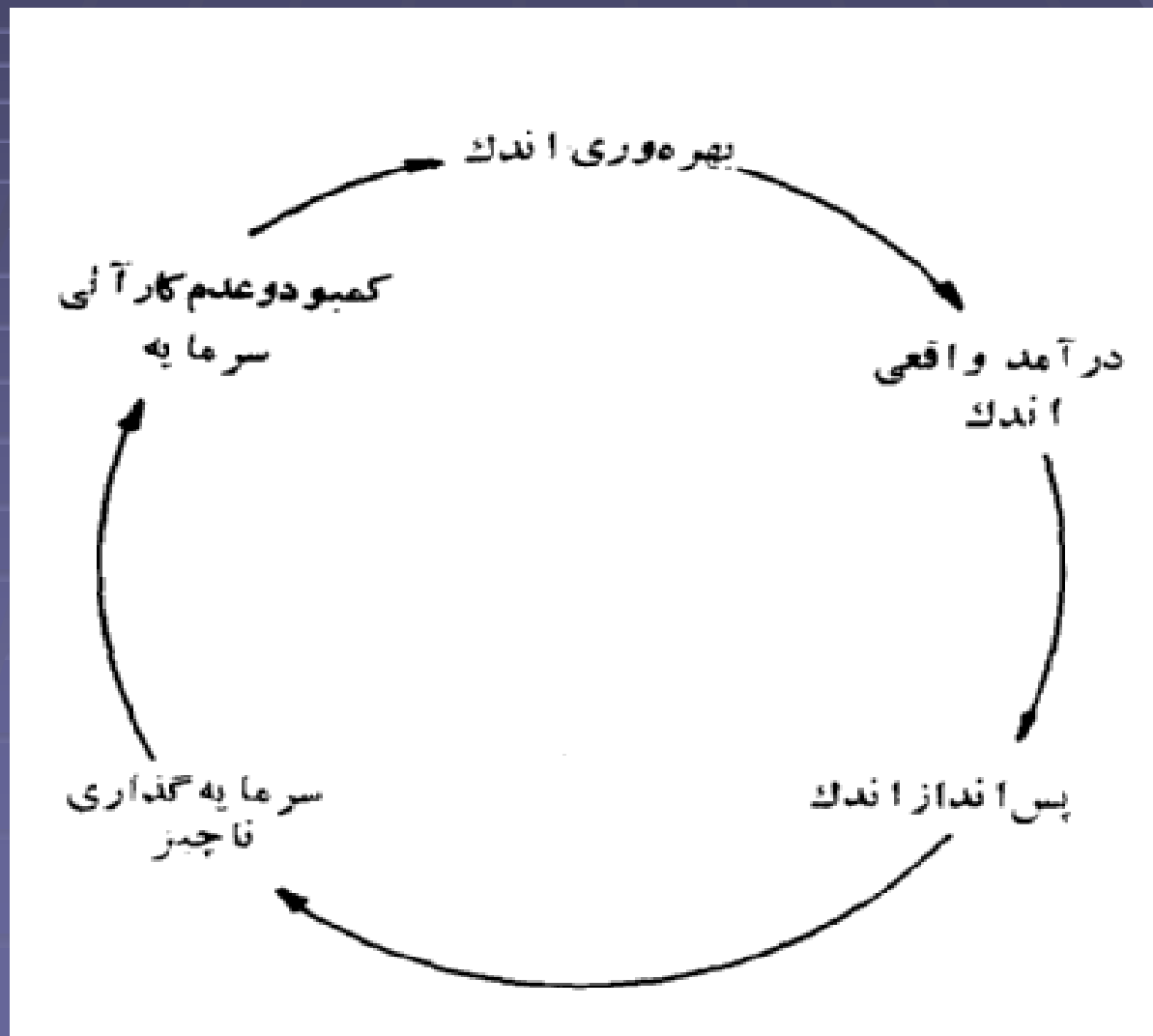
مدل

■ اگر کارگران با قدرت تولیدی بیشتری کار کنند، تولید و به دنبال آن سرمایه افزایش می یابد و تکنیکهای تولید بهبود می یابد. زمانی که بازار وسیعی در سطح جهان برای محصولات اولیه صادراتی کشورهای در حال گذر وجود ندارد این کشورها باید به دنبال افزایش تقاضای داخلی باشند. بنابراین استفاده از الگوی حمایت متقابل سرمایه گذاری ها در خطوط مختلف تولید در بخشها و صنایع مکمل می تواند وسعت بازار داخلی را گسترش دهد و اقتصاد را از دوره های باطل فقر خارج کند.

دور باطل در طرف تقاضا



دور باطل در طرف عرضه



کاربرد نظریه

■ کاربرد این نظریه در شرایط زمانی و مکانی مختلف متفاوت خواهد بود همان طور که رژیم غذایی متناسب با قد و اندازه و وزن و توانایی های جسمی و روحی افراد توصیه می شود. نظریه رشد متعادل در هر کشوری و در شرایط زمانی خاص انعطاف دارد مخصوصاً این الگو برای رشد تولیدات مصرفی در طول برنامه های توسعه تغییر می کند.

انتقادات وارد بر نظریه نور کس

- به اعتراف خود نور کس کشورهای در حال گذر کمبود سرمایه دارند تأمین سرمایه لازم برای اجرای نظریه نور کس بسیار مشکل است.

- اجرای نظریه نور کس نیاز به سیستم اداری و نهادهای بسیار قوی دولتی دارد کشورهای در حال گذر فاقد چنین سیستم اداری و نهادهای لازم هستند.

- اقتصاد کشورهای در حال گذر ویژگی دوگانگی دارد و بین بخشها ارتباط منسجم وجود ندارد، بخش مدرن و بخش سنتی کاملاً متمایز هستند و این امر اجرای نظریه نور کس را با مشکل مواجه می سازد.

پایان

نظریه نور کس



فصل نهم ادامه

نظریه رشد اقتصادی

ریچارد . آر نلسون

طرح درس

۱- مقدمه

۲- نظریه رشد اقتصادی نلسون

۳- تعادل در سطح پایین

۴- فرضیات مدل رشد اقتصادی نلسون

۵- انتقاداتی را که به نظریه رشد اقتصادی

نلسون

هدف کلی

■ هدف کلی این بخش آشنایی

دانشجویان با نظریه رشد

اقتصادی ریچارد. آر نلسون

است.

مقدمه

ریچارد نلسون در سال ۱۹۵۶ نظریه خود را تحت عنوان «دام تعادل در سطح پایین» در مقاله‌ای ارائه کرد. نظریه وی شبیه نظریه مالتوس در مورد جمعیت است. وی معتقد است اگر درآمد سرانه از حداقل معیشت تجاوز کند جمعیت افزایش می‌یابد. برای خروج از دور باطل فقر باید تلاش نمایم تا رشد درآمد سرانه از رشد جمعیت بیشتر باشد. همچنین باید تلاش کرد تا درآمد سرانه از یک سطح حداقلی که در آن سطح پس انداز صفر است تجاوز کند تا بتوان پس انداز و به دنبال آن سرمایه‌گذاری کرد.

نظریه رشد اقتصادی ریچارد. آر نلسون

- نلسون نظریه خود را در مدلی بسیار ساده با فرضیاتی ارائه کرده است در این بخش ابتدا فرضیات مدل او را ذکر می کنیم و سپس مدل او را مورد بررسی قرار می دهیم.

فرضیات

- نسبت نیروی کار به جمعیت ثابت است.
- رشد جمعیت تابعی از رشد درآمد سرانه است.
- سرمایه گذاری تابع پس انداز است.
- افزایش زمین های زیر کشت سرمایه گذاری محسوب می شود.
- ورود و خروج سرمایه های خارجی آزاد است.
- دولت در فعالیتهای اقتصادی دخالت می کند.

مدل

■ نلسون یک مدل ساده را با سه رابطه مشخص ارایه نمود این سه رابطه عبارتند از :

■ رابطه درآمدی

■ رابطه سرمایه گذاری

■ رابطه جمعیتی

■ هر کدام از این روابط نقش خاصی را در نظریه نلسون بازی می کنند در این بخش به توضیح هر کدام از روابط فوق می پردازیم.

۱. رابطه درآمدی

■ در نظریه نلسون یک معادله برای تعیین درآمد وجود دارد. این معادله شبیه تابع تولید است. درآمد تابعی از ذخیره سرمایه ثابت، اندازه جمعیت، سطح تکنولوژی و شیوه تولید رایج در جامعه است.

$$Y = f(K, POP, T)$$

■ درآمد = Y ، سرمایه = K ،

■ جمعیت = POP ، تکنولوژی = T

۲. رابطه سرمایه گذاری

■ نلسون سرمایه گذاری خالص را افزایش مقدار زمینهای زیر کشت به علاوه پس اندازهایی که طی یک دوره به سرمایه گذاری تبدیل می شوند تعریف می کند. رابطه سرمایه‌گذاری به صورت زیر تعریف می شود:

$$I = f(S, L)$$

■ I = سرمایه گذاری خالص ، S = پس انداز ، L = زمین های اضافی

۳. رابطه جمعیتی

■ نرخ رشد جمعیت رابطه مستقیم با سطح درآمد سرانه دارد. با کاهش درآمد سرانه، نرخ مرگ و میر افزایش و جمعیت کاهش می یابد تا درآمد سرانه قادر به تأمین حداقل معاش برای جمعیت موجود باشد. وقتی درآمد سرانه به سطحی بالاتر از سطح حداقل معاش برسد، افزایش درآمد سرانه تأثیر ناچیزی بر کاهش نرخ مرگ و میر دارد.

متغیرهای مدل

$Y =$ درآمد ملی؛ $\left(\frac{Y}{P}\right)_1 =$ درآمد سرانه در سطح تعادل ناپایدار

$P =$ جمعیت کشور؛ $\left(\frac{Y}{P}\right)_2 =$ درآمد سرانه در سطح تعادل پایدار

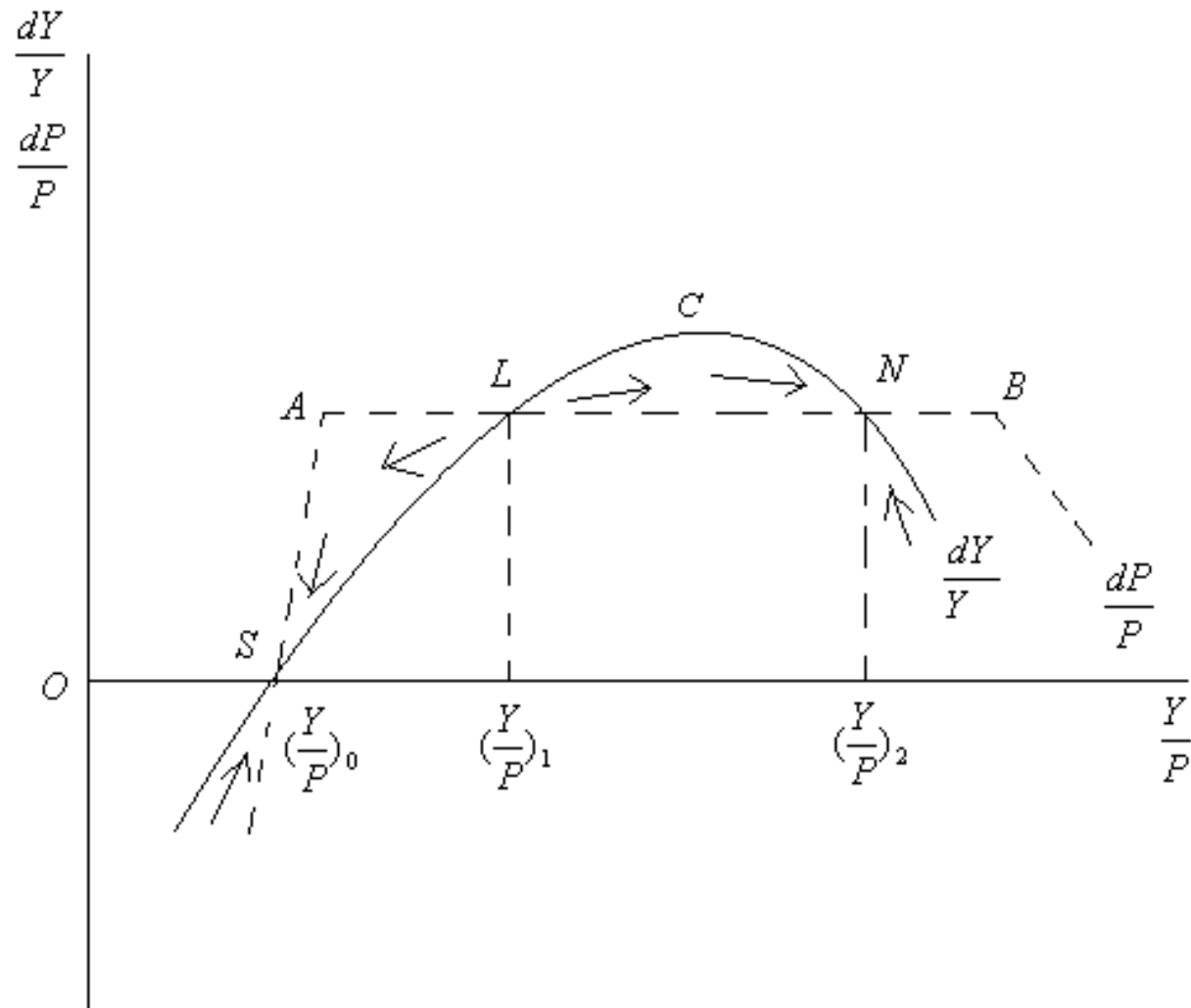
$\frac{Y}{P} =$ درآمد سرانه؛ $\frac{dY}{Y} =$ نرخ رشد درآمد ملی (نرخ رشد اقتصادی)

$\frac{dP}{P} =$ نرخ رشد جمعیت؛ $\left(\frac{Y}{P}\right)_0 =$ درآمد سرانه در سطح حداقل معیشت

۲- خودگردانی و استمرار

اگر نظام اقتصادی و همچنین ساختارهای اجتماعی یک کشور طوری سازماندهی شده باشند که در یک شبکه مرتبط و هماهنگ نیازهای یکدیگر را خود برآورده نمایند، در صورت بروز بحران قادر خواهند بود که به حرکت خود به سوی توسعه ادامه دهند.

دام تعادل در سطح پایین



هر اقتصاد توسعه نیافته ای در یک دام
تعادل در سطح پایین گرفتار می شود. دام
تعادل در سطح پایین عبارتست از: دامنه ای
از درآمد سرانه در یک جامعه که در آن
دامنه، نرخ رشد جمعیت فراتر از نرخ رشد
درآمد قرار می گیرد.

■ بین دو نقطه و همزمان با رشد درآمد، جمعیت هم رشد می کند ولی چون رشد جمعیت از رشد درآمد بیشتر است درآمد سرانه کاهش می یابد و دوباره به نقطه بر می گردد.

■ بنابراین فاصله تا دامنه معینی از درآمد سرانه است که اقتصاد را در یک دام نگه می دارد و چون سطح درآمد سرانه پایین است آن را دام تعادل در سطح پایین می گویند.

شرایط اجتماعی و تکنولوژیکی دام تعادل در سطح پایین

■ کمیابی زمین های کشت نشده که امکان کشت آنها
وجود داشته باشد.

■ استفاده از روشهای تولید با بازدهی پایین و ناکارآمد

■ تمایل اندک برای سرمایه گذاری درآمدهای اضافی به
منظور افزایش سرمایه گذاری سرانه

■ همبستگی شدید بین نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد
درآمد سرانه

راههای خروج از دام تعادل در سطح پایین

- اصلاح شیوه های تولید در کلیه بخشهای اقتصادی
- اتخاذ سیاستهای مناسب توزیع درآمد
- ایجاد شرایط مناسب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای اجرای برنامه های رشد متعادل اقتصادی
- تغییر ساختار جمعیتی در مسیر کاهش نرخ زاد و ولد
- افزایش سرمایه گذاری از طریق برنامه ریزی حکومت مرکزی
- ایجاد شرایط لازم برای ورود سرمایه های خارجی

انتقادات وارد بر نظریه نلسون

■ علت اصلی رشد جمعیت بهبود وضعیت بهداشتی و کاهش نرخ مرگ و میر است. چون نرخ زاد و ولد تغییری نکرده است با کاهش نرخ مرگ و میر، نرخ رشد جمعیت افزایش یافته است. بنابراین رابطه تبعی بین نرخ رشد جمعیت و درآمد سرانه که نلسون آن را مطرح کرده زیر سؤال می رود.

■ در طول زمان ممکن است افزایش درآمد سرانه در فاصله S و L

باعث کشف سرمایه های جدید و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص شود که بازگشت به نقطه را ناممکن سازد و اقتصاد را به بالاتر از L انتقال دهد. بنابراین نلسون به عامل زمان توجه نکرده است.

پایان

نظریه رشد اقتصادی

ریچارد . آر نلسون



فصل نهم ادامه

نظریه رشد نامتعادل اقتصادی

آلبرت هیرشمن

طرح درس

- رشد نامتعادل اقتصادی
- طرحهای بالاسری اجتماعی
- طرحهای مستقیماً مولد
- نظر هیرشمن در مورد تجارت خارجی
- دلایل هیرشمن برای اولویت بخش صنعت
- نامتعادل ساختن اقتصاد از طریق سرمایه گذاری در طرحهای بالاسری اجتماعی
- نامتعادل کردن اقتصاد از طریق اجرای طرحهای مستقیماً مولد
- انتقادات وارد بر نظریه رشد نامتعادل اقتصادی هیرشمن

هدف کلی

■ هدف کلی این بخش آشنایی دانشجویان با نظریه رشد نامتعادل اقتصادی آلبرت هیرشمن است.

مقدمه

■ رشد نامتعادل به معنی دقیق کلمه زمانی رخ می دهد که بعضی از بخشهای اقتصادی، نقش رهبری را در فرایند توسعه برعهده گیرند و قبل از سایر بخشها به سوی توسعه گام بردارند.

■ تفاوت نظریه رشد متعادل و نظریه رشد نامتعادل در این است که رشد سریعتر برخی از بخش های اقتصاد به عدم تعادل منتهی می شود و این بخش ها نقش پیشرو و یا رهبر را در امر توسعه اقتصادی برعهده دارند.

فرضیات

- اقتصاد مختلط و مشتمل بر فعالیت بخش خصوصی و بخش دولتی است.
- بازار نقش اساسی در توسعه اقتصادی دارد.
- بخشهای اقتصادی با یکدیگر پیوند دارند.

مدل

• هیرشمن معتقد است سرمایه گذاری را باید در بخش های خاص که بازدهی بیشتری نسبت به سایر بخشها دارند شروع کنیم تا سایر بخشها دارند به دنبال بخشهای پیشتاز حرکت کنند.

■ هیرشمن می گوید هدف ما باید به جای حذف عدم توازن ابقای آن باشد چون منافع و مضار موجود در یک اقتصاد رقابتی از علائم این پدیده ها است. اگر هدف ادامه پیشرفت یک اقتصاد است وظیفه یک برنامه توسعه عبارت است از: حفظ فشارها، بی تناسبی ها و عدم تعادلها.

پیوندها یا ارتباطات بخشهای پیشتاز

هر سرمایه گذاری سه نوع تأثیر بر اقتصاد دارد: ۱. از طریق پیوند های پیشین ۲. از طریق پیوندهای پیشین ۳. از طریق پیوندهای هم سطح

پیوندهای پیشین: پیوندهای پیشین پیوندهایی هستند که موجب تشویق و ترغیب سرمایه گذاری در مراحل قبلی تولید می شوند.

پیوندهای پسین: پیوندهای پسین پیوندهایی هستند که موجب تشویق و ترغیب سرمایه گذاری در مراحل بعدی تولید می شوند.

پیوندهای هم سطح: پیوندهایی هستند که موجب تشویق و ترغیب سرمایه گذاری در صنایع مشابه می شوند

نامتعادل ساختن اقتصاد از طریق سرمایه گذاری در طرحهای بالاسری اجتماعی

■ طرحهای بالاسری اجتماعی طرحهایی هستند که بدون آنها فعالیتهای مولد در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات نمی تواند تداوم یابد. این طرحها شامل سرمایه گذاری در بهداشت، آموزش، حمل و نقل، مخابرات، گاز، آب و برق است. اجرای این طرحها زمینه فعالیت بخش خصوصی را فراهم می سازد. چون امکانات اقتصادی محدود است اجرای طرحهای بالاسری اجتماعی در مراحل اولیه توسعه، اقتصاد را نامتعادل خواهد کرد ولی بعد از انجام چنین طرحهایی سایر بخشها نیز رشد خواهد کرد.

نامتعادل کردن اقتصاد از طریق اجرای طرح‌های مستقیماً مولد

■ دولت می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم در طرح‌های مستقیماً مولد مشارکت نماید. اگر اجرای طرح‌های مستقیماً مولد قبل از انجام طرح‌های بالاسری اجتماعی انجام شود هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد. و به علت فشارهای سیاسی سرمایه‌گذاری در طرح‌های بالاسری اجتماعی نیز تشویق می‌شود. چون سرمایه‌گذاری به دو دلیل صورت می‌گیرد:

■ ۱. انتظار از سود دهی آتی ۲. فشارهای سیاسی

تجارت خارجی

■ هیرشمن در مورد تجارت خارجی معتقد است که کشورهای در حال گذر باید استراتژی جانشینی واردات را انتخاب نمایند و صنایع داخلی را جایگزین کالاهای وارداتی نمایند. وی شرط موفقیت این استراتژی را وجود بازار داخلی برای صنایع جایگزین اعلام می کند. البته هیرشمن با بستن درهای کشور مخالف است و ذکر می کند که می توان قطعات مجزا را وارد کرد و در واحدهای تولیدی در داخل کشور آنها را سر هم کرد و محصول مونتاژ شده تولید کرد. در مراحل بعدی می توان با استفاده از کالاهای سرمایه ای وارداتی ، قطعات را در داخل تولید کرده و سپس کالای نهایی را تولید کرد.

انتخاب بخش صنعت به عنوان یک بخش پیشتاز

■ هیرشمن سه دلیل زیر را برای اولویت بخش صنعت بر بخش کشاورزی ذکر می کند:

■ همه کشورهای توسعه یافته صنعتی هستند.

■ بازده عوامل تولید در بخش صنعت از بخش کشاورزی بیشتر است.

■ توسعه بخش کشاورزی نیاز به محصولات صنعتی نظیر تراکتور، کمباین، کود شیمیایی، آبیاری پیشرفته و حمل و نقل پیشرفته دارد.

انتقادات وارد بر نظریه رشد نامتعادل

- با تمرکز سرمایه در یک بخش در جامعه دوگانگی ایجاد می شود.
- کشورهای در حال گذر به اندازه کافی نیروی متخصص برای اداره بخش پیشتاز و کلیدی را ندارند.
- مقایسه بخش کشاورزی یک روستای دور افتاده با یک کارخانه پتروشیمی پیشرفته از لحاظ بازدهی صحیح نیست.
- هیرشمن تأثیر پیوندها بر اقتصاد را به صورت مکانیکی می داند.
- اجرای این نظریه موجب فشارهای تورمی می شود.
- در اجرای برنامه های توسعه عوامل باز دارنده ای وجود دارد که در مقابل اجرای طرحهای بالاسری اجتماعی مقاومت منفی می کنند.

پایان

نظریه هیرسمن



فصل نهم ادامه

استراتژیهای عملی

طرح درس

۱- استراتژی پولی

۲- استراتژی اقتصاد باز

۳- استراتژی صنعتی شدن

۴- استراتژی انقلاب سبز

هدف کلی

هدف کلی این بخش آشنایی

دانشجویان با استراتژیهای

عملی توسعه اقتصادی است.

مقدمه

در این بخش پنج استراتژی
عملی توسعه اقتصادی
مورد بحث قرار می گیرد.

۱- استراتژی پولی

در این استراتژی محور اصلی توسعه بخش خصوصی است.

این استراتژی در پی کاهش نقش دولت در اقتصاد است.

۲- استراتژی اقتصاد باز

در استراتژی اقتصاد باز تأکید

خاص بر بخش تجارت خارجی و

سرمایه گذاری بخش خصوصی

خارجی است.

۳- استراتژی صنعتی شدن

این استراتژی بر خلاف

استراتژی پولی برای دولت

نقش کلیدی قائل است.

استراتژی جایگزینی واردات

■ جایگزینی واردات مستلزم کوشش برای جانشین کردن کالاهای صنعتی که قبلاً وارد می شده از طریق استفاده از منابع تولید و عرضه داخلی است. اولین استراتژی که بشر استفاده کرد استراتژی جایگزینی واردات و اولین کشور انگلستان بود. جایگزینی واردات به معنی توسعه صنعتی از طریق حمایت می باشد. استراتژی جایگزینی واردات لازمه اش آزادی اقتصادی در داخل و کنترل شدید خارجی است.

۴- استراتژی انقلاب سبز

در استراتژی انقلاب سبز محور اصلی بخش کشاورزی است.

چین و تایلند در به کارگیری این استراتژی موفق بوده اند.

۵- استراتژیهای

سوسیالیستی توسعه

در این استراتژی طرح و اجرای

برنامه های توسعه به عهده

دستگاه برنامه ریزی مرکزی

است.

پایان

فصل نهم



فصل نهم

نقش دولت در توسعه اقتصادی

طرح درس

۱. گسترش خدمات اجتماعی و زیرساختهای توسعه
۲. سیاست پولی، مالی و سیاست کسر بودجه
۳. بازرگانی بین المللی و سیاستهای حمایتی

هدف کلی

هدف کلی فصل هفتم آشنایی
دانشجویان با نقش دولت در
توسعه اقتصادی است.

مقدمه

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد یک لیبرال کلاسیک بود.
وی وظیفه دولت را تنها محدود به تأمین امنیت و
عدالت اجتماعی می دانست.

امروزه اقتصاددانان توسعه بر دخالت دولت در راه نیل به
توسعه اقتصادی تأکید می کنند.

اهم وظایف دولت در راستای دستیابی به توسعه اقتصادی

۱. گسترش خدمات اجتماعی و زیرساختهای توسعه
۲. سیاست پولی، مالی و سیاست کسر بودجه
۳. بازرگانی بین المللی و سیاستهای حمایتی

۱. گسترش خدمات اجتماعی و

زیرساختهای توسعه

خدمات اجتماعی نظیر توسعه آموزش و پرورش،

بهبود وضع بهداشت عمومی و ایجاد امکانات رفاهی

برای افراد جامعه توسط دولت صورت می گیرد بخش

خصوصی برای چنین فعالیتهایی انگیزه ندارد.

۲. سیاست پولی، مالی و سیاست کسر بودجه

دولت می تواند به وسیله اعمال سیاست پولی و مالی در شرایط مختلف اقتصادی، جامعه را به سوی توسعه اقتصادی حرکت دهد. مالیات، پرداختهای انتقالی و انتشار اوراق قرضه عمومی ابزارهای سیاست مالی هستند.

تغییر نرخ بهره، عرضه پول، کنترل اعتبارات ابزارهای سیاست پولی هستند.

۳. بازرگانی بین‌المللی و سیاست‌های حمایتی

اقدامات دولت در بازرگانی بین‌المللی عبارتند از:

۱. کاهش واردات کالاهای لوکس و مصرفی
۲. استفاده از کالاهای ساخت داخل
۳. اتخاذ قوانین صحیح در جهت تسهیل صادرات
۴. کمک و تشویق صادرکنندگان داخلی
۵. بستن تعرفه گمرکی بر کالاهای وارداتی

پایان

فصل هفتم



فصل هشتم

توزیع درآمد و توسعه اقتصادی

طرح درس

۱. توزیع درآمد شخصی
۲. توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید
۳. نحوه اندازه گیری توزیع درآمد
۴. منحنی لورنز
۵. ضریب جینی
۶. عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد
۷. نقش دولت را در توزیع عادلانه درآمد.

هدف کلی

هدف کلی آشنایی دانشجویان
با توزیع درآمد و نقش آن در
توسعه اقتصادی دیوید است.

مقدمه

■ تقریباً تمامی اقتصاددانان شکوفایی اقتصادی را مرهون دخالت‌های دولتهای در فعالیتهای اقتصادی می‌دانند. در حال حاضر یکی از مهمترین معیارهای توسعه اقتصادی توزیع مناسب و متعادل درآمد است. توزیع مناسب درآمد بدون دخالت دولت صورت نمی‌گیرد زیرا بخش خصوصی در کشورهای در حال گذر ناکارآمد بوده و تخصیص منابع را به سمت اهداف سود آور کوتاه مدت هدایت می‌کند و توزیع درآمد را به شدت نابرابر می‌نماید.

عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

- ۱. عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد
- ۲. عوامل سیاسی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

۱. عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

■ بین افراد مختلف تفاوت‌های فردی جسمی، روحی، وراثتی، وجود دارد. چون افراد از لحاظ درجه هوش، توانایی‌های جسمی ذاتی، مسئولیت‌پذیری، صبر و تحمل در مقابل مشکلات، قناعت و سازگاری با محیط تفاوت دارند لذا دو فرد با شرایط یکسان تحصیل و تجربه و سن دریافتی متفاوت دارند کاهش این تفاوتها بسیار مشکل بوده و در حوزه برنامه‌های توسعه نیست.

۲. عوامل سیاسی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

■ مسأله فقر و توزیع ناعادلانه درآمد منشأ سیاسی و نهادی دارد در کشورهای در حال گذر عوامل جبری شامل انواع تبعیضات نظیر تفاوت در حقوق زن و مرد، عدم رعایت حقوق کودکان و زنان سرپرست خانوار، تفاوت بین حقوق کارگران داخلی و خارجی و تفاوت بین افراد وابسته به مراکز قدرت سیاسی و افراد عادی و عوامل تصادفی نظیر خوش شانسی یا بدشانسی در زمینه پیدا کردن شغل مناسب، ادامه تحصیل، ازدواج، و استفاده از امکانات بر توزیع درآمد مؤثرند.

نقش دولت در توزیع عادلانه درآمد

■ بدون دخالت دولت توزیع درآمد حاصل از رشد اقتصادی به طور نامتعادل توزیع می شود و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی ایجاد می شود و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره مند می شوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیر خط فقر قرار می گیرند لذا دولت باید در امر توزیع درآمد، ثروت و فرصتهای شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید.

توزیع درآمد شخصی

■ برای درک مفهوم درآمد شخصی از یک مثال استفاده می کنیم. فرض کنید فرد "الف" ۱۰۰۰ واحد و فرد "ب" ۸۰۰ واحد درآمد دارند. این توزیع درآمد صرفاً با اشخاص یا خانواده ها و کل درآمدی که آنها دریافت می کنند سر و کار دارد و طریقه کسب درآمد در نظر گرفته نمی شود.

توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید

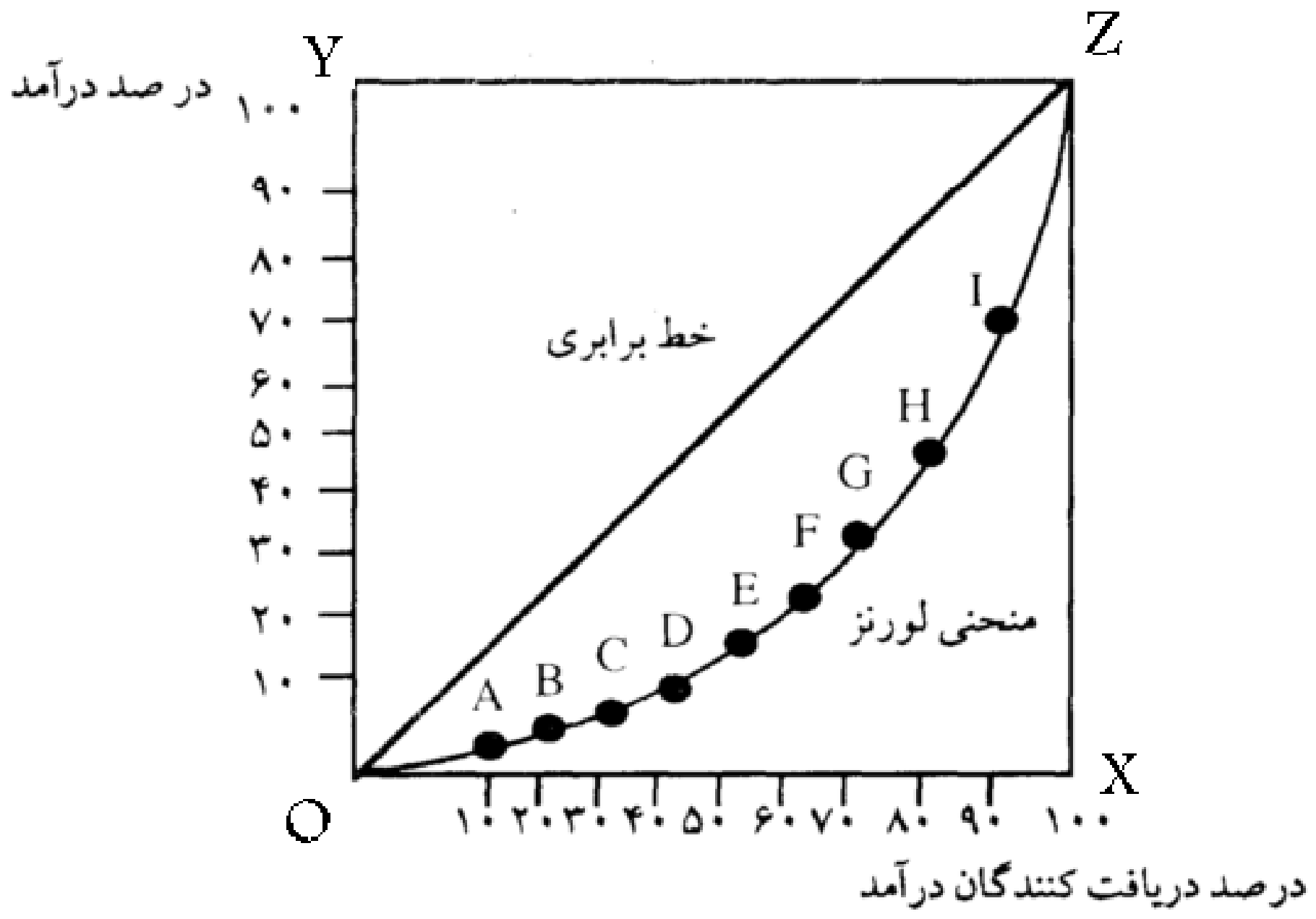
■ در این دیدگاه مقیاس توزیع درآمد درصدی از درآمد ملی است که نیروی کار به عنوان دستمزد دریافت می کند در مقایسه با درصدی از درآمد که به شکل سود، اجاره یا بهره توزیع می شود. به عنوان مثال فرض کنید ۱۰۰۰ واحد درآمد به صورت زیر توزیع شده است. این ارقام فقط می توانند نشان دهند که سهم کارگران، سرمایه داران، زمین داران و وام دهندگان از تولید ملی چقدر است. چون تعداد هر طبقه مشخص نیست راجع به عادلانه بودن یا ناعادلانه بودن توزیع نمی توان اظهار نظر کرد.

توزیع فرضی درآمد ملی بین عوامل تولید

دستمزد	سود	اجاره	بهره	سهام
۲۰۰	۳۵۰	۳۰۰	۱۵۰	ارقام مطلق
۲۰	۳۵	۳۰	۱۵	درصد

منحنی لورنز

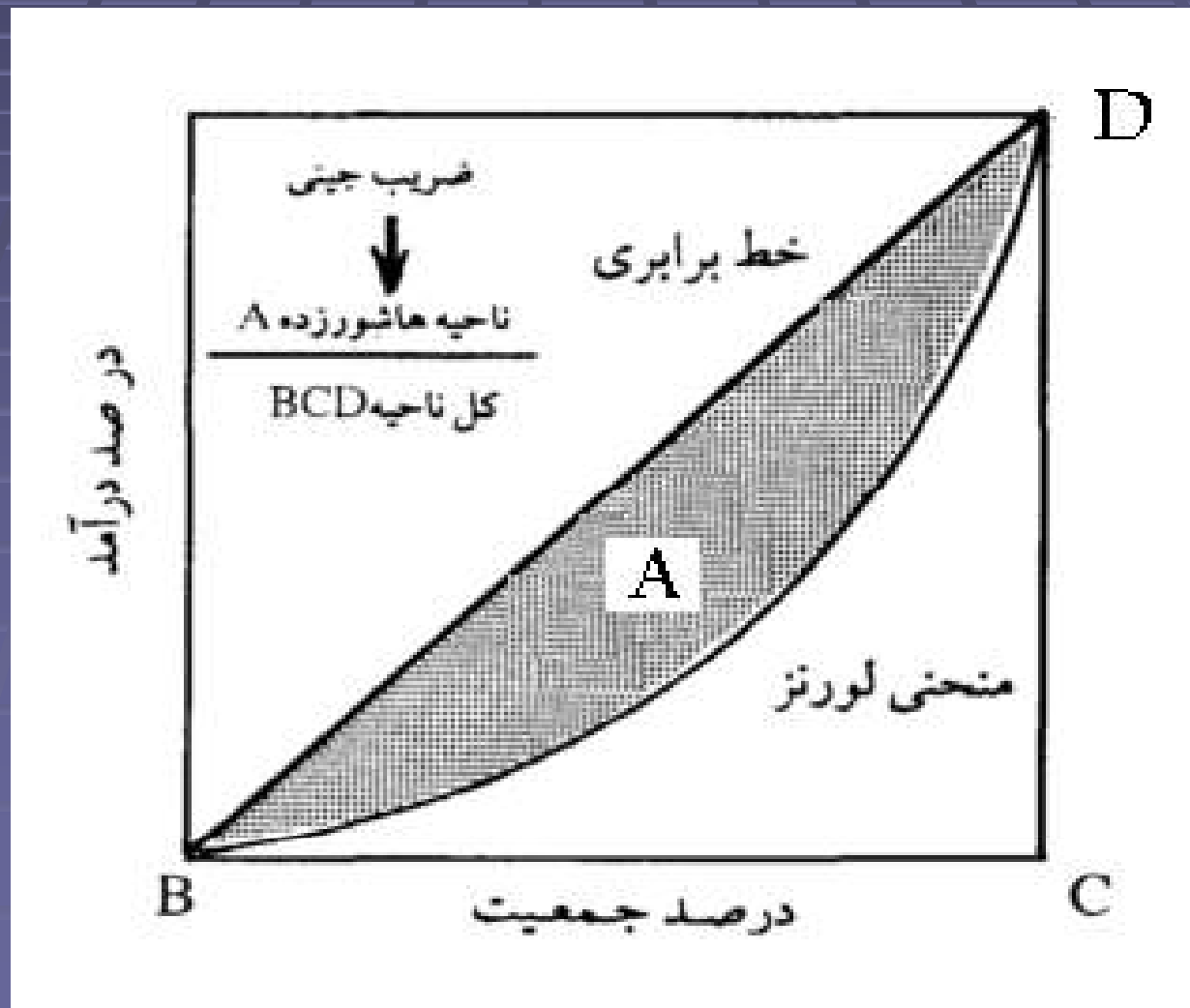
منحنی لورنز توزیع های درصد تجمعی درآمد خانوارها (در محور عمودی) را متناسب با توزیع های تجمعی تعداد خانوارها (در محور افقی) رسم می کند که مطابق با درآمد خانوارها از پایین به بالا مرتب شده اند.



ضریب جینی

■ ضریب جینی نسبت مساحت بین قطر مربع و منحنی لورنز به کل مساحت نصف مربع است. برای هر درصد دریافت کننده درآمد یک ضریب جینی به دست می آید مجموع ضرایب جینی کل دریافت کنندگان درآمد یک مقیاس اندازه گیری نابرابری درآمد جامعه است.

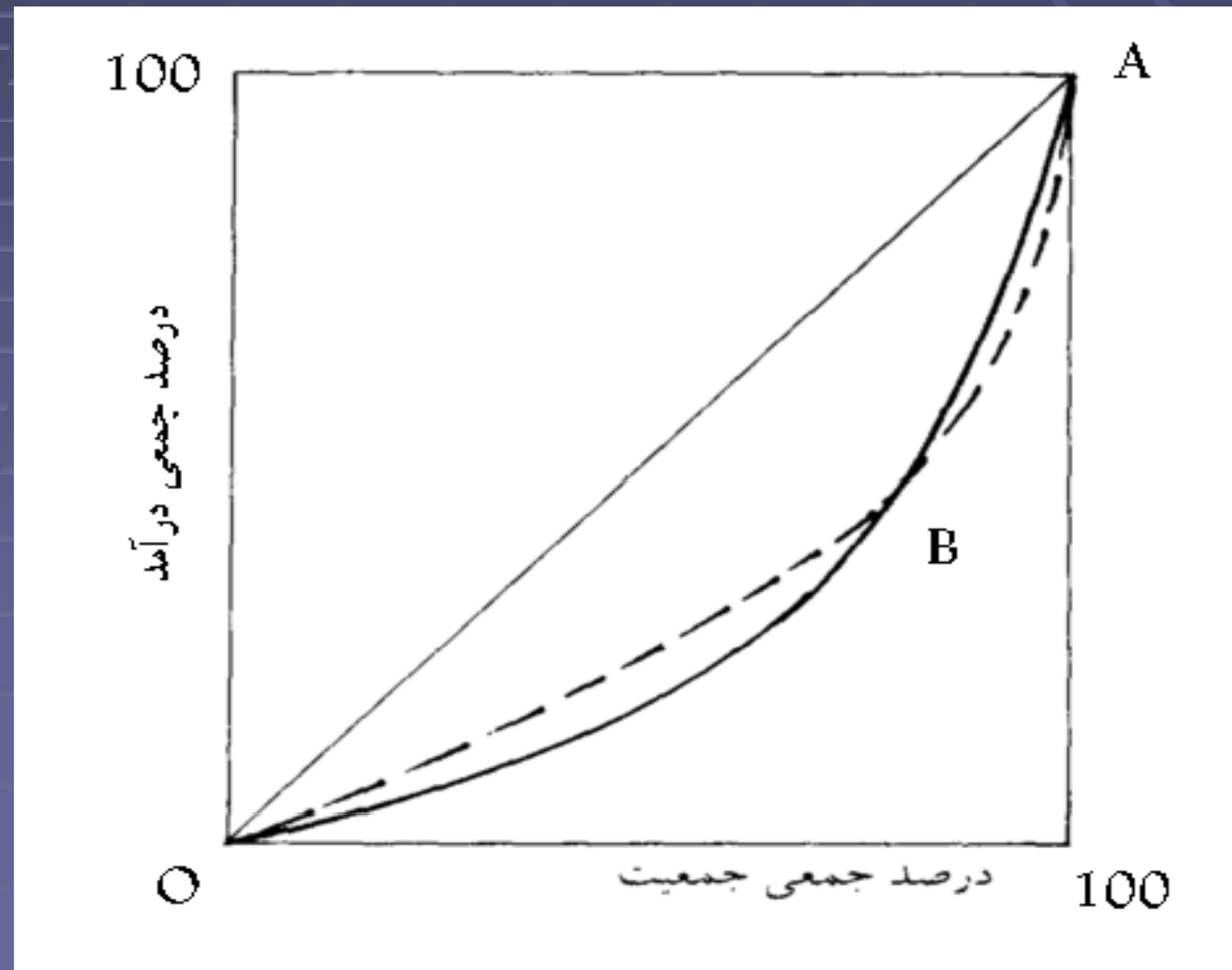
■ ضرایب جینی می تواند از صفر (برابری کامل) تا یک (نابرابری کامل) تغییر کند.



مقایسه ضریب جینی و منحنی لورنز

- دو منحنی لورنز رسم شده که هر دو ضریب جینی یکسانی را دارند اما توزیع درآمد در دو جامعه متفاوت است جامعه ای که منحنی لورنز آن نقطه چین است. در طبقات پایین ، درآمد نسبتاً عادلانه تر است و در طبقات بالاتر ناعادلانه تر است. جامعه ای که منحنی لورنز آن خط پر است در طبقات پایین درآمد نابرابرتر از طبقات بالا است.

مقایسه دو منحنی لورنز با ضرایب جینی یکسان و توزیع متفاوت درآمد



پایان

فصل هشتم



فصل نهم

نقش آموزش و پرورش

در

توسعه اقتصادی

طرح درس

انباشت سرمایه انسانی
مشخصه های سرمایه گذاری آموزشی
انواع آموزش و پرورش
هزینه های آموزش و پرورش
هزینه های اجتماعی و فردی هزینه های آموزش و پرورش
هزینه فرصت از دست رفته فرد آموزش گیرنده
منافع آموزش و پرورش
فرار مغزها
بیکاری تحصیل کرده ها

هدف کلی

هدف کلی فصل هجدهم آشنایی دانشجو
با نقش آموزش و پرورش در توسعه
اقتصادی است.

مقدمه

■ امر آموزش از جهات متفاوتی در مسائل مربوط به تولید اقتصادی مورد توجه قرار می گیرد. توسعه اقتصادی مستقل از توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و علمی نیست. تمام ابعاد توسعه به یکدیگر پیوسته اند و بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند. علم اقتصاد به شاخه های متعددی تقسیم شده است اقتصاد آموزش یکی از شاخه های مهم علم اقتصاد است که در اوایل دهه ۱۹۶۰ ایجاد شد.

■ سرمایه انسانی نسبت به سرمایه فیزیکی مزیت دارد زیرا سرمایه انسانی به ندرت استهلاک پیدا می کند و بر اثر استفاده بیشتر ارتقاء می یابد در صورتی که سرمایه مادی مستهلک می شود و در اثر استفاده بیشتر از میزان و کیفیت آن کاسته می شود.

تعریف انباشت سرمایه انسانی

■ برای توسعه اقتصادی هم نیاز به انباشت سرمایه فیزیکی و مادی نظیر ساختمان، ماشین آلات، جاده، سد و پول است و هم نیاز به سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی به معنی افزایش توانمندی افراد در تولید کالاها و خدمات است هرگونه آموزش و یادگیری که ظرفیت تولیدی افراد را افزایش دهد یک نوع سرمایه انسانی است. انباشت سرمایه انسانی به معنی روند تشکیل و افزایش تعداد افرادی است که دارای مهارتهای فنی، آموزش و تجربه می باشند و وجود آنها برای توسعه اقتصادی کشور ضروری است.

مشخصه های سرمایه گذاری آموزشی

■ آموزش هم مصرف است و هم سرمایه گذاری، از یک سو منافع فوری آن مطرح است و از سوی دیگر کمک آن به ایجاد درآمد در آینده از طریق تولید و تربیت کارگران ماهر که قادرند در آینده ظرفیتهای تولیدی خویش را افزایش داده و درآمدهای بالاتری دریافت دارند. آموزش و پرورش یکی از باثبات ترین بخش های اقتصادی هر جامعه به حساب می آید، سایر بخش های اقتصادی نظیر بخش کشاورزی و بخش صنعت غالباً با رکود و رونق مواجه می شوند. طبیعت آموزش و پرورش موجب شده که این بخش از ثبات و تعادل بیشتری برخوردار شود.

انواع آموزش و پرورش

■ آموزش توانایی های افراد را افزایش می دهد و افراد آموزش دیده نسبت به قبل از آموزش بازدهی بیشتری در تولید کالاها و خدمات دارند. آموزش به دو صورت رسمی و غیررسمی عرضه می شود. که هر کدام از آنها انواع مختلفی دارند.

۱. آموزش و پرورش رسمی

■ رایج ترین نوع آموزش ، آموزش رسمی است که با ضوابط خاصی فرد متقاضی تحصیل را می پذیرد در این نوع آموزش معلمین و مربیان دارای مدرک تحصیلی و ویژگی های خاصی هستند دوره زمانی و محتوی مواد آموزشی مشخصی و استاندارد است. در طول دوره فرد ساعات معینی را در مکان معینی حضور پیدا می کند و پس از طی دوره امتحان می دهد برای گذارندن دوره حداقل نمره لازم را می آورد و به دوره بالاتر ارتقاء می یابد.

۲. آموزش غیر رسمی

- آموزش غیر رسمی آموزشی است که مدرک معتبر و استاندارد به آموزش دیده نمی دهند. این نوع آموزش نیز بر توانایی های فرد تأثیر می گذارد
- آموزش غیر رسمی دو نوع است :
 ۱. آموزش غیر رسمی دوره ای
 ۲. آموزش آزاد و همگانی

هزینه های آموزش و پرورش

■ هزینه های آموزش و پرورش به دو بخش هزینه های اجتماعی و فردی تقسیم می شود:

■ هزینه های اجتماعی: هزینه هایی را که جامعه و عمدتاً دولت برای امر آموزش به مصرف می رساند و بابت آن از فرد آموزش دیده ما به ازایی دریافت نمی کند، هزینه های اجتماعی آموزش گویند.

■ هزینه های فردی: این هزینه ها شامل هزینه های آشکار نظیر پرداخت شهریه، خرید کتاب و لوازم التحریر و هزینه های فرصت از دست رفته فردی است.

منافع آموزش و پرورش

■ منافع آموزش و پرورش به دو دسته تقسیم می شود:

■ منافع مستقیم آموزش: عبارتست از افزایش بهره وری ناشی از آموزش یک دوره تحصیلی که موجب افزایش درآمد ملی جامعه می شود.

■ منافع غیر مستقیم آموزش: عبارتست از میزان استفاده دیگران از فرد آموزش دیده و تأثیر در بهره وری کار آنها و نیز تأثیر آن در بیداری استعدادها نوآوری و ابتکار و اثر آن در کاهش تضادهای سیاسی و اجتماعی.

فرار مغزها

■ آموزش نقش مهمی در مهاجرت های بین المللی دارد. هر چه تحصیلات افراد در کشورهای در حال گذر بالا می رود. احتمال مهاجرت آنها به کشورهای صنعتی بالا می رود. فرار مغزها به معنی مهاجرت افراد تحصیل کرده و ماهر و نیروی انسانی فنی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته است.

بیکاری تحصیل کرده ها

■ به خاطر ناهماهنگی عرضه و تقاضای آموزش نیروهای تحصیل کرده کشورهای در حال گذر پاسخ گوی نیازهای تخصصی این کشورها نیستند و این امر موجب بیکاری تحصیل کرده ها از یک سو و کمبود نیروی متخصص در رشته هایی که کمبود تحصیل کرده دارند می شود.

پایان

ع



فصل دهم

تکنولوژی و توسعه اقتصادی

طرح درس

۱- مقدمه

۲- تعریف تکنولوژی

۳- انواع تکنولوژی

۴- آثار تحولات تکنولوژی

۵- فرایند توسعه تکنولوژی

هدف کلی

هدف کلی آن است که

دانشجو با رابطه تکنولوژی

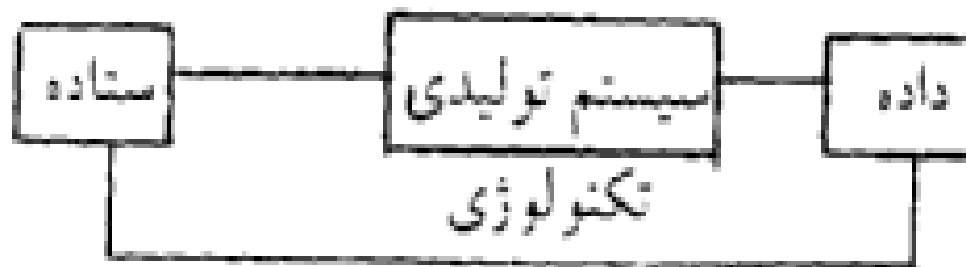
و توسعه اقتصادی آشنا شود.

مقدمه

تکنولوژی ابزاری است که در جریان تبدیل
نهاده ها به ستاده ها نقش به سزایی دارد.
تکنولوژی در کنار سایر منابع و عوامل
تولیدی مانند زمین، سرمایه، نیروی انسانی،
و مدیریت از جمله عوامل مؤثر بر رشد
اقتصادی در نظر گرفته می شود.

تعریف تکنولوژی

تکنولوژی عامل تبدیل کننده منابع طبیعی، زمین، سرمایه و نیروی انسانی به کالای ساخته شده است.



مأخذ: دکتر مرتضی اهبانی راد، جزوه درسی توسعه اقتصادی، صفحه ۷

تکنولوژی به دو صورت تعریف می شود:

۱. تکنولوژی عاملی است که با استفاده از همان میزان قبلی از عوامل تولید، امکان تولید بیشتر را فراهم می کند.

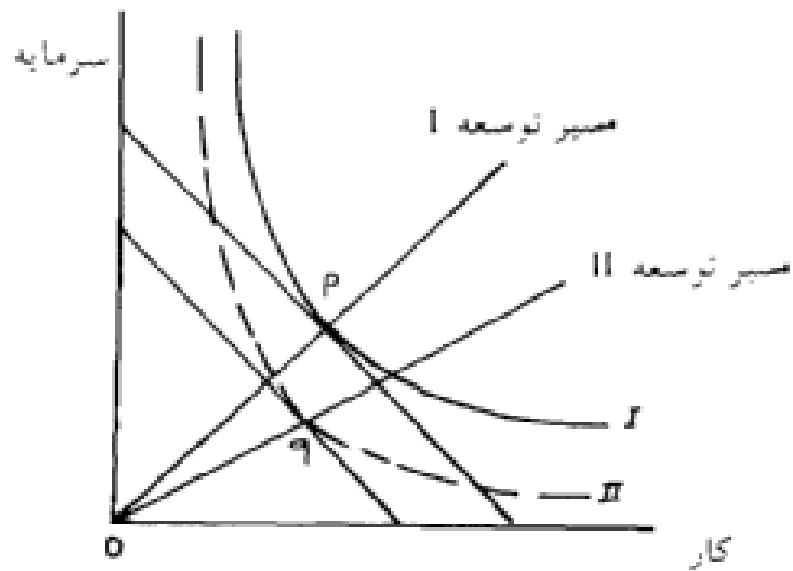
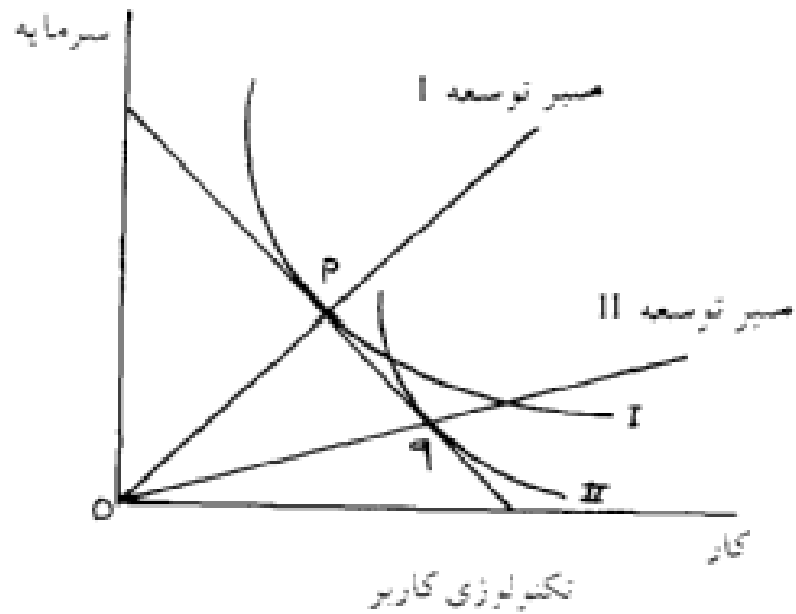
۲. تکنولوژی عاملی است که با استفاده از مقادیر کمتری از عوامل تولید، امکان تولیدی به همان مقدار محصول به دست می آید.

انواع تکنولوژی

۱. تکنولوژی کاربر

۲. تکنولوژی سرمایه بر

۳. تکنولوژی خنثی

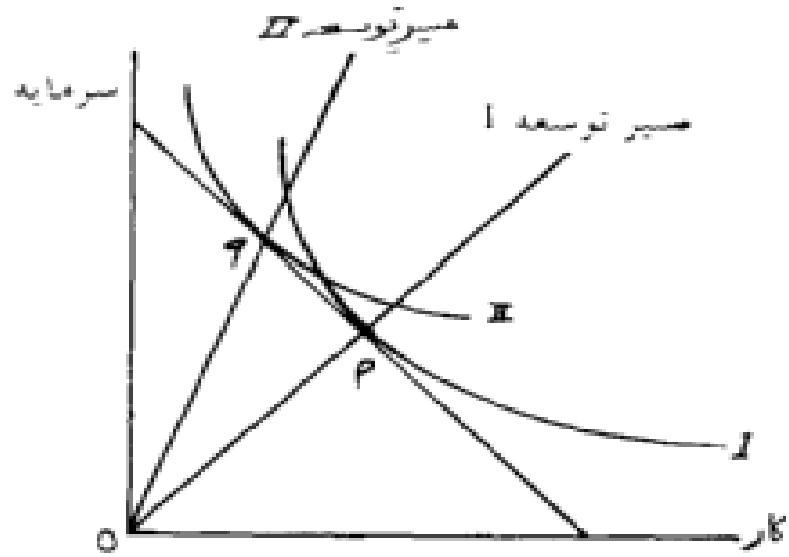


۱. تکنولوژی کاربر

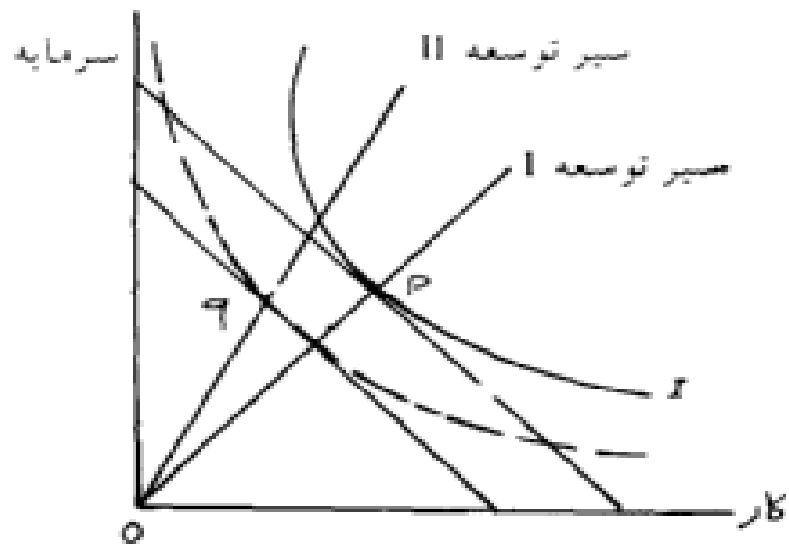
در این تکنولوژی نسبت
به کارگیری سرمایه به
نیروی کار کاهش می
یابد.

۲. تکنولوژی سرمایه بر

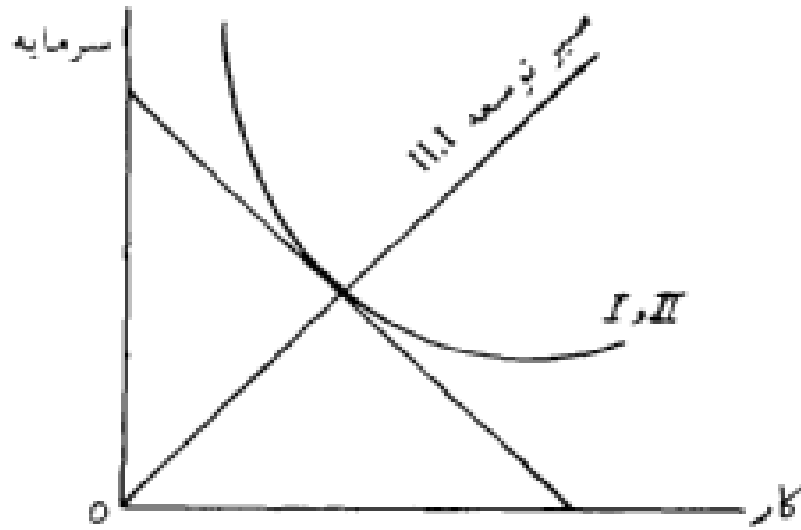
در این تکنولوژی نسبت به کارگیری سرمایه به نیروی کار افزایش می یابد.



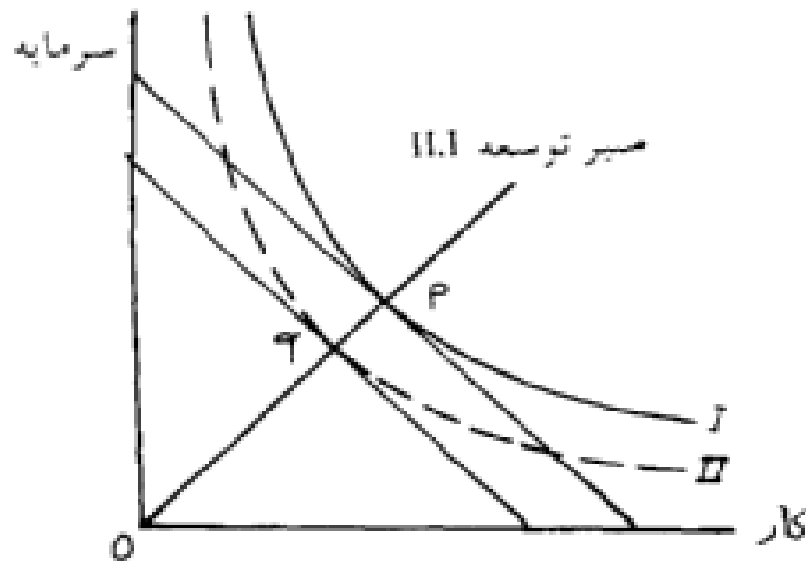
تکنولوژی سرمایه بر



۲. تکنولوژی خنثی
 در این تکنولوژی
 نسبت به کارگیری
 عوامل تولید تغییر
 نمی کند.



نمودار الف تکنولوژی خنثی



آثار تحولات تکنولوژی

تحولات تکنولوژی تولید دو اثر دارد:

۱. اثر کوتاه مدت در سطح خرد

۲. اثر بلند مدت در سطح کلان

اثر تغییر در تکنولوژی تولید در کوتاه مدت به صورت زیر قابل مشاهده است:

۱. افزایش محصولات بیشتر در واحد زمان

۲. کاهش قیمت محصولات

۳. تولید محصول جدید

۴. ارتقاء کیفیت محصولات

فرایند توسعه تکنولوژی

خلق تکنولوژی جدید نتیجه فرایند نوآوری تکنولوژیکی است.

انتشار + اختراع = نوآوری

فرایند تکنولوژی دارای سه مرحله است:

۱. اختراع

۲. فعالیتهای بین اختراع تا اولین کاربرد

۳. جایگزینی و انتشار تکنولوژی جدید و منسوخ شدن تکنولوژی قبلی

پایان

تئوری جان استوارت میل



بخش دوم

برنامه ریزی اقتصادی

طرح درس

تعریف برنامه ریزی ■

انواع برنامه ریزی ■

برنامه ریزی دستوری ■

برنامه ریزی ارشادی ■

برنامه ریزی در یک اقتصاد مختلط ■

مدل جامع ■

هدف کلی

■ هدف کلی این بخش آشنایی
دانشجویان با برنامه ریزی
اقتصادی است.

مقدمه

تمامی کشورها با هر نوع نظام اقتصادی در فعالیتهای اقتصادی خود از برنامه ریزی استفاده می کنند. بنابراین لازم است که با برنامه ریزی و انواع آن آشنا شویم. هیچ کشور توسعه یافته ای نیست که از برنامه ریزی استفاده نکرده باشد حتی کشورهای سرمایه داری برای تنظیم بازار و تولید کالاها و خدمات عمومی از برنامه ریزی استفاده می کنند.

تعریف برنامه ریزی

▪ تودارو برنامه ریزی اقتصادی را تلاش آگاهانه دولت در جهت هماهنگ تصمیمات اقتصادی در بلندمدت و تأثیر گذاشتن، جهت دادن در برخی موارد حتی کنترل سطح رشد متغیرهای اصلی اقتصادی یک کشور (مانند درآمد، مصرف، اشتغال، سرمایه گذاری، پس انداز، صادرات و واردات و غیره) برای رسیدن به یک سلسله هدفهای از قبل تعیین شده توسعه می داند.

■ زوئینگ برنامه ریزی را به معنی برنامه ریزی همه جانبه اقتصاد ملی می داند.

■ به نظر پرفسور رایس برنامه ریزی اقتصادی عبارت از کنترل کلی ابعاد فعالیتهای بخش خصوصی در تولید تجارت خارجی است.

■ به نظر موسوی جهرمی برنامه ریزی اقتصادی فرایندی است که طی آن به صورت آگاهانه و ارادی به منظور حصول به اهداف مشخص اقتصادی مانند ایجاد تغییرات مطلوب در متغیرهای کلان اقتصادی چون تولید ناخالص ملی، مصرف، پس انداز، سرمایه گذاری و ... تصمیم گیری می شود.

شرایط لازم برای کسب موفقیت برنامه ریزی اقتصادی

۱. سازمان برنامه ریزی
۲. اطلاعات آماری
۳. تعیین اهداف
۴. تعیین اولویتها
۵. آماده و مهیا نمودن منابع اقتصادی
۶. تعادل در برنامه
۷. وجود تشکیلات اداری سالم
۸. سیاست مناسب توسعه
۹. صرفه جوییهای اقتصادی در بخش دولتی
۱۰. بنیاد آموزشی و همکاری عمومی
۱۱. الگوی مصرف

انواع برنامه ریزی

۱. برنامه ریزی اقتصادی نظام سرمایه داری

۲. برنامه ریزی سوسیالیستی

۳. برنامه ریزی اقتصادی در نظامهای مختلط

۴. برنامه ریزی توسعه

مراحل برنامه ریزی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه

۱. برنامه ریزی پروژه های منفک

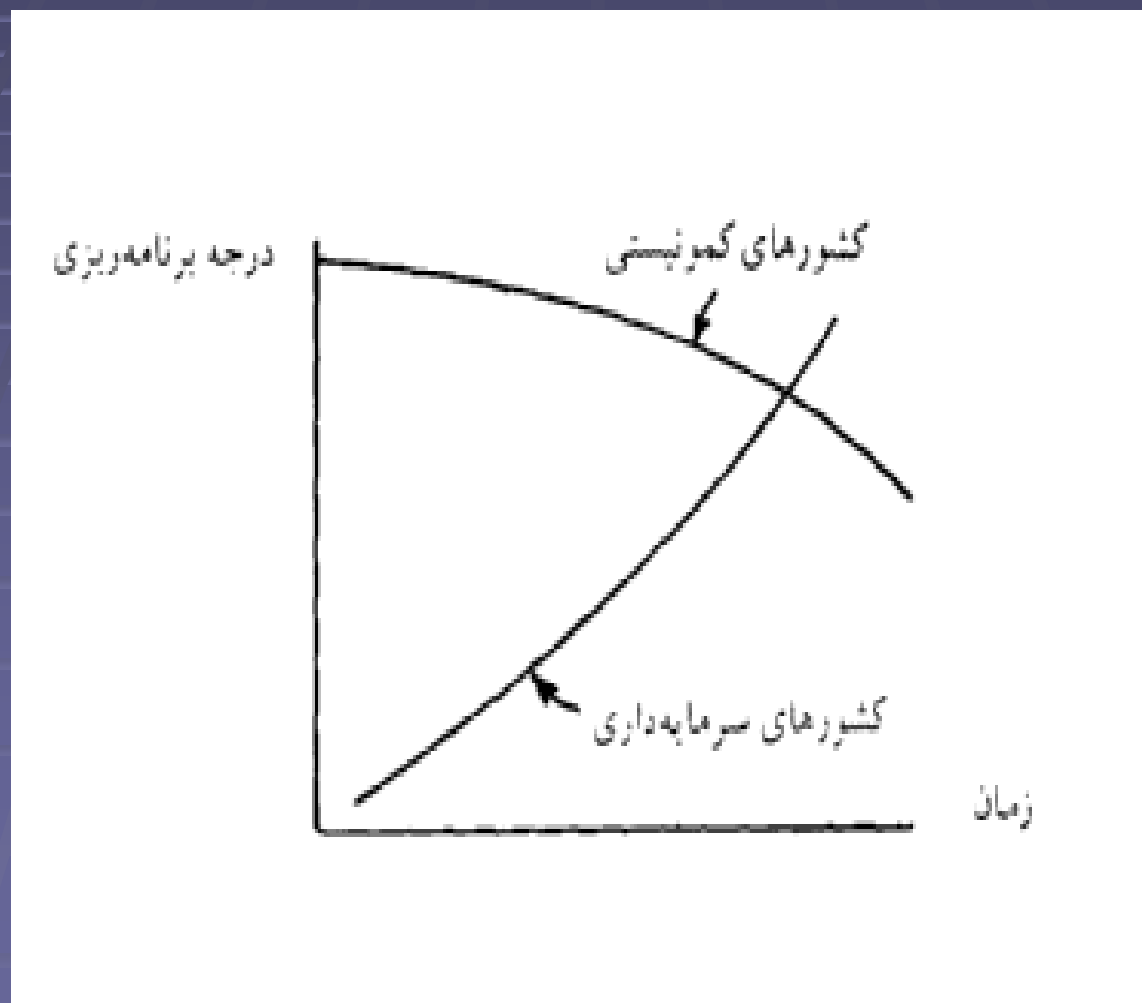
۲. برنامه ریزی سرمایه گذاری تلفیق شده

دولتی

۳. برنامه ریزی جامع

۴. برنامه ریزی هسته های اصلی

روند برنامه ریزی در کشورهای سرمایه داری و کشورهای کمونیستی



انواع برنامه ریزی به اعتبار جامعیت

۱. برنامه جامع

۲. برنامه محدود

انواع برنامه ریزی به اعتبار الزام در اجرا

۱. برنامه ریزی اخباری

۲. برنامه ریزی دستوری

۳. برنامه ریزی ارشادی

۴. برنامه ریزی مختلط

برنامه ریزی از نظر مدت اجرا

۱. برنامه ریزی کوتاه مدت

۲. برنامه ریزی میان مدت

۳. برنامه ریزی بلند مدت

برنامه ریزیبه اعتبار حوزه شمول جغرافیایی برنامه

۱. برنامه ریزی محلی

۲. برنامه ریزی منطقه ای

۳. برنامه ریزی ملی

۴. برنامه ریزی بین المللی

برنامه ریزی به اعتبار نحوه تهیه برنامه

۱. با مشارکت مردم ■

۲. بدون مشارکت مردم ■

برنامه ریزی سطح برنامه

- ۱. برنامه ریزی کلان
- ۲. برنامه ریزی بخش
- ۳. برنامه ریزی طرح

مراحل برنامه ریزی اقتصادی

۱. تعیین نوع مناسب برنامه
۲. تدوین و ایجاد نظام برنامه ریزی
۳. تعیین اهداف کیفی
۴. برنامه ریزی کلان
۵. برنامه ریزی بخشی
۶. برنامه ریزی طرح

جدول شماره یک

انواع برنامه		جامع										
		محدود					اجباری					
		تخلی		تشدید			تخلی		اجباری			
بدون مشارکت مردم	با مشارکت مردم	بدون مشارکت مردم	با مشارکت مردم	بدون مشارکت مردم	با مشارکت مردم	بدون مشارکت مردم	با مشارکت مردم	بدون مشارکت مردم	با مشارکت مردم	بدون مشارکت مردم	با مشارکت مردم	
عوامل ابتدایی	تخلی											
	اجباری											
	تخلی											
عوامل اجتماعی	تخلی											
	اجباری											
	تخلی											
عوامل فنی و مدیریتی	تخلی											
	اجباری											
	تخلی											

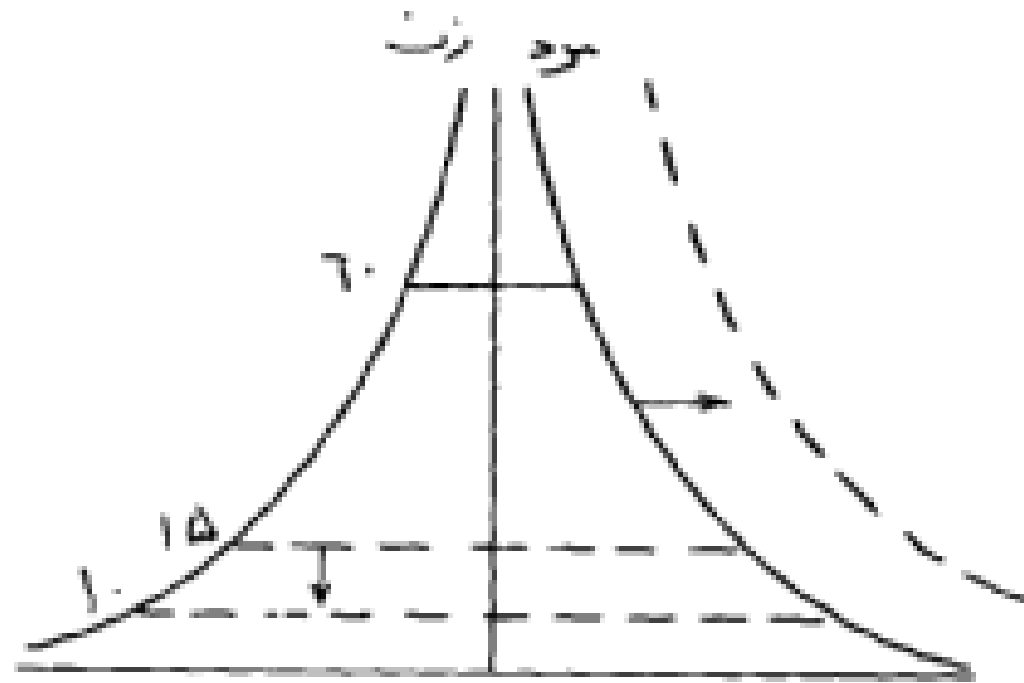
10: در جدول فوق عدد و رقم مطرح نیست بلکه فقط مسئله سازگاری و یا عدم سازگاری مطرح است.

11: بدم ← با مشارکت مردم

12: بدون م ← بدون مشارکت مردم

جدول شماره ۲ (به صورت مثال فرضی)

اهداف کیفی	شاخصهای اندازه گیری	وضع موجود شاخص در سال پایه	وضع شاخصها در سال پایانی برنامه
افزایش بازدهی سرانه	$\frac{\text{کل تولید}}{\text{کل شاخصین}}$	۲۰۰۰ ریال در روز	> ۲۰۰۰
استقلال اجتماعی -	$\frac{\text{خرید اموزش هنر و حرفه ای کشور}}{\text{کل نیروی کار}}$	٪۲۵	$> ٪۲۵$
اقتصادی	$\frac{\text{تولید کلانی سرمایه در واحد}}{\text{کل سرمایه گذاری در ماشین آلات}}$	٪۱۵	$> ٪۱۵$
حل و فصل مشکلات	$\frac{\text{جوانان بیکار ۱۵۱ تا ۳۰ سال}}{\text{کل جمعیت فعال جوانان}}$	٪۳۰	$< ٪۳۰$
جوانان	$\frac{\text{تعداد تشکیل خانواده جوانان}}{\text{تعداد کل نیاز تشکیل خانواده جوانان}}$	٪۵۰	$> ٪۵۰$

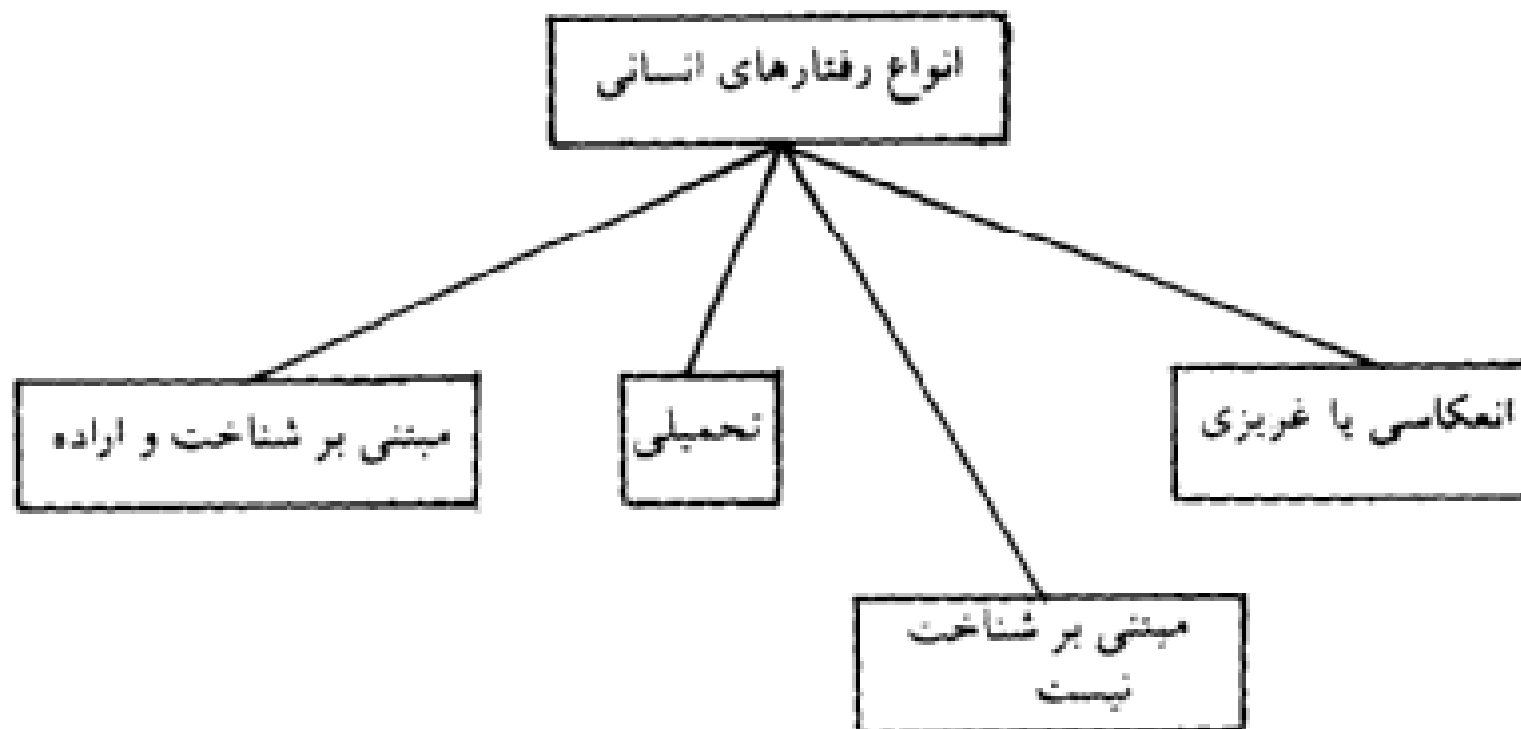


هرم سنی کشورهای در حال توسعه

جدول شماره ۳

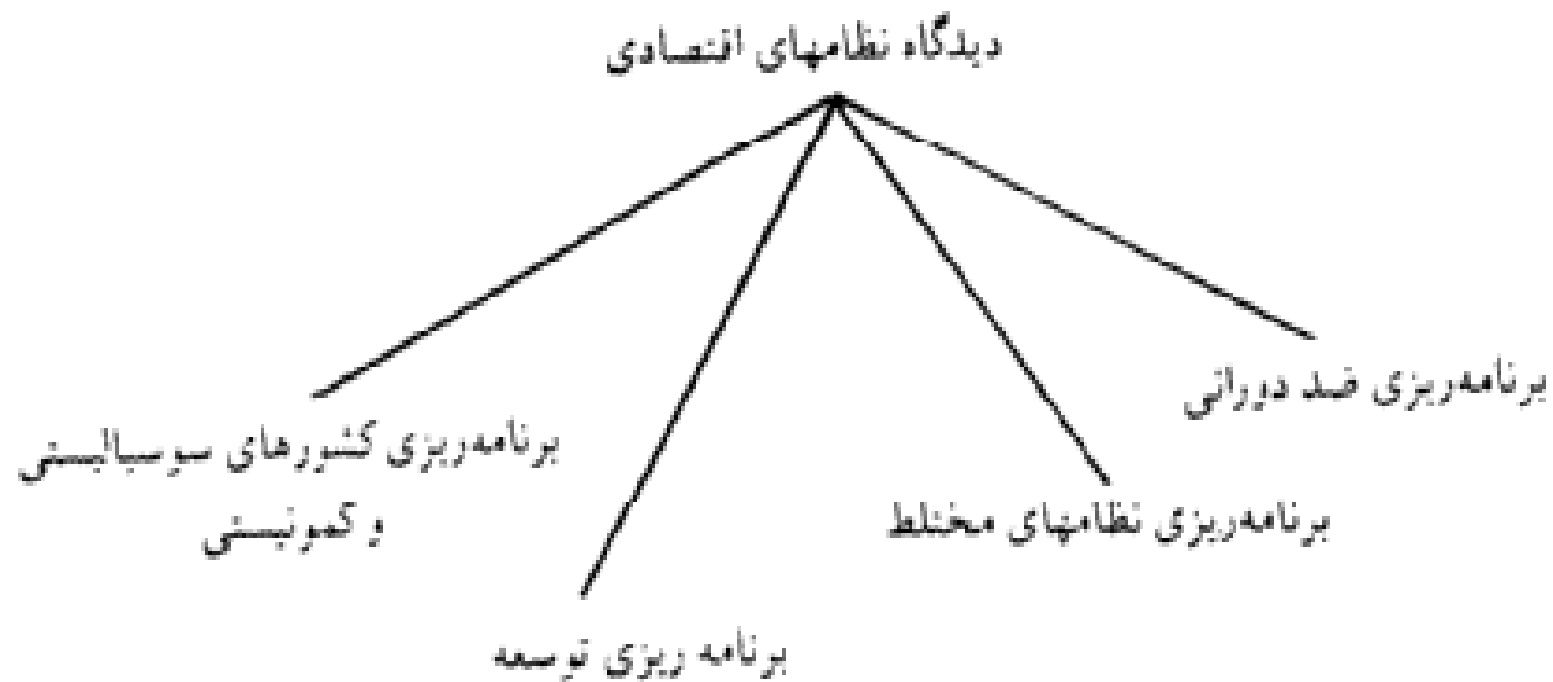
ردیف	اهداف کیفی	شاخصهای اندازه گیری	وضع موجود شاخصها	مقادیر شاخصها در سناریوهای انتخابی		
				۱	۲	۳
۱	افزایش بازدهی سرمایه	کل تولید کل شاخص	۲۰۰۰ ریال در روز	۲۲۰۰ ریال ۲۶۶۶	۲۵۰۰ ریال ۲۶۶۶	۲۸۰۰ ریال ۲۶۶۶
۲	استقلال اجتماعی	ضرورت آموزش سر و سرمدت کشور کل نیروی کار	۱۲۵	۱۲۷	۱۳۰	۱۲۶
	اقتصادی	تولید کل ملی سرمایه در داخل کل سرمایه گذاری در ماشین آلات	۱۱۵	۱۱۹	۱۱۹	۱۱۷
۳	حل و فصل مشکلات	جوانان بیکار ۱۵۱ تا سرسبز کل جمعیت فعال جوانان	۱۳۰	۱۲۵	۱۲۹	۱۲۸
	جوانان	تعداد تنگنا خانواده جوانان تعداد کل نیاز تشکیل خانواده جوانان	۱۵۰	۱۵۲	۱۵۲	۱۵۳

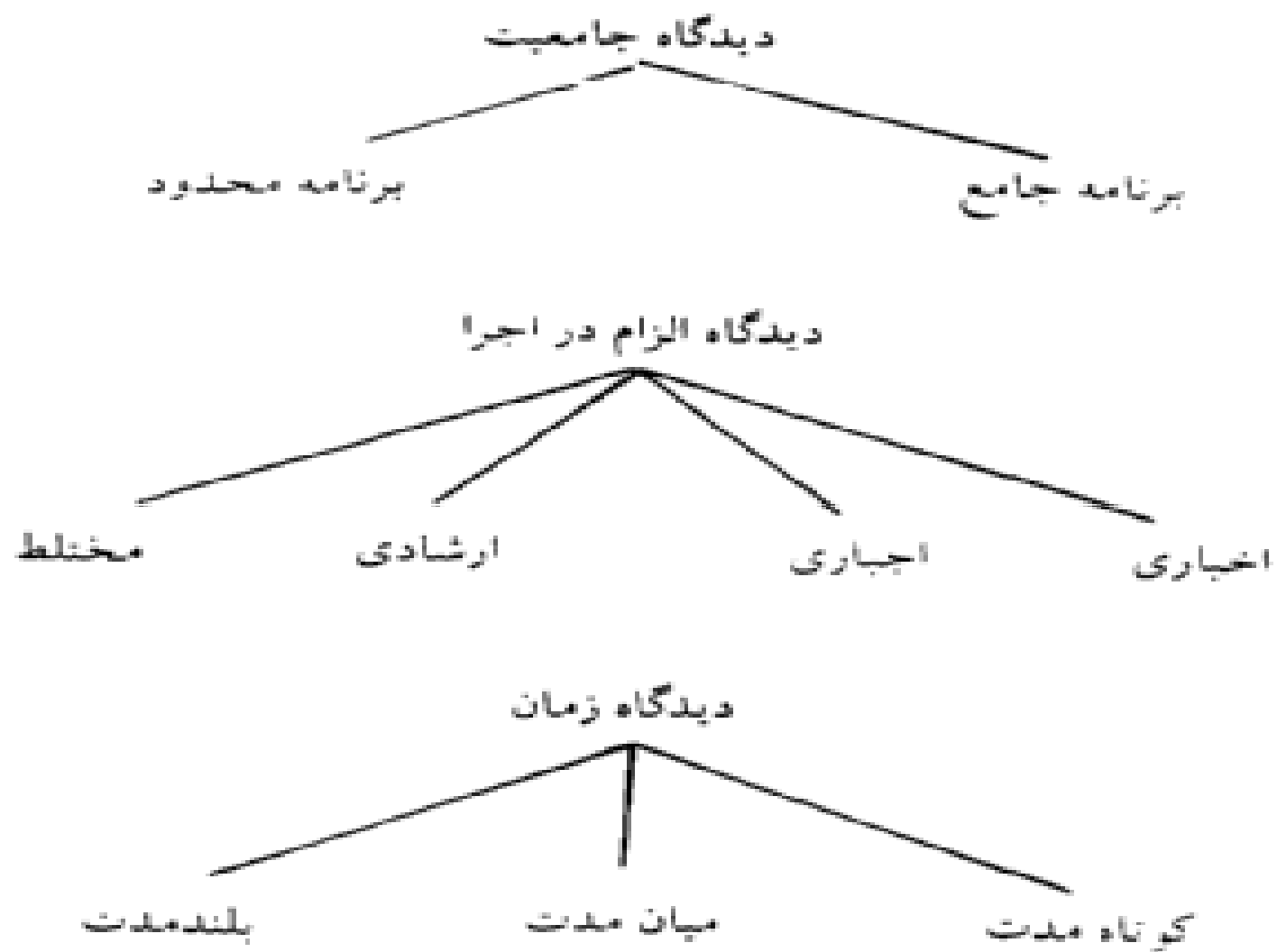
۴- خلاصه مطالب و نمودارها



انواع برنامه‌ریزی اقتصادی

برنامه‌ریزی اقتصادی از دیدگاه‌های گوناگون طبقه‌بندی می‌شود:





دیدگاه حوزه شمیرل جغرافیائی برنامه



دیدگاه نحوه تهیه برنامه



مراحل برنامه‌ریزی

- مرحله ۱- تعیین نوع مناسب برنامه
- مرحله ۲- تدوین و ایجاد نظام برنامه‌ریزی
- مرحله ۳- تعیین اهداف کیفی



مرحله ۴- برنامه‌ریزی کلان

- تبدیل اهداف کیفی به کمی
- تعیین متغیرهای اساسی اولیه
- تشخیص متغیرهای کلان بخشی مورد نیاز
- تشخیص متغیرهایی برای بررسی سازگاری مدل
- دسته‌بندی متغیرهای بیرونی و درونی
- نوشتن معادلات متغیرهای درونی
- مشخص کردن متغیرهای تبعی
- تعیین سناریو
- استنتاج خط مشی
- تعیین چهارچوب کلان بخشی



مرحله ۵- برنامه‌ریزی بخشی

- تعیین متغیرهای کلان بخشها بوسیله خواندن متن برنامه کلان
- تعیین زیربخشها
- رفت و برگشت بین برنامه بخشها و کلان
- تهیه پیش‌نویس برنامه بخشها
- انجام اصلاحات
- پس از رفت و برگشتهای مکرر تهیه برنامه هر بخش



مرحله ۶. برنامه‌ریزی طرح

- تعیین جارجوب زیربخش از طریق بخش مربوطه
- طراحی پروژه‌های مختلف به منظور تأمین نقش هر زیربخش در اهداف بخش
- انتخاب از میان پروژه‌های طراحی و ارزیابی شده

پایان

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com